

آذربایجان تربیت معلم ییلی یوردونون اؤیرنجی درگیسی، سای ۵، قیزاران آی ۱۳۸۱

ایکی لیکده

گل بولک دونیانی ایکی لیکده بیز  
دره منه دوشسون، داغی سن گۆتور  
قالسین یئر اوزونده قوشا ایزیمیز  
قارا منه دوشسون، آغی سن گۆتور

□ □

ایلین اولادیق یاز لاقیش کیمی  
فصیلر یاشاسین یاناشی منده  
بیزکی بیر یئرده بیک، گوز له قاش کیمی  
گوز لر سنده قالسین، گوز یاشی منده

□ □

گوندوز گنجه نی عزیز ساخلایاق  
گونش سنه دوشسون آی منه قالسین  
جوشقون سنلر کیمی بیرگه چاغلایاق  
دهنیز سنین اولسون چای منه قالسین

□ □

بیزیک بو دونیا یا سنینله شریک  
بیز سیزنه قیش گولر نه ده کی باهار  
حیات داهر شیئی بۆله بیلهریک

آما بۆلونه یین

بیر سنوگی میزوار

● نبی خزری

دونیادا قارالیقلار اگر جمع اوله باهم بیر خیرداجا شمعین ایشیقین سوندره بیلمز



● کارکرد مطبوعات در جوامع مختلف

● دکتر چهرگانی تبرئه شد

● احزاب سیاسی مرکز و خواسته های مردم آذربایجان

● لزوم فدرالیسم در ایران

● «شمس تبریز» لغو امتیاز شد

● قطران تبریزی، مظلوم دست نوجه های کسروی

● متجاوز

● نگاهی به مطبوعات آذربایجان، خبر لر

● اورمونون «سنوینج» گروهو نجه یارانیب



«هو»  
اوزه خار  
گل رزق ایتدی  
گوروت ب خنار

سینه بند اولوب ارحال بئله بند ایتدی زاری  
کی کورده کجه غمب قاناغرق اولدی شمشیر  
به قیاردی یا خجالتدن بیر نذر کت خناری

## کنگره بزرگداشت نظامی گنججوی

کنگره بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی در آبانماه سال جاری برگزار میگردد. بدینوسیله از کلیه اندیشمندان و محققان علاقمند دعوت بعمل میآید که آثار و مقالات خود را در موضوعات زیر تا مورخه ۸۱/۷/۱۰ به آدرس زیر ارسال نمایند.

موضوعات پیشنهادی:

- نقش جهانی نظامی در ادبیات
- نظامی از دیدگاه بزرگان
- شرایط فرهنگی دوران نظامی
- نقش فولکلورهای آذربایجانی در اشعار نظامی
- و موضوعات دیگر

آدرس: ارومیه - کیلومتر ۱۱ جاده سرو - پردیس نازلو - خانه فرهنگ، دبیرخانه کنگره نظامی  
تلفاکس: ۰۴۴۱-۲۷۷۹۷۷۹

حوزه معاونت دانشجویی و اداره کل فوق برنامه  
دانشگاه ارومیه

« قور خو »

من قور خورام ، سن قور خورسان ،  
اودا قور خور ، بودا قور خور ،

بیز قور خوروق .

تزه فیکیر بنینیمیزه گلن کیمی

تنز قور خوروق .

باشقاسیندان قور خور دوغوموز بس دنیلمیش

اوزوموزدن بیز قور خوروق !

قور خو ، قور خو !

بیر قورد اولوب یئیر بیزی ایچیمیزدن ،

نه گوز لیبر وطن بیزدن ؟

اراده یوخ ،

کیشیلیک یوخ .

بیز قور خوروق ،

بیز سوسوروق .

فیکیر اولور ،

جان سوستالیر ،

اورک دونور ،

روح بوغولور .

قور خو بیزیم دیلمیزده کیلید اولور ،

بنینیمیزده قیفیل اولور .

درد بودور کی ، بو دردی ده

بیز قانیریق ، بیز بیلیریک .

قورخا - قورخا

اوزوموز ده اوزوموز چون

بیز قور خویا چنوریلیریک .

« بختیار واهابزاده »

همه گریه مسموم نشدند. ۴۴۴

جهت رفت و آمد دانشجویان پسر از دانشکده علوم به خوابگاهها در سایت اصلی آذرشهر، به هر دو نفر از دانشجویان، یک عدد دوچرخه تحویل داده شد. البته با توجه به سریالایی راه منتهی به خوابگاه پسران در موقع رفتن، باید پیاده رفت و دوچرخه‌ها فقط موقع برگشتن کاربرد دارند چنانکه اگر رکاب هم نزنای شاید به شهرهای مجاور گوگان و آذرشهر هم بتوانی یا اندکی صبر برسی. البته این کار مسئولان یک حسن دارد که آن همانا برگزاری ورزشهای همگانی است در جهت ایجاد روحیه نشاط در دانشجویان البته خواهرهایمان هم زیاد حسودی نمی‌کنند چون اتوبوسهای آنها هم فرسوده است و آنها هم می‌توانند هر روز چند نوبت ورزش مفرح «پیاده‌روی» انجام بدهند. البته در ساعات غیردرسی اگر دانشجویی بخواهد از دوچرخه استفاده نماید باید کرایه استفاده از وسیله نقلیه اداری را بپردازد. (از قرار معلوم ساعتی ۵۰ تومن که امیدواریم مبلغ فوق درست باشد و گرنه...)

خزر: آخه شما دانشجویان چقدر بی‌انصاف هستین. این همه امکانات. آن وقت می‌گین که هیچی نداریم خوبه به سری هم به سایر دانشگاهها بزنین آن وقت متوجه می‌شین که چقدر شانس آوردین به این دانشگاه که بزرگترین دانشگاه ایران هم هست یا گذاشتین بعد از دانستن اینها آن وقت نوبت ماهاست (منتظر از ماهها. قدیمی‌هاست) که به شما تازه وارد هابگیم: «اهلاً و سهلاً» خزر منتظر جوابیه شرکتها، نهادها، مؤسسات جهت درج در همین ستون می‌باشد. با ما در ارتباط باشید.

شیخ محمد خیابانی‌دان:

قورخاق بیر ملتین بویونونا اسارت

بویوندوروغو سالماق چتین دییل



آند اولسون شرفیمه، او خالقن کی، استقلاللی

یوخدور هنج بیر شئی یوخدور

## معرفی کتاب

«چرا کتاب و چرا شمس تبریز؟»

این کتاب اولین شماره از سری انتشارات کتاب ماه نشریه «شمس تبریز» می‌باشد که به زودی منتشر خواهد شد. در مقدمه این کتاب «علی حامد ایمان» می‌نویسد: ممکن است عده‌ای بپرسند باز چرا شمس تبریز؟ نمی‌شد اسم دیگری گذاشت؟ نمی‌شد نام دیگری انتخاب کرد؟ نامی که حساسیت‌زا نباشد و... اما باید بگویم که هرچی فکر کردم چیزی نیست که برای من جای خالی شمس تبریز را پر کند. کلمه‌ای نیافتم که جانشین شمس تبریز باشد، معنی و مفهوم آن را برساند، و از همه مهمتر راه او را بنمایاند. هیچ نامی نیافتم که درخشندگی شمس را داشته باشد. عظمت تبریز را و از همه مهمتر راه شمس تبریز را و... این کتاب در ۲۹۰ صفحه در دست مجوز می‌باشد و به زودی منتشر خواهد شد. علاقمندان می‌توانند جهت تهیه اولین (اختصاص به ویژه نامه‌های فرهنگی شمس تبریز دارد) و دومین (مجموعه مقالات منتشر نشده شمس تبریز) شماره کتاب ماه نشریه «شمس تبریز» با شماره تلفن ۵۵۶۹۵۵۰ - تبریز تماس حاصل نمایند. همچنین کلیه علاقمندان می‌توانند مقالات خود را در زمینه‌های مختلف جهت چاپ در سومین شماره کتاب ماه به دفتر نشریه ارسال نمایند.



دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

خزر

نشریه ترکی - فارسی دانشگاه

تربیت معلم آذربایجان

خزر

دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

سال دوم - شماره ۵ - خرداد ۱۳۸۱



سال دوم - شماره ۵ - خرداد ۱۳۸۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امیر چهره گشا

شورای سردبیری: پیمان وقاری، جعفر روش،

آیت رشید، سهراب موسیقی شیشوان.

تایپ: سیما قربانی

طراح: نوید شریفی

صفحه آرا: آرمان تورک

آدرس: تبریز - خ دامپزشکی - خ مجتمع ورزشی

دانشکده فنی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان - امور

فرهنگی خطیب نشریه خزر

تلفن: ۴۴۳۹۴۶۷ داخلی ۲۴۰

آدرس الکترونیکی:

KHAZARTMA@YAHOO.COM  
AMIRCHEHREHGOSHA@YAHOO.COM

# بسم الله الرحمن الرحيم

بوسایدا:

عنوان	صفحه
کارکرد مطبوعات در جوامع دموکراتیک و غیر دموکراتیک	۴
دده قورقود داستانلاری	۵
قطران تبریزی، مظلوم دست نوجه های کسروی	۶
دوغما یورتداشلاری طرفیندن عزیزله نین یازیچی	۷
تحلیلی در باب تعاریف و تعابیر واژه متجاوز	۸
احزاب سیاسی مرکز و خواسته های مردم آذربایجان	۹
تأملی در مباحث تاریخی - فرهنگی	۱۰
اشکانیان و ساسانیان	۱۱
بیز خوددان بئزاریق	۱۲
فدرالیسم در ایران کثیرالمله	۱۳
قویروفلو چر پلنگ	۱۶
وقتی حکومتها در می مانند	۱۷
حکمتلی سوزلر	۱۸
سنوینج گروهورونون چالیشانلاری ایلن گوروش	۱۹
الی سوز	۲۱
چاغداش شعری	۲۴
خبرلر	۲۵
نگاهی به مطبوعات آذربایجان	۲۷
اخبار دانشگاه	۲۹

- مقالات افراد لزوماً دیدگاه نشریه نیست

- خزر در ویرایش و خلاصه کردن مقالات آزاد است

- مقالات ارسال مسترد نخواهد شد

- تنها به پیشنهادات و انتقادات کتبی ترتیب اثر داده خواهد شد

با تشکر از همه عزیزانی که ما را یاری داده اند.

همکاران این شماره: محمد غفاری - رضا عالی

## کارکرد مطبوعات در جوامع دموکراتیک و غیردموکراتیک

سیاسی، باید با مشکلات اقتصادی پیش‌رو هم‌دست و پنجه نرم کنند. در فشارهای سیاسی و مشکلات اقتصادی اتفاقاً برخی از تشکلهای سازمانها نظیر انجمن صنفی نشریات و روزنامه‌نگاران و وزارت فرهنگ و ارشاد نیز در جهت حمایت از این گونه مطبوعات گامی برنمی‌دارد. در طی سالهای گذشته، همواره وام‌های بابت برپایی و حمایت‌های ریالی و ارزی از مطبوعات دولتی و یا وابسته به در جریان حاکم - اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران - اختصاص داده شده و این وضعیت باعث شده است که نشریات غیروابسته به جریانهای حاکمیت، در یک شرایط غیررقابتی و ناعادلانه حمایتی، هم با مطبوعات دولتی و برخوردار از امکانات و قدرت رقابت کنند و هم با مطبوعات غیردولتی وابسته به نهادها یا جریانهای سیاسی.

✓ سکوت تمام تحلیل‌گران و یا ارایه یک تفسیر و تحلیل واحد و رسمی از مسایل داخلی و خارجی کشور هرگز به معنای وفاق ملی نخواهد بود و اعلام حکمهای زندان و شلاق و... برای کسانی که سرمایه‌ای جز اندیشیدن و قلم زدن در اختیار ندارند ما را به سوی وفاق و وحدت رهنمون نخواهد ساخت.

در نظام‌های دموکراتیک مطبوعات به عنوان یکی از کارآمدترین نهادهای مدنی، در کنار احزاب، اتحادیه‌ها و سایر نهادهای غیردولتی بر رفتار مقامات و نهادهای حکومت و دستگاههای اقتصادی نظارت می‌کنند. این نظارت هم طبیعتاً ناسد مالی، قانون‌گریزی و نقض حقوق جامعه را در مقایسه با نظام‌های غیردموکراتیک به حداقل کاهش داده است ولی برعکس در نظام‌های غیردموکراتیک مطبوعات همواره تحت کنترل و فشار سیاسی می‌باشند و به همین دلیل است که ناهنجاریهای مختلفی در اینگونه جوامع را شاهد هستیم.

پس بسیار جای تأسف خواهد بود که با آگاهی از نقش مطبوعات در وحدت و انسجام یک جامعه با اتهامهای کذایی نظیر تجزیه‌گرایی و تشویش اذهان عمومی بخواهیم تنها پل ارتباطی میان حاکمیت و مردم را از سر راه برداریم که به ایجاد نوعی خفقان و استبداد در جامعه منجر خواهد شد و به یاد داشته باشیم که سکوت تمام تحلیل‌گران و یا ارایه یک تفسیر و تحلیل واحد و رسمی از مسایل داخلی و خارجی کشور هرگز به معنای وفاق ملی نخواهد بود و اعلام حکمهای زندان و شلاق و... برای کسانی که سرمایه‌ای جز اندیشیدن و قلم زدن در اختیار ندارند ما را به سوی وفاق و وحدت رهنمون نخواهد ساخت و مهمتر از همه تعطیلی نشریات و مطبوعات در جامعه کنونی ایران که پس از ۲۰ سال برای نخستین بار قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو تصویب نشده می‌تواند نظرها را به سمت نقض حقوق بشر رهنمون کند پس بیایم قدرت تحمل نقد را در خودمان بیشتر کنیم و به واقعیت‌های جامعه‌مان فکر کنیم نه به ایده‌آلها و آرمانها.

□ مدیر مسئول

از این شماره به بعد بنابه پیشنهاد نشریه میثاق (عدم پرداخت نشریات دانشجویان آذربایجان به مسایل دانشگاه) ستون «از ما نشنیده بگیرید ولی...» به مسایل (!) «دانشگاه تربیت معلم آذربایجان» می‌پردازد باشد که مسائل مطرح شده در این ستون از سوی مسئولان پیگیری شود. انشاء...

\* می‌گن که: در یکی از جلسات تشکلهای دانشگاه که در آملی تئاتر دانشگاه برگزار شده بود جلسه بزین و برقص برپا بود. طوری که در پاسخ به اعتراض یکی از خواهران حاضر در جلسه یکی از رقصان!!! آقا خطاب به این خواهر معترض می‌گفت که «چیه حسودیت میشه، تو هم بیا با ما برقص (!)»

خزر: به خدا ما بی‌طرفیم ولی در ترکی داریم می‌کن «پاندا پخیل پاندا»

\* یکی از فعالترین کانونهای دانشگاه مستقر در دانشگاه فنی خطیب منحل شد. «کانون شعر و ادب» که هر هفته یک روز به مدت دو ساعت جلسات شعر و ادب برگزار می‌کرد. با اتهامات واهی و اعتراض شورای مرکزی این کانون و با استعفاى اعضایش به کار خود پایان داد. گویا مهمترین اتهام این کانون مشکلات اخلاقی اعضای مرکزی آن (!) ذکر شده و این اتهام نیز مثل بسیاری از اتهامات نظیر تشویش اذهان عمومی، توهین به مقدسات و... غیرقابل دفاع می‌باشد.

خزر: برای مدیران مستعفی این کانون آرزوی موفقیت داریم و برای اعضای جدید - که هنوز مشخص نشده - آرزوی بهروزی در کارها و برنامه‌های آتی‌شان می‌نماییم و بواشکی به این‌اعضای جدید می‌گوییم که: «کوشی دستانتان باشد اینجا گلیم مثل اینکه می‌کن کوتاه است ولی شما می‌توانید به عنوان پیشنهاد چمیانه بنشینید تا باشید» و به اعضای قدیمی و قهر کرده می‌گیم که: «خسته نباشید و ناراحت هم نباشید و به یاد داشته باشید که می‌کن: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز...»

\* در روزهای پایانی سال ۸۰ یکی از تشکلهای دانشگاه تا اطلاع ثانوی تعطیل شد. «جامعه اسلامی دانشجویان» تشکل نیمه فعال (!) دانشگاه (بنابه گفته بسیاری از دانشجویان) در سال تحصیلی جدید (۸۱-۸۰) درش تخته شد. از جمله موارد اتهامی این تشکل باز همان مشکل همیشگی یعنی «مشکل اخلاقی» ذکر شده است و گویا چند نفر از اعضای مرکزی آن واقع در دانشکده علوم انسانی تعلیقی (محروریت تحصیلی) خورده‌اند! با تعطیلی جامعه اسلامی دانشجویانی که قصد تسویه حساب با دانشگاه را دارند به جای دفتر جامعه اسلامی به دفتر مدیر کل امور فرهنگی دانشگاه مراجعه می‌کنند.

خزر: یکی از دفاتر فعال دانشگاه همین دفتر مدیر کل امور فرهنگی می‌باشد که بر سر در آن نوشته شده: دفتر شورای نظارت بر نشریات - دفتر مدیر کل امور فرهنگی - دبیرخانه شورای نظارت بر تشکلهای دانشجویی و... که جای تابلوی جدید خالی دیده می‌شود «ول کام تو دفتر جامعه اسلامی»

\* بازار برپایی جشنهای فارغ‌التحصیلی دانشجویان امسال با بهره‌برداری از آملی تئاتر دانشگاه واقع در سایت اصلی آذرشهر امسال برخلاف سالهای پیش در اوایل خرداد ماه بسیار داغ بود. یکی از این جشنها، جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان گروه فیزیک ورودی ۷۷ بود که در روز یکشنبه ۱۲ خرداد ماه با مجوز رسمی مسئولان برگزار شد. قبل از برگزاری این جشن ظاهراً مشکلی نبود اما با رسیدن میهمانان از شهرها و استانهای کشور عده‌ای از کارکنان دانشگاه به مسئولان برپایی

این همایش (دانشجویان) سفارش کردند که با توجه به نزدیکی ایام ارتحال امام راحل نیاید بخشهای شاد و موسیقی در برنامه باشد و هنگامیکه دانشجویان در اعتراض به این برادرها که می‌گفتند ما برنامه‌هایمان را چند روز پیش به دفتر ریاست فرستاده‌ایم و تمام برنامه‌هایمان تصویب شده و شما اجازه ندارید یا ما و میهمانانمان اینطور برخورد کنید این آقایان در جواب گفتند که ریاست دانشگاه و هر مقامی که اجازه برپایی این جشن را داده است اشتباه کرده است ما مسئول هستیم. حدود ۲ ساعت از برنامه با سکوت محض حاضران سپری شد تا اینکه در اواخر برنامه با تشریف‌فرمایی ریاست محترم دانشگاه و صدور اجازه رسمی مبتنی بر حضور گروههای موسیقی در روی سن، گروه موسیقی آذربایجان به سرپرستی حسن آقا ده‌میرچی و گروه موسیقی رودکی به اجرای برنامه پرداختند و در پایان، جشن زودتر از ساعت مقرر و با اندوه فراوان حاضران نسبت به برخورد بعضی‌ها (!) تمام شد.

خزر: ما که کارهای نیستیم اظهار نظر نکنیم ولی گفتنی‌ها را باید گفت البته بواشکی. یکی اینکه اگر ایام ارتحال نزدیک بود چرا مجوز برگزاری جشن فارغ‌التحصیلی صادر شد؟ البته ناگفته نماند که یکی از اعضای محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری که در سالن حضور داشتند در پاسخ به نحوه برگزاری جشن در پایان مراسم گفتند که «مراسم خیلی خوب برگزار شد و نزدیکی ایام ارتحال امام راحل بهانه‌ای دست‌عده‌ای بود تا جشن برگزار نشود» البته ما کاری با نحوه برگزاری مراسم نداریم ولی سئوالی که در پایان مراسم در ذهن همه نقش بسته بود این بود که «در این دانشگاه ما در طول چهار سال نفهمیدیم که حرف چه کسی را قبول کنیم و اصلاً چه کسی مسئول چه کاری است؟» و می‌شود گفت که آیا منشی فلان معاونت یا آبدارچی و یا نگهبان درب ورودی و خروجی حق دارد که با دانشجو برخورد آنچنانی داشته باشد؟ به راستی مسئول رسیدگی به اعمال این آقایان چه کسی است؟ آیا رواست که با وجود میهمانان و استادان در سالن برگزاری جشن سیستم روشنایی سالن را خاموش کرد؟ و صدها چرای دیگر... ولی بگذریم اینها که همه‌اش شد کله و شکایت. ما از این پس به کسانی که قصد برپایی این گونه همایشهای را دارند سفارش می‌کنیم (البته ما کوچیک همه شمع دانشجویان عزیز هستیم سفارش که نه خواهش) که اولاً مهمان دعوت نکنند تا آبرویشان نرود ثانیاً به میهمانهایشان بکن که حتماً چراغ قوه و یا فانوس همراه داشته باشند فعلاً این دو تا را از ما داشته باشین تا بعد.

\* بسیاری از دانشجویان دانشکده فنی بعد از صرف نهار روز شنبه ۱۸ خرداد ماه ۸۱، با مسمومیت غذایی مواجه شده و تعدادی از آنها در بیمارستان بستری شدند. گفتنی است طبق برنامه غذایی دانشگاه، نهار روز شنبه قیمة پلو (بنویسید قیمة پلو ولی به قول دانشجویها بخوانید یونجه پلو) بود.

البته بنابه گفته اکثر دانشجویان در مواقع تعطیلی کلاسها اصلاً روی کیفیت غذاها رسیدگی نمی‌شود و این مشکل هر سال آنها می‌باشد.

خزر: خدا را شکر. می‌غصه می‌خوریم که خدا یا نکند این گربه‌های سلف غذاخوری از گشتگی بمرند ولی خدا و کیلی این گربه‌ها خیلی باهوشتر از این حرفها هستند چون بنابه گفته شاهدان عینی روزهای شنبه و دوشنبه گربه‌های سایر دانشگاه نیز میهمان این دوتا گربه سلف هستند و اینجا این سخن بزرگان به ذهن می‌رسد که «شکر نعمت، نعمت افزون کند...» پس گربه‌ها زیاد میهمان دعوت کنید تا این میهمانیهاتان در باقی روزهای هفته نیز ادامه یابد. دیگه اینکه ما در اعتراض دانشجویان پس از این ماجرا، طرف کارکنان سلف را می‌گیریم و با آنها هم عقیده هستیم چرا که اگر غذا خراب و فاسد بود پس چرا این



## قطران تبریزی، مظلوم دست نوجه‌های کسروی

اشاره: کتاب «نوجه‌های احمد کسروی» تألیف دکتر حسین محمدزاده صدیق دربارهٔ ماهیت تئوری «آذری یا زبان باستان آذربایگان» و کسانی که سالها برای تبلیغ آن سینه چاک کرده‌اند به بحث پرداخته است. در اینجا بخشی از آن را می‌خوانیم و امیدواریم هرچه زودتر شاهد نشر این کتاب باشیم. در این کتاب ماهیت فعالیت‌های پیروان کسروی که باعث ایجاد تنش‌های قومی در کشور می‌گردند باز نموده شده است. به نظر مؤلف، پیروان کسروی در پوشش فعالیت‌های علمی و فرهنگی باعث ایجاد تنش‌های قومی می‌شوند و به تحقیر و استهزاء نوامیس مردم مسلمان آذربایجان می‌پردازند.

پس از تبلیغ‌های کافی پیرامون تئوری کسروی ساخته و حمایت مالی و تبلیغی بی‌دریغ رژیم شاهنشاهی از نوجه‌ها، هرکس بگونه‌ای می‌خواست لقمه‌ای از این سفرهٔ مردار شاهنشاهی نصیب ببرد. نوجه‌ها به دنبال تفرعات فراوان موضوع گشتند. دستشان به جایی بند نبود. حتی دریغ از یک سنگ نبشته، چرم نبشته، لوحه گلی، سنگ مزار، یک صفحه نسخه خطی، یک تک بیتی و... به دست نوجه‌ها نیفتاد. اما هیاهو برای هیچ لازم بود. سفرهٔ شاهنشاهی چیزی نبود که بتوان آن را بی‌مهمان گذاشت و گذشت. اکنون پنجاه و چند سال از ماجرای تئوری سازی کسروی می‌گذرد تنها از سال ۱۳۳۳ ش. یعنی پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۵۷ ش. یعنی طلیعه انقلاب شکوهمند اسلامی، شاید بیش از پانصد مقاله و گفتار و طعنه و کنایه نامه در رابطه با این هیجستان نوشته شده است. اگر همهٔ این خزعبلات را در یک سو قرار دهیم، بی‌گمان تحریف شخصیت قطران تبریزی شاعر گرانقدر ترکی زبان آذربایجان ننگین‌ترین داغ بر پیشانی نوجه‌های کسروی بر جای خواهد ماند که به خاطر تمتع از سفرهٔ مردار ۲۸ مرداد حتی به او نیز که یک هزار سال پیش از این از دنیا رفته است، رحم نکردند.

داستان از این قرار است که ناصر خسرو در سفرنامهٔ خود وقتی به تبریز می‌رسد می‌نویسد:

«و در تبریز قطران نام شاعری دیدم که شعری نیک می‌گفت، اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. دیوان متجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید، با او بگفتم و شرح آن بنوشتم و اشعار خود بر من بخواند.»<sup>(۱)</sup>

این گفتار در باب همهٔ آذربایجانی که قلم به دست هستند، صدق می‌کند. ما، زیباترین نمونه‌های شعر و نثر فارسی را خلق کرده‌ایم، اما «فارسی نیکو نمی‌دانیم»، زیرا فارسی برای ما «زبان مادری»<sup>(۲)</sup> نیست، حتی در آن روزگار «زبان دوم»<sup>(۳)</sup> هم نبود، بلکه «زبان دیگر»<sup>(۴)</sup> بود. برای نظامی مهم همین طور بود، برای مولوی هم، فضولی هم، صائب هم، شهریار هم همین گونه بود.

نوجه‌ها از این جملات ساده و روان و بی‌تکلف ناصر خسرو نیز به نفع تئوری کسروی ساخته بهره‌برداری کردند و ادعا کردند که ناصر خسرو الکن بوده و سخن خود را درست ادا نکرده است و منظور این است که قطران «فارسی خراسانی»<sup>(۵)</sup> نمی‌دانسته و «فارسی آذری» می‌دانسته است!<sup>(۱)</sup> و این را خود دلیل بر صحت تئوری پیغمبر خود کردند. شاید بیش از یکصد تن از نیم نوجه‌ها در این باب داد سخن داده‌اند و هر کدام این کشف بزرگ را به نام خود تمام کرده‌اند. آخرین نیم نوجه‌ای که تا

زمان تألیف این کتاب (سال ۱۳۷۵) این «کشف» را به نام خود تمام کرده، می‌گوید که وقتی این مطلب را خوانده است، به او غیرت دست

داده:

«... به سائقهٔ عصیت سخن شگفت زده شدم!»

و بعداً به درک این کشف عمیق دست یافته است که:

«... زبان فارسی رسمی (۹) که ابتدا شاعران خراسان یا آن شعر سرودند و نویسندگان نثر نوشتند، زبان شرق ایران و زبان خراسان بزرگ به معنی جغرافیایی آن است. گویندگان و نویسندگان مناطق دیگر ایران هرچند از زبان آن گویندگان و نویسندگان تقلید کردند، ولی در لایب‌الاشعار و نوشته‌هایشان از لغات و تعبیرات محلی نیز بهره بردند. این کار امروز هم ادامه دارد. در شعر نو فارسی گویندگان، بسیاری از لغات محلی را وارد شعر کرده‌اند...»<sup>(۵)</sup> جل الخالق!

استنتاجات ساده‌لوحانهٔ این نیم نوجه که این اواخر خواسته است از قافله عقب نماند، عمق ریاکاری و تزویر در ادبیات پژوهی اغلب استادان ادب فارسی دانشگاه‌های ایران را در نگرش به نوامیس ملی مردم مسلمان آذربایجان نشان می‌دهد.

این نوجه‌ها و نیم نوجه‌ها در خیانت به نوامیس ملی و اجتماعی مردم و ایل و تبار خود گوی سبقت از همدیگر ربودند و سالها کاسه‌لیسی و تملق دربار پهلوی و شونیسیم آریامهری را کردند. اما اغلب آنها بلکه تمامیشان در اواخر عمر و یا بعد از مرگ مورد بی‌اعتنایی و تحقیر درباریان نیز قرار گرفتند و تبدیل به سنگ نجاست شدند و مزد خیانت به مردم را دریافت کردند. فاعتبروا یا اولی‌الابصار.

دربارهٔ زبان قطران تبریزی دکتر سید آقا عون‌اللهی می‌گوید:

«اگر زبان قطران تبریزی و آذری» می‌بوده، در دیوان فارسی او به جای سیل لغات ترکی حداقل به یک بیت یا یک مصراع و یا یک لغت آذری برمی‌خوردیم.»<sup>(۶)</sup>

در حالی که ما می‌دانیم قطران تبریزی در دیوان فارسی خود هم، لغات ترکی بی‌شماری به کار برده است. نظیر: طاغ (کوه)، ایاغ (قدم)، ارغون، خان، منجوق، سورمه، توغ، تپانچه، خاتون، خیل، تر، بول، قار، قیر و غیره.<sup>(۷)</sup>

نه خود و نه دیگر زندگی گزاران و تذکره نویسان، هیچگاه آذربایجان را «آذری زبان» نامیده‌اند و نشانی هم از این زبان در جایی دیده نشده است.

همین گونه در دیوان پرحجم خاقانی هم نشانی از این زبان مجهول‌الهی نیست و لغات ترکی مانند: بیدق، تامری، ایتگین، اوشاق، توتوق، ییقلیق، چوخا، قوندوز، خاتون، سورمه، آستر، قره طغان، قیزیل، قره قیر، خان، طالع، توغ، یزک، طغرا، یرقان<sup>(۸)</sup> و... در اشعار فارسی‌وی فراوان به کار گرفته شده است.

و این چیزی جز تأثیر زبان مادری قطران و خاقانی در لفظ قلم آنان یعنی فارسی را نشان نمی‌دهد و ادعای آذری زبان<sup>(۹)</sup> بودن آنان مستند به هیچ دلیل نقلی و عقلی نیست.

آثار فارسی نظامی گنجوی، مجیرالدین بیلقانی، ذوالفقار شروانی و دیگر شاعران هم عصر آنان نیز چنین است. در دیوانهای فارسی آنان به کوچکترین ردپایی از زبان مجهول «آذری» و یا «ارانی» (بنابه اصطلاح نوجهٔ شمارهٔ ۸) بر نمی‌خوریم. بلکه بسیاری از آثار فارسی آنان سرشار از ملمعات سروده شده به زبان مادریشان ترکی آذربایجانی است.

این مصراع از خاقانی است:<sup>(۹)</sup>

تا گرچه «سو» و «اکمک» از ایشان طلب کند و این لغات در دیوان فارسی ذوالفقار شروانی به کار رفته است:

## نگاهی به مطبوعات آذربایجان

### □ اختر، شماره ۳

چهارشنبه اسفند آیین ۱۵- نجی گونونده، همدان شهری نین ابوعلی سینا دانشگاهی نین طب دانشکده‌سی طلبه‌لری طرفیندن، «شیخ محمد خیابانی» شرفینه طنطنه‌لی بیر ییغینجاق قورولدو. بو ییغینجاقدا، اشتراک ائدن یازیچیلار و شاعرلر، شیخ محمدین حاققیندا دانیشیب، شعرلر اوخودولار. هابئله عاشیق موسیقی‌سی بو مراسمده سسلننپ، ملی ترانه‌لر اوخوندو.

### □ اختر شماره ۴

آذربایجانیمیزین آدلم صنعتکاری پروفور «علی مینائی» یشی ایلین آغلار - گولر (فرودین) آییندا آلمانین بن شهرینده دونیایا گوز یومدو. بو بویوک میناتوریت، خطاط، رسام و یازیچیمیز شاه رژیمین نین قاتلی قنادالی ایللرینده، وطنی ترک ائتمگه مجبور اولموشدور. اونون اثرلریندن «حیدربایه سلام» منظومه‌سینه چکدیگی میناتورلاری و هابئله «بابک» منسوب اولان معروف پورتره‌نی آد آپارماق اولار.

### □ اختر شماره ۵

ارگانهای دولتی، مجامع علمی و پژوهشگران در تدارک بزرگداشت یکصدمین سال پیروزی انقلاب مشروطه هستند. در پیشواز این سالگرد، قرار است روز ۱۴ مرداد سال جاری و سالهای آینده تا سال ۱۳۸۵ مراسم ویژه‌ای در تبریز و سایر شهرهای آذربایجان انجام شود. ویژگیهای مشترک پیام و ارزش‌های انقلاب مشروطه با جنبش اصلاحات (مردم سالاری، جامعه مدنی، مجلس، قانونمندی، احزاب، تجدد، آزادیخواهی و مبارزه با استبداد)، بازگویی نقش ویژه آذربایجان و تبریز در تحولات تاریخ معاصر (دفاع از استقلال ایران، حرکت بیگانه ستیزی، احیای نقش ویژه آذربایجان در شرایط کنونی اصلاحات برای حفظ و تداوم استقلال ایران) اهداف برگزاری این بزرگداشت را تشکیل می‌دهند.

### □ اختر شماره ۵

بیرلشمیش ملتلر تشکیلاتی نین علمی فرهنگی بؤلومو - یونسکو طرفیندن، ۲۰۰۲- نجی ایل «ناظم حکمت» ایلی آدلاندی. تورک ادبیاتی نین پارلاق اولدوزو «ناظم حکمت» نین حیاتی، باشا باش حادثه و زندان ایله کئچمیشدیر. او تورکیه‌لی دیر و تورک شعرینده یشی بیر اسلوب یاراتمیشدیر. حکمت، الی یاشیندا، حکومت طرفیندن ۵۸ ایل زنداندا محکوم اولدو. آنجاق ژان پل سارتر، تزارا، پیکامو و بنله - بنله دنیا شهرتلی صنعتکارلارین توسطی ایله یارانان بیر بین الخلق کمیته‌نین دوزنه‌نیمه‌سی، اونون آزادلیغی اوغروندا گئدن چالیشمالاری بیرلشدیردی. بو کمیته، حتی ناظم حکمتین آدینا بیر تشریه‌ده منتشر ائندی. بو ایشلر اوزره، او ۱۶ ایلدن آرتیق زنداندا قالمادی. بوندان اؤنجه یونسکو طرفیندن، میلادی ایل لرین بیر نجه‌سی عمادالدین نسیمی، یونس امیره، حکیم ملا محمد فضولی و دده قورقود آدی ایله آدلانیلیر.

### □ مهد آزادی شماره ۲۴۳۰

محمدحسین لواسانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آنکارا مناسبات ایران و ترکیه را همه جانبه و برخوردار از زیربنایی مستحکم توصیف کرد. لواسانی روند روبه رشد مناسبات ایران و ترکیه در همه زمینه‌ها را نتیجه تلاش‌های مستمر مسئولان در کشور در ایجاد جو اعتماد و اطمینان متقابل داشت. سفیر ایران با اشاره به اهمیت روابط ایران و ترکیه به عنوان دو کشور همسایه و بزرگ منطقه برای یکدیگر گفت: نقش همسایگی و نقش جغرافیایی و راهبردی هر دو کشور ایجاب می‌کند که ایران و ترکیه درخصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر مناسبات خوبی داشته باشند.

### □ احرار شماره ۳۸۵

سید طاهر موسوی نماینده مردم تبریز در مجلس گفت: جهت ایجاد فضای باز داندگی از عملی شدن هرگونه تهدید خارجی، توجه به خواسته‌ها و مطالبات مردم ضروری است. وی افزود: در فضای کنونی کشور، رفع محدودیت از فضای مطبوعاتی، رفع توقیف روزنامه‌ها و آزادی روزنامه‌نگاران و سیاسیون و برخی زندانیان می‌تواند مبنای مناسبی برای توجه به خواسته‌ها و مطالبات مردم باشد.

وی افزود: در فضای تفاهم سیاسی و ملی است که دشمنان و بدخواهان مردم و کشور از ایجاد پایگاه داخلی برای تعقیب مقاصد خود مایوس خواهند شد.

### □ آرک ۳۸۱

با حضور بشیری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی سپهری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی، اصحاب مطبوعات منطقه شمالغرب کشور، نویسندگان، شعرا، ادبا و مردم، فرهنگ دوست اورمیبه برنامه‌های متنوعی در حاشیه جشنوارهٔ مطبوعات منطقه شمالغرب کشور (در روزی که به نام آذربایجان شرقی بود) اجرا شد. در این مراسم بشیری ضمن اشاره به شاخصه‌های نشریهٔ مطلوب تصریح کرد: تنوع در نشریات محلی مهمترین شاخصهٔ موفقیت آن نشریه است. در حالیکه حضور جامعه ما به این حد مطلوب و مفید نرسیده است. بشیری در ادامه به اولین بودن آذربایجان در تمام عرصه‌ها علی‌الخصوص در عرصه فرهنگی و پیروزی آذربایجان در ۲۹ بهمن اشاره کرد و افزود: در قیام ۲۹ بهمن تبریز برای اولین بار جرأت ملی فوران کرد و این افتخار برای آذربایجان ثبت شد و این قیام مقدمه‌ای برای آزادی در دههٔ فجر ۵۷ بود.

### □ آرک شماره ۳۸۱

تبریزین ادبی انجمنی تبریزلی علی نظمی آدلی شاعره آغیرلاما توره‌نی تودو. بو توره‌ن چهارشنبه اسفند آیینین سگگیزینده گون اورتادان سؤرا ساعات بش‌ده تبریزین مدنیت و اینجه صنعت مجتمعه‌نده کئچیریلدی.

### □ فجر آذربایجان شماره ۲۶۳۳

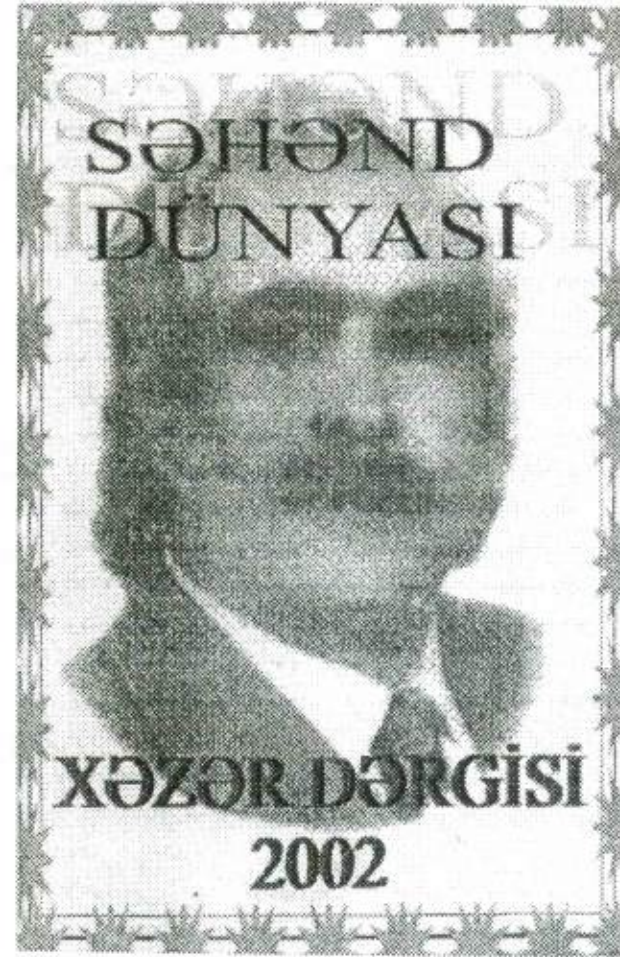
معاون معرفی و آموزش میراث فرهنگی آذربایجان شرقی از ثبت ۱۴

مصاحبه با مدیر مسئول هفته نامه «شمس تبریز» به گفته نویسنده مقاله مزبور - که حتی از درج اسمش خودداری کرده - متهم به قوم‌گرایی شده است.

در روزهای پایانی سال ۸۰، فیلمی با عنوان «رخساره» به کارگردانی امیرقویدل به روی پرده اکران درآمد. در این فیلم به ظاهر فرهنگی از نام یکی از مفاخر ادبی ایران سوء استفاده شده است. نمایش این فیلم و تشابه نام یکی از شخصیت‌های آن با استاد شهریار، شاعر بلندآوازه آذربایجانی و غزل‌سرای بزرگ ایران، بار دیگر مسایلی را پدید آورد که نه تنها برای اهالی سینما که برای جامعه ادبی - هنری این سرزمین نیز تأسفیرانگیز بود. رخساره که از لحاظ ساختار، اثری فاقد ارزش سینمایی است موضوع داستان عشق و عاشقی شهریار شعر ایران استاد «محمدحسین بهجت تبریزی» است. بنابه گفته عوامل سازنده این فیلم اگرچه داستان این فیلم ژرپتی به زندگی استاد شهریار، شاعر آذربایجانی ندارد، اما برای تماشاگران عادی سینما و به خصوص نسل جوان که مشاهیر ادبی را تنها با نام و نشانه‌هایی گذرا درباره آثار یا زندگی آنها می‌شناسند، شخصیت استاد شهریار در فیلم رخساره به خصوص که بازیگر آن نیز یکی از شاعران معاصر ایران به نام «محمدعلی سپانلو» است، جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که به تماشای گوشه‌هایی ناگفته از زندگی زنده یاد استاد محمدحسین شهریار نشسته است، و همین سوء تفاهم یا سودجویی سازندگان فیلم از نام استاد شهریار اعتراض دانشجویان ترکی زبان مقیم تهران را برانگیخت که با صدور اطلاعیه‌ای کار ناشایست سازندگان فیلم را به شدت محکوم کنند. در قسمتی از این اطلاعیه آمده: پس از سالها فراموشی در عرصه چهره تابناک شعر معاصر ایران استاد شهریار، اینک در فیلم رخساره شاهد به نمایش درآمدن شخصیتی هستیم که وامدار نام و زندگی استاد شهریار است، اما به عنوان مردی عاشق پیشه که با پسر خود درگیر رقابت عشقی شده است. آیا نشان دادن استاد شهریار به عنوان مردی زنبازه که در آخرین لحظه عمرش نیز دل در گرو دختری جوان می‌بندد، استخفاف شخصیت این شاعر برجسته نیست؟ چرا شهریار و شهریارها تا آن حد که عشق دختری جوان آنها را به جوانی و طراوت باز می‌گرداند، می‌شناسیم و از این که رابطه معنوی آنها با خداوند تا چه حد روح و روان آنها را طربناک کرده بود، غافلیم و صداها چرای دیگر... در پایان اطلاعیه آمده است: ما جمعی از دانشجویان آذربایجانی از این که استاد شهریار در ردیف مشاهیری که عکس آنها را در فیلم می‌بینیم و به نظر ما همچون استاد چهره‌ای مقبول مردم مسلمان ایران نیستند، قرار داده شده و از زندگی او تنها به عشقهای زمینی‌اش بسنده شده، متأسفیم و سودجویی سازندگان این اثر را از نام «شهریار» که نه تنها افتخار مردم آذربایجان که یکی از افتخارات ملت ایران در همه زمان‌هاست، محکوم می‌کنیم. گفتنی است که تاکنون هیچگونه توضیحی از سوی عوامل سازنده این فیلم در مورد تشابه اسمی (!) بازیگران و مضمون فیلم صادر نشده است، انشاء... که حداقل در این مورد، سکوت علامت رضا نباشد که گناهی بس نابخشودنی است.

اولین نشست مدیران مسئول نشریات دانشجویی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان جهت انتخاب دو نفر از مدیران مسئول نشریات در ترکیب شورای مرکزی نظارت بر نشریات دانشگاه برگزار شد. در این نشست که در محل دفتر مدیر کل امور فرهنگی دانشگاه برگزار شد، با برگزاری انتخابات دو نفر از اعضا مشخص شدند. «امیر چهره‌گشا مدیر مسئول نشریه خزر» و «جبرائیل پروان مدیر مسئول نشریه طوبی انجمن اسلامی» حائز بیشترین آرا شدند و به عنوان نماینده مدیران مسئول در

جلسات کمیته ناظر شرکت خواهند کرد. ترکیب اصلی کمیته ناظر بر نشریات عبارتست از: معاونت فرهنگی و دانشجویی - مدیر کل امور فرهنگی - نماینده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه - نماینده اساتید - یک نفر حقوقدان و نماینده مدیر مسئولان دانشگاه. از عمده وظایف کمیته ناظر، رسیدگی به تخلفات نشریات و موافقت و بررسی صدور مجوز اولیه برای نشریات دانشجویی می‌باشد.



ششمین شماره نشریه خزر به زودی منتشر می‌شود این شماره به زندگی شاعر پرآوازه آذربایجان «بولوت قاراچورلو سهند» اختصاص دارد.

چکدیم، کاغیذ اوسته خیاباندا دیلتن بالا جاقیزین شکلین ایسته‌دیم اوتانماسین کاساسین دولو چکدیم

● رسول نظر،

سنجاق، پترقلیق، چخماق، اکلیل، توغ، تکین، طوطماج، گلین، سورمه، قولاج، کولونگ، آتا، قار، طاش، طای، بیللیق و...<sup>(۱۰)</sup> و دریغ از یک لغت «آذری» یا «ارانی» که به ادعای یکی از نوچه‌ها (نوچه‌ی شماره دوازدهم) گویا بعدها به سبب بروز مرض وبا در آذربایجان، هم‌اکنون از میان رفتند و ترکان زنده ماندند و از این رو افرادی مانند شاه ختایی، نسیمی، حبیبی، کشوری، فضولی، قوسی و دیگران ظهور کردند و ترکی جای آذری را فرا گرفت.<sup>(۱۱)</sup>

یک نوچه دیگر (نوچه شماره پانزدهم) گوید که بیماری وبا به «ترکان بی‌تمدن»<sup>(۱۲)</sup> اثر نکرد و «آذری» هارا از بین برد که زبان آنان را در جای «آذری» و در جای دیگر «ارانی» و گاه «پلهوی»<sup>(۱۳)</sup> می‌نامد و در جایی هم می‌گوید: «پس آذربایجانی از قدیمیترین عهد به زبان سادی»<sup>(۱۴)</sup> تکلم می‌کرده...<sup>(۱۴)</sup>

این نیم نوچه که ژست تسلط به علوم ادبی را نیز با خود دارد و بعدها مورد توجه لژ نراسونری «صفا» گشت، توهینی به قطران تبریزی دارد که در فصل دیگر به بیان آن خواهیم پرداخت.

**پاورقی:**

- ۱- سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین‌پور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۷.
- 2- Native Language
- 3- Secound Language
- 4- Foreign Language
- ۵- زبان گویندگان آذربایجان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۳، ۹ و ۱۰ و ۱۱، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴.
- ۶- س. م. عون‌اللهی، آذربایجان دیلی تاریخی‌نین ساختلاشدیریلماسی، ص ۱۴۶.
- ۷- دیوان فارسی قطران تبریزی، تبریز ۱۳۳۳، ص ۲۴، ۷۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۷۲، ۱۹۱، ۲۸۱، ۳۱۸، ۳۵۵، ۴۱۱، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۸۲، ۴۹۱، ۴۹۶.
- ۸- دیوان خاقانی شروانی، تهران، ۱۳۲۲، ص ۳۲، ۵۳، ۶۶، ۶۷، ۸۰، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۷۹، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۳.
- ۹- دیوان خاقانی، تهران، ۱۳۲۲، ص ۳۲۰.
- ۱۰- دیوان ذوالفقار شروانی، چاپ لیدن، ۱۹۳۴، ص ۱۵، ۱۰۸، ۱۳۷، ۱۵۷، ۱۶۲، ۲۱۱، ۲۳۰ و...
- ۱۱- شرح جنگ‌ها و تاریخ زندگانی شاه عباس اول، تهران، ۱۳۴۶، ص ۴۸.
- ۱۲- آذربایجان و نهضت ادبی، تهران، ۱۳۲۶، ص ۱۸۹.
- ۱۳- همان، ص ۱۷۹.
- ۱۴- همان، ص ۱۸۹.

**دو غما یورتداشلاری طرفیندن عزیزلهنن یازیچی**



اؤتن ایللرده، یوزلرله مقاله‌لرینی، حشکایه و تدقیقاتلارینی مطبوعاتیمیزدا چاپ ائتدیریب اوخوجولاری‌نین نظرینه چاتدیران حؤرمتملی یازیچی «محمدعلی نقایی»‌نین آغیرلاما مراسیمی تهران‌دا برپا ائدیلدی. انجمن دیزج خلیل الی ایله صابیر انجمنی طرفیندن قورولان سازلی - سوزلو آغیرلاما جووما گونو ۸۰/۱۲/۱۰‌دا چوخ گؤزل صورتده گنجیریلدی حؤرمتملی «محمدعلی نقایی»‌نین یورتداشلاری داها آرتیق مراسیمن گؤزل، گنجیریلیمه‌سینه سعی لر گؤستردیلر. بو مراسیمده آذربایجانلی عالم، یازیچی و شاعیرلرین حضور ایله یارانان عزیزلهمه مراسیمی ۴ ساعات مدتینده رنگارنگ پروگرام و تریلیشر ایله قوناقلارین قوللوغوندا اولدو. رحیم کواویانین آپاریجی لیغیله، دورد ساعات دا بئیر چوخ عالیملرین چیخیشلارینا شاهد اولدوق. «محمدعلی نقایی»‌نین یاردیجیلیق دایره‌سیندن، انسه‌جده آذربایجانیمیزین چاغداش و کلاسیک ادبیاتینا دایر دولغونون چیخیشلارین شاهدی اولدوق علی‌دنیابن مظفر درخشی - بهزاد بهزادی، دکتر حسین محمدزاده صدیق دکتر آخشین آغکممرلی، دکتر امین‌لو (شبه‌ترین ایکی دؤور مجلس وکیلی) گوئیلی، م. کریمی اکبر آزاد، حسین طهماسب‌پور (میرزا) حسن ایلدیریم، ناظر شرفی، محمد نینیلی، مسعود آذری سلیمی، شاعیر ثالث (بناب‌دان) میکروفون آرخاسیندا اؤز مناسبتلرینی آغیرلاما بو یازجیجا بیلدیریب قوناقلارین آلقیشلارینی قازاندیلار. دؤرت یوز نفردن آرتیق گلهن قوناقلارین موسیقی پایینی‌دا عاشیق بهبود عاشیق احد و عاشیق قلی، خادیم‌لری‌کیمی اینجه صنعت اوده‌ین آغیرلاما‌دا ملی گنیم‌له چیخیش ائدن عاشیق‌لاریمیز، قوناقلارین احساسی آلقیشلاری‌له آلقیشلاندیلار. آغیرلاما یا گلهن دیگر عالیملردهن ا. آلا، علیایی، ناصر منظوری، علیرضا صراف، حسن راشدی، دکتر جعفری، مهندس غیائی (شبه‌ترین نماینده‌سی) سئل اوغلو، دره اوغلو، غیاث نعمت‌پور (ووقار) کریم مشروطه‌چی سؤنمز، بهروان، صمد مرادی، سلیم اوغلو ولیجان، هادی‌پور حضرتلرینی آد آپارماق اولار. خیریه‌نین رئیس حاج غلامحسین ساعی بناء اولدوقجا زحمت‌لر چکدیلر. جناب دنیابن حضرتلری خیریه‌نین عضوی قوناقلاردا لایق‌لی اینسان و قوناق‌پور، ائل سئور اینسان اولدوقلاری‌نین شاهدی اولدوق. آغیرلاما‌نین سونوندا جناب نقایی حضرتلری احساسلی و گؤزل مقاله‌سیله سؤزه سون قویبدو قوناقلار چوخ راضی و سئوینج‌ایله اولرینه قایتدی. بله‌لیکله، ائل‌نین - یوردونون سئوگی و حؤرمتمینی قازانان محمدعلی نقایی‌نین آغیرلاما تورهنی‌نین اشتراکی‌سی اولدوق. یازجیمیزا اؤزون عؤمور و سعادتلی گونلر آرزولاییرین.

**شهرت ایسته‌مک، شهرته چاتماق هر نه سایاق اولورسا، دؤزدور، لاکین، شرط بودورکی، اونا چاتماق اوچون، خالق آردیرماییب اونلاری اویدورماییب قارا گونه سالمایاق.**

**ژول سئزار**

## تحلیلی در باب تعاریف و تعبیر واژه متجاوز

□ هاری

تعاریف و تعبیر بعضی از واژه‌ها در عرصه سیاست، در مواقع موضع‌گیری‌های مقطعی، معانی مختلف و حتی متضادی پیدا می‌کنند که ارزیابی آنها مذاقه ظریفی می‌طلبد. در این باب یکی از واژه‌هایی که معنی آن تعاریف و تعبیر مختلفی پیدا می‌کند، واژه «متجاوز» است. معنی این واژه از نظر لغوی و ادبی، بسیار ساده و مبرهن است، ولی در عرصه سیاست بعضاً با چنان تعاریف و تعبیری مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد که فهم و درک آن موجب تردید و سرگیجه می‌گردد. مثلاً تعریف و تعبیر واژه «متجاوز» در کاربرد سیاست خارجی ما در مورد دو کشور متجاوز، یعنی اسرائیل و ارمنستان، در مقاطع و موضع‌گیری‌های سیاستهای خارجی ما چنان معانی و تعبیر متضادی پیدا می‌کند که اعتبار آن به شدت مورد تردید قرار می‌گیرد!! به دیگر سخن اگر واژه «متجاوز» حتی در موضع‌گیری‌های سیاسی، چه در مورد اسرائیل و چه درباره ارمنستان به یکسان تعریف، تعبیر و ارزیابی قرار بگیرد، قاعدتاً نباید هیچ یک از دو متجاوز نسبت به همدیگر امتیازی داشته باشند و اخلاق و پرستیژ سیاسی نباید فدای موضع‌گیریهایی مقطعی نسنجیده زودگذر گردد. در غیر این صورت باید با اختراع تعاریف و تعبیر ایزاری، یکی را به عنوان متجاوز بالفطره و دیگری را نیمه متجاوز!! و حتی متجاوز دوست!! و یا دوست متجاوز!! مورد خطاب و ارزیابی قرار دهیم!! والا در اذهان عمومی، اعمال و حشیرگرانانه متجاوزین صهیونیسم در صبر او شتیلا و کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان فلسطینی و اشغال اماکن مقدس مسلمانان جهان همان قدر نفرت بار و ننگ بشریت است، همان قدر نیز اعمال و حشیانه تجاوزگران ارمنی در اشغال قره‌باغ شیعه‌نشین به ویژه در خوجالی و سایر شهرها و دهات آذربایجان به بهای خون هزاران زن و کودک شیعه و آوارگی یک میلیون آواره بی‌دفاع مسلمان و اشغال یک پنجم از خاک جمهوری آذربایجان با تخریب صدها اماکن مقدس مسلمین تجاوزکارانه است!!؟ بسیار ساده‌لوحانه است که تصور نماییم موضع‌گیری متضاد سیاست خارجی ما در قبال دو متجاوز در حق دو ملت مورد تجاوز یعنی ملت مظلوم فلسطین و آذربایجان مسلمان، با متجاوز، یعنی ارمنستان، چنان سیاست دوستانه اقتصادی، بازرگانی و خدماتی و سیاسی داشته باشیم که انگار آشکارانه دین تجاوزگرپهانش را می‌پردازیم، و با دیگر متجاوز یعنی صهیونیسم غاصب چنان برخورد نماییم، که صد البته باید شدید ترهم بنماییم، که همه روزه ظلم و بیدادگریهای آنان را در رأس همه اخبارمان منعکس نماییم، هر از چند گاهی هزاران هزار مردم را بر علیش به تظاهرات انبوه خیابانی دعوت نماییم، در افکار عمومی سایر مسلمانهای جهان مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد!!؟

البته ناگفته نماند که سیاست بعضی از دولتهای مسلمان جهان در قبال صهیونیسم غاصب همانند سیاست نسنجیده ما در قبال ارمنستان متجاوز است! به دور از انصاف است که حمایت دولت و ملت ایران، در اوایل مناقشه قره‌باغ از مسلمانان قره‌باغ را فراموش می‌نماییم. ولی با سرد شدن تدریجی روابط دو کشور همسایه و مسلمان که ملت آذربایجان هیچ نقشی در این مورد ندارند، واژه «متجاوز» نیز تغییر یافت و با عوض شدن واژه ظالم و مظلوم، با اسال برقه، و نفت و گاز و خواربار، تأمین انواع خدمات و راههای ارتباطی و عقد قراردادهای

حمایت، دست استحالت بر سر متجاوز کشیده شد و با فراموش شدن شعار ارزشمند «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» سیاست تنش‌زدایی، حمایت همه جانبه از مسلمانان جهان، همه و همه بخاطر سردی روابط دو دولت تئمه آن بر سر ملت آذربایجان و به ویژه مردم مظلوم و آواره قره‌باغ سرشکن شد و بدتر از همه به دور از شأن نظام جمهوری اسلامی ایران، تلافی سردی این روابط موجب گرمی روابط با دولتی شد که جمهوری اسلامی ایران، رسماً آن را متجاوز شناخته است!! بحث بر سر مسیحی و مسلمان نیست، بلکه

**✓ تعریف و تعبیر واژه «متجاوز» در کاربرد سیاست خارجی ما در مورد دو کشور متجاوز، یعنی اسرائیل و ارمنستان، در مقاطع و موضع‌گیری‌های سیاستهای خارجی ما چنان معانی و تعبیر متضادی پیدا می‌کند که اعتبار آن به شدت مورد تردید قرار می‌گیرد!! به دیگر سخن اگر واژه «متجاوز» حتی در موضع‌گیری‌های سیاسی، چه در مورد اسرائیل و چه درباره ارمنستان به یکسان تعریف، تعبیر و ارزیابی قرار بگیرد، قاعدتاً نباید هیچ یک از دو متجاوز نسبت به همدیگر امتیازی داشته باشند.**



بحث بر سر متجاوز است که نباید سردی موقت روابط دو کشور مسلمان، موجب برائت دولت تجاوزگر، آن هم تجاوز یک دولت مسیحی به سرزمین مسلمانان گردد!! ما نباید نمونه دولتهای مسلمانان باشیم که با رژیم غاصب اشغالگر قدس روابط صمیمانه همه جانبه دارند!! در حالیکه ما آن دولتها را مذمت می‌کنیم، خود نباید حامی دولت متجاوز باشیم که سرزمین مسلمانها را اشغال نموده و حاضر نیست گامی از تجاوزش عقب‌نشینی کند!! متجاوز، متجاوز است، خواه یهودی باشد و خواه مسیحی و یا مسلمان. فلسفه روابط تمام کشورهای جهان با یکدیگر براساس احترام بر رعایت تمامیت ارضی و منافع متقابل است. ولی با چه توجیهی می‌توان با یک کشور متجاوز رابطه برقرار نمود؟! آن هم از نوع بسیار صمیمانه و همه جانبه‌اش؟! آیا رابطه با یک کشور متجاوز، در هر نقطه از جهان توجیه‌پذیر است؟! ما که از روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل متجاوز به حق عصبانی هستیم، روابط خود با ارمنستان مجاور را چگونه باید توجیه کنیم؟! در حالیکه داعیه دفاع از حقوق تمامی مسلمانان جهان را داریم.

## خبرلر

✽ براساس رأی صادره شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، دکتر محمود علی چهرگانی از اتهامات وارده تبرئه شد. این رأی صادر شده دکتر چهرگانی را از اتهام قاچاق کالای خارجی که براساس رأی دادگاه تحمل شش ماه حبس تعزیری و پرداخت ۱۱۴/۳۲۰/۸۱۸ ریال جزای نقدی از سوی شعبه چهارم دادگاه انقلاب اسلامی شده تبرئه و حکم به برائت نامبرده داد. در بخشی از رأی یاد شده آمده است: تجدیدنظر خواهی آقای محمود علی چهرگانی، از دادنامه شماره ۱۳۷۸/۱۱/۲۸-۱۳۷۸/۴/۷۸ دادگاه محترم شعبه چهارم انقلاب اسلامی تبریز که به موجب آن به تحمل شش ماه حبس تعزیری و پرداخت ۱۱۴/۳۲۰/۸۱۸ ریال جزای نقدی به نفع صندوق دولت به لحاظ قاچاق کالای خارجی محکومیت یافته‌اند، با توجه به محتویات پرونده و اینکه در تاریخ اعتراض، رأی صادره قطعی بوده و قابلیت تجدید نظر خواهی در مراجع تجدیدنظر خواهی نداشته و بعداً نیز چون بخشنامه ریاست معظم قوه قضائیه در مورد قابل اعتراض بودن رأی صادره در مورد قاچاق کالا در مراجع تجدیدنظر، حسب دادنامه شماره ۳۷۸/۷۹-۱۳۸۰/۴/۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است.

لذا بنابه مراتب فوق، قرار رد درخواست تجدیدنظر خواه صادر می‌شود ولی تذکر اجرای احکام دادگاههای انقلاب اسلامی تبریز به ریاست محترم دادگاه شعبه چهارم انقلاب اسلامی که در اجرای بند ب ماده ۱۳۵ از قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب به لحاظ فقد دلیل مبنی بر وقوع بزه قاچاق کالا توسط آقای چهرگانی، عنایتاً به محتویات پرونده و اظهارات وارد کننده آن کالا و نامه شماره ۸۰/۶-۶۴۴۷-م/۱/۳۲ اداره کل اطلاعات استان در نهایت وارد و موجه بوده، علیهذا چون وضع اشتباه در رأی صادره (محرز و مبین) بوده، لذا دادگاه تجدیدنظر با اجازه حاصله از شق چهار بند ب ماده ۲۵۷ و تبصره ذیل ماده ۲۳۵ از قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی ضمن نقض دادنامه بدوی، مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی اصل کل برائت، حکم بر برائت آقای محمود علی چهرگانی صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره قطعی می‌باشد.

✽ بالاخره پس از کش و قوسهای فراوان حکم دادگاه مطبوعات شمس تبریز اعلام شد. «علی حامد ایمان» مدیر مسئول هفته نامه شمس تبریز از حیث ایجاد اختلاف مابین ایشار جامعه با طرح مسائل نژادی و قومی با احتساب ایام بازداشت قبلی به تحمل با هفت ماه حبس و از بابت توهین به مقدسات اسلامی به تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم شده و با توجه به وضع اجتماعی متهم دادگاه اجرای مدت چهار ماه از محکومیت حبس متهم و نیز اجرای مجازات شلاق را مستنداً به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به مدت دو سال تعلیق نموده چنانچه متهم در ایام تعلیق مرتکب جرمی شود که مستوجب یکی از مجازاتهای منوعه در ماده فوق‌الذکر باشد علاوه از مجازات جرم ارتكابی، مجازات تعلیق نیز اجرا خواهد شد. راجع به اتهامات دیگر متهم مبنی بر نشر اکاذیب، توهین و افترا به مسئولین نظام، هجو بحث خودی و غیرخودی با توجه به محتویات پرونده، دفاعیات متهم و نظریه هیئت منصفه مبنی بر بزه‌کار تشخیص ندادن متهم و به لحاظ فقدان دلایل کافی قناعت وجدانی جهت احراز بزههای انتسابی حاصل نبرده. در طبق اصل ۳۷ قانون اساسی حکم برائت صادر شد. نظر به اینکه متهم با وصف داشتن سابقه کیفری در مورد جرائم مطبوعات به ارتکاب

جرم اصرار داشته و مقالات متعدد به شرح اوراق پرونده منتشر کرده فلذا در اجرای تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات پروانه هفتت نامه شمس تبریز لغو شد.

✽ همزمان با آغاز سالتحصیلی جدید، سایت اصلی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان واقع در ۳۵ کیلومتری جاده تبریز - سراغه فعالیت رسمی خود را آغاز خواهد کرد. این مجتمع با ۵۰ هزار مترمربع زیربنا شامل دو دانشکده و چهار خوابگاه و سالنهای ورزشی نیمه تمام با بیش از ۷/۵ میلیارد تومان آبان ماه سال ۸۰ با حضور وزیر علوم، تحقیقات، و فناوری به بهره‌برداری رسیده است. از جمله مشکلاتی که در یک سال گذشته دانشجویان با آن مواجه بودند می‌توان به مسایل زیر اشاره کرد:

۱- عدم سرویس دهی به موقع از دانشکده فنی خطیب به پرویس اصلی

۲- عدم حضور مرتب بعضی از کارکنان دانشگاه در وقت اداری در محل خدمتشان

۳- عدم دسترسی دانشجویان ساکن خوابگاهها به ساده‌ترین امکانات یک خوابگاه از جمله سایت کامپیوتر، اطاق ورزش و مطالعه و...

۴- عدم وجود کادر درمانی در خوابگاهها که امید است با همکاری دانشجویان و پرسنل اداری دانشگاه و با درایت دکتر محمد آقازاده رئیس دلسوز و درد آشنای دانشگاه از مشکلات مذکور کاسته شود تا دانشجویان به دور از هرگونه دغدغه خاطر در یک محیط آرام به فعالیتهای آموزشی خود ادامه دهند.

✽ چهارمین شماره نشریه خزر با عنوان «دکتر صدیق و اؤنون یارادجی لیغی» در اسفند ماه ۱۳۸۰ منتشر شد.

این ویژه نامه با مطالبی همچون «معاصیر تاریخیمیزه سیر باخیش»، «سه کشف مهم ادبیات آذربایجان»، «باری چو عسل نمی‌دهی نیش زن» و «گفتگو با دکتر صدیق» در ۵۰ صفحه و با هدف آشنا کردن دانشجویان با یکی از نویسندگان فعال آذربایجان تهیه شده بود.

✽ نمایشگاه محصولات یونیسف با شعار «آموزش حق همه کودکان است» در محل دفتر نشریه خزر برگزار شد. در این نمایشگاه که با همکاری امور فرهنگی دانشگاه همچنین نماینده محصولات یونیسف در تبریز برگزار گردید، کتابهایی برای کودکان، عکسهایی از کودکان ملل مختلف جهان، وسایل آموزشی و سرگرمی مخصوص کودکان به نمایش گذاشته شده است. یکی از مهمترین اهداف برپایی این نمایشگاه آشنایی با پیمان حقوق کودک برای تمام کسانی که با کودک سروکار دارند مخصوصاً والدین، مربیان، معلمان و خود کودکان بود. در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه که با حضور مدیر کل امور فرهنگی دانشگاه و نیز تنی چند از نویسندگان و خبرنگاران نشریات استانی و نماینده یونیسف در آذربایجان برگزار شد نوآموزان کودکتان «دلبدان» به اجرای برنامه و سرودخوانی پرداختند و در پایان از سوی هفته نامه «شمس تبریز» به کودکان هدایایی تقدیم شد.

✽ گاهنامه میثاق تبریز طی شماره‌های ۱۱۰ و ۱۱۱ این گاهنامه، نشریات دانشگاهی را متهم به قوم‌گرایی کرد. از دیگر اتهامات وارده به نشریات دانشجویان آذربایجانی می‌توان به اختلاف افکنی بین اقوام کشور از جمله فارس‌ها و آذربایجانی‌ها، ایجاد شکاف بین دولت و آذربایجانی‌ها، تبلیغ الفبای بیگانه به وسیله درج مطالب نوشته شده به زبان آذربایجانی با الفبای لاتین، تبلیغ و ترویج احساسات کور ناسیونالیستی مانند زبان گرای و نژادگرایی و... اشاره کرد. از جمله نشریاتی که متهم به این موارد شده است نشریه «خزر» می‌باشد و با درج مقاله‌هایی تحت عنوان «ملی‌گرایی، ناسیونالیسم و شوونیسم در ایران»، «دژیوشن اوشاق»، «ایروان یک ولایت مسلمان‌نشین بود» و



## احزاب سیاسی مرکز و خواسته‌های مردم آذربایجان



قالب حرکت ملی آذربایجان متبلور شده و جناب آقای دکتر چهرگانی در رأس حرکت به عنوان سخنگو و معرف آن شناخته شده‌اند، در حیطه پان، پان‌گرای، تجزیه‌طلبی ارزیابی می‌کنند. این گونه رفتار و عملکرد دوگانه خارج از رسالت واقعی و تعریف شده یک حزب و گروه سیاسی در جوامع دمکراتیک و چند صدایی می‌باشد و تعریفی جز استفاده ابزاری از افکار عمومی و یا ظرفیتهای طرف مقابل برای نیل به اهداف حزب و یا گروه نخواهد داشت به عنوان مثال بزرگترین تشکل سیاسی ایران یعنی حزب مشارکت ایران اسلامی که با شعار ایران برای همه ایرانیان وارد عرصه شده و از احزاب پر قدرت داخل حاکمیتی محسوب می‌شود، در تحلیلهای خود همواره سعی نموده که با ژست دمکراتیک با مسائل روبرو شود، اما تا به امروز در هیچ یک از تحلیلهای خود کوچکترین اشاره به مسائل قومیتها ننموده و با دیگر طیفهای سیاسی که در گفتمان خود، از پلورالیسم دینی و روشنفکری استفاده می‌کنند هیچ موقع به پلورالیسم قومی و فرهنگی اشاره نکرده‌اند و در قبال اعتراض فعالین آذربایجانی این تئوری را برجسته کرده‌اند که مسائل مرکز مهم‌تر است، نتیجتاً رفتارهای تبعیض آلود و متضاد این احزاب باعث گردیده در فضای فعلی سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی مرکز پایگاه اجتماعی خود را در میان قومیتها مخصوصاً در آذربایجان از دست بدهند و به سوی هویت‌یابی خویش گام بردارند.

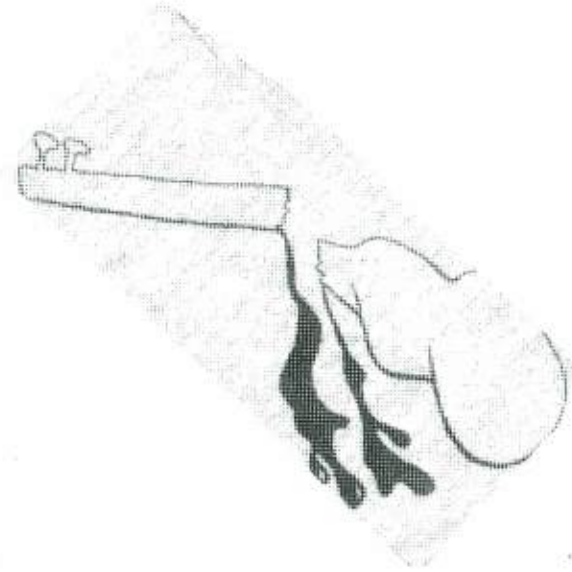
در برهه فعلی مردم آذربایجان با شناخت کافی از شرایط موجود حاکم بر جامعه و گذشته و عملکرد متضاد و ساختار وابسته احزاب مرکز خواسته‌ها و حقوق خود را در قالب حرکت ملی آذربایجان با صدای رساتری به گوش همگان می‌رساند و به طور محسوس خود را از حیطه این جریان‌ها دور ساخته و بی‌تفاوت به مبارزات سیاسی و جناحی آنها که هیچ ثمری در این عرصه نمی‌بیند و با ایمان به صداقت راه حرکت ملی آذربایجان که همانا مبین خواسته‌ها و حقوق ملی‌شان می‌باشد تاریخ را به سود خود رقم می‌زند.

● نبی اوغلو - مرکید

در کشورهای دمکراتیک جهان، احزاب و جریانهای سیاسی حاضر در جامعه هستند که معادلات سیاسی و اجتماعی آن جامعه را تغییر می‌دهند. حیات این احزاب و گروهها در این جوامع بستگی به رشد مسیوبیت و مقبولیت آنان در بین مردم و چگونگی تعیین خطمشی‌هایشان با خواسته‌های جامعه و ارائه راهکارهای صحیح برای این خواسته‌ها را دارد، یعنی احزاب و گروهها با دقت و حساسیت بسیار مسائل و خواسته‌های به روز طیف‌های مختلف را مورد بررسی قرار داده و با فاکتهای به دست آمده اقدام به ارائه تحلیل جامع و راهبردی در این مسائل و تبیین خطمشی حزب می‌نمایند. اما در کشورهای جهان سومی همانند ایران به علت جوان بودن احزاب و عدم نهادینه شدن دمکراسی و نهادهای مدنی و بعضاً نفوذ حاکمیت در احزاب برخلاف قاعده فوق‌الذکر می‌باشد در این گونه جوامع این منافع افراد صاحب نفوذ در حزب و نزدیکی آنها به رانتها و هرم قدرت و ثروت می‌باشد که عامل دوام و قوام و تعیین کننده خطمشی حزب است نه منافع و خواسته‌های مردم. با نیم نگاهی به تاریخچه احزاب و گروهها در ایران و مطالعه سیر حرکت آنها می‌توان وابستگی به مراکز قدرت، نفوذ افراد در این احزاب و گروهها را به خوبی حس کرد، بنابراین آنها هیچگاه نتوانسته‌اند انتظار آنها را در جهت ابراز خواسته‌هایشان برآورده ساخته و جامعه را به سوی ایده‌آلها رهنمون سازند، زیرا دلایلی که ذکر شد مانع آن می‌شود که این احزاب و گروهها خط قرمزهای مطرح شده از سوی حاکمیت را بشکنند و تحلیلهای خود را صرفاً بر مبنای افکار، منافع و یا حول و حوش مسائلی که خود لازم می‌بینند تحریر می‌کنند.

از مواردی که تا به امروز احزاب و گروههای سیاسی ایران بدان نپرداخته‌اند و یا نخواسته‌اند بدان بپردازند و صرفاً در حد ابزاری به آنگاه کرده‌اند مسئله قومیتها و ملیتها و فرهنگهای مختلف در ایران و خواسته‌های انسانی و طبیعی آنان می‌باشد. بی‌شک این قومیتها و ملیتها دارای حقوق و خواسته‌هایی همچو: الف - عدالت اقتصادی ب - احترام به ارزشهای فرهنگی و تاریخی ج - حق تعیین سرنوشت سیاسی با استفاده از کانالهای سیاسی و حزبی می‌باشد که متأسفانه تا به حال پارادوکس خود محوری احزاب موجود در ایران و عدم نهادینه شدن دمکراسی مانع از طرح آنها شده. احزاب و گروه‌های سیاسی مرکز به دلایل مختلف اگر خود عاملی برای سرکوبی آنها نشده باشد در بهترین شرایط از کنار آن خواسته‌ها و حقوق به آرامی گذشته‌اند. از نمونه‌های بارز این مسئله، مسائل و خواسته‌های مطرح آذربایجان می‌باشد که تاکنون جریانهای مختلف سیاسی چه حاکم و چه غیرحاکم، چه قبل از انقلاب چه بعد از انقلاب از کنار آنها به سادگی گذشته‌اند و این مشکلات را در ردیف دوم مسائل ایران قرار داده و فقط سعی نموده‌اند از پتانسیل‌های آذربایجان و آذربایجانی صرفاً در راستای اهداف خود استفاده نمایند و هر وقت نیز سخنی از حقوق ملی آذربایجان به میان آمده از سوی جریان‌ها به شدت مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. جریانهای سیاسی مرکز اعم از راست و چپ داخل حاکمیتی و یا خارج حاکمیتی هرچند با داشتن تضادهای شدید در بین خود در مورد مسائل آذربایجان دارای نقطه‌نظرهای مشترک هستند، آنان طیفی که علم دین بلند کرده فعالین اجتماعی آذربایجان را به داشتن افکار کمونیستی، بی‌دینی، وابستگی به روس متهم کرده‌اند و آن طیفی که داعیه دمکراسی را روشنفکری دینی داشته خواسته‌های مردم آذربایجان را که امروز در

مجامع دانش



● آیدین یارین

شکیلنه  
سیقارامی آلیشیدیردیم  
و چاخیرلی گونلریمه سن سیز کؤچدوم  
گۆزل بیر شعر...  
هیسوالی گولوش...  
خیناوالی تبریز...  
گۆزلریمدهن قیبر توکولور ایندی

هیزمتین بلینده،  
تولاری دلیلم له سایدیم.  
بولجو بو داغیتدا،  
سوسقون باخیشیمی،  
اؤکسوز آیاقلارا باغلادیم

● الناز نستوه

قاپوزوم یانمیش  
گیتار چالیرام  
تئلیری قوپوز - قوپوز آغلاییر

● آراز دنیزی

● محمد دل آسا

بالقیر یار اهام  
نامرد بو داغا یایشیم  
سن پاییز  
آبازیشلن نغمه‌سینی چالارکن یالواربرام بو داقیما  
اما چون قوجالیشام  
بو داغیتدا منی بوراخدی

دامارلاریمی یاشادهان کۆنلومو،  
یاردیم سن او چون  
شوگیمیزن سنه بیر خاطره قالسین  
یازیق اولسون...  
سندن منه قالان خاطره تکجه گۆز یاشیدی  
یازیق اولسون...

● فاطمه نور علی پور

● سولماز خانلی

### تأملی در مباحث تاریخی - فرهنگی

روایت‌سازی و تاریخ نگاری، توأم با آوازه‌گری (propaganda) و استیهام است؛ شاعر، منجم و وزیر دانشمند دیروزی، امروز در هیأت «ذره‌شناس نابغه»، «سازنده نخستین دستگاه لیزر»، «ستاره ناسا» و غیره ظهور می‌کند؛ کتب و مجلات علمی نیز به ابزار تبلیغاتی تبدیل شده است!

گوستاولویون می‌گوید: «روایات رهبران حقیقی اقوام هستند و بدون روان قومی، هیچ فرهنگی پدید نمی‌آید، بشر از بدو پیدایش دو وظیفه عمده داشته است: ۱- ساختن روایات ۲- از بین بردن همین روایات پس از مصرف اثرات مفیدش؛ اضمحلال تدریجی روایات به ترقی می‌انجامد ولی جمود فکری راه رسیدن به کمال را می‌بندد» متأسفانه در تعویض نهادهای مخالف صلح و ترقی، فقط اشکال ظاهری به سهولت، چهره می‌بازند و همیشه یک ناخن خراشیدگی در ته ظرف باقی می‌ماند؛ روایان باستان‌گرا نیز به ته دیگ چسبیده، با روایات بدوی تفرقه می‌اندازند؛ مثلاً می‌گویند: «توران و دیوان»، دشمن اصلی ایران موجودات عجیبی بودند؛ دیوان دو سر و چهار پا داشتند... (سرخپوستها نیز ابتدا، اسب و اسوار اسپانیایی را یک موجود می‌پنداشتند و با رؤیت جدا شدن مرد از اسب تعجب می‌کردند)... از برکت باستان‌گرایان تمدنهای ۶۰۰۰ هزار ساله نابود شده، تخت جمشید رونق می‌گیرد؛ زیرا تمدنهای واقعی استراتژی منظم آنها را بهم می‌زند؛ مثلاً وقتی آثار «گژی مجید» بر سر زبانها افتاد برای بایکوت کردن آن ارک عیاش را به صورت مقطعی پیش کشیدند و در یک نمایش دیالوگی یک نفر از دیگری سئوالاتی در مورد ارک نموده، توجه مردم را از «گژی مجید» منحرف ساخته به سوی خود جلب نمودند... بعد از اینکه آنها از آسیاب افتاد دیگر سراغ ارک نیز نگرفتند!

● فراریان لوس آنجلس‌نشین به تکاپو افتاده‌اند تا با تخریب چهره پورپیروار بر رسوایی خود سرپوش بگذارند؛ مثلاً ابتدا روزنامه‌ها از خاطرات خلخالی و اهانت به کوروش مطالبی می‌نویسند، سپس می‌گویند: «آقای پورپیروار چیز تازه‌ای نگفته است، خلخالی هم زمانی چنین چیزهایی گفته بود.»

آنان مبلغ سلسله‌هایی هستند که مؤسس آنها (کوروش، اردشیر و...) به باری بیگانه آمده، خاتمشان نیز فرار کرده است (داریوش، یزدگرد و محمدرضا...) قران با صراحت ذوالقرنین (اسکندر) را بر یاجوج ماجوج (اهمنی‌ها) و روم را نیز بر عدن الارض ترجیح می‌دهد. [بعد از وفات پیامبر و گسترش اسلام مسیحیان نیز مانند یهودیان با اسلام مخالفت کردند و در قرون بعدی، در ایران و مصر اپوزیسیون علیه اعراب و اتراک پدید آمد و اپوزیسیونهایی نیز بعد از ظهور دولت عثمانی شروع گردید.]

ظریفی می‌گفت: «ما باید به غربی‌ها امتیاز بدهیم؛ زیرا برای ما تمدن می‌سازند و هوش ایرانی را تبلیغ می‌کنند» گفتیم: «ما تبلیغ سوء آنها را نمی‌خواهیم؛ آنها به جای فرهنگ خلق، فرهنگ افیونی و به جای صاحب استعداد واقعی، عروسک تبلیغاتی را گنده می‌کنند» هرگاه عروسک تبلیغاتی افول کند می‌گویند: «نخبه‌کشی شد!» و تاکنون کسی اینها را فاش نکرده است و تاریخ پر از سفرنامه، روایات و فهرستهای جعلی است.

اینجا مناسب می‌بینم به خاطر مسائل فرهنگی - تاریخی از کتابهای «۱۲ قرن سکوت و پلی بر گذشته» نامی ببرم که نقطه عطف تاریخ‌نویسی در ایران است؛ این کتابها ضربه سنگینی بر پیکر عوامل «Racism» منطقه و آپارتید فرهنگی فرود آورده است؛ واقم این سطور از بینش تاریخی آقای پورپیروار به وجد آمد؛ زیرا بینش ایشان از احساسهای مبالغه‌آمیز سرچشمه نمی‌گیرد؛ حتی نوع بررسی و بینشی که به خواننده می‌آموزد بیشتر از اسناد مکتوب اهمیت دارد؛ زیرا سرنخهای شایعه مسموم تاریخ را نشان می‌دهد. به همین دلیل فراریان لوس آنجلس‌نشین به تکاپو افتاده‌اند تا با تخریب چهره پورپیروار بر رسوایی خود سرپوش



بگذارند؛ مثلاً ابتدا روزنامه‌ها از خاطرات خلخالی و اهانت به کوروش مطالبی می‌نویسند، سپس می‌گویند: «آقای پورپیروار چیز تازه‌ای نگفته است، خلخالی هم زمانی چنین چیزهایی گفته بود.» و شب و روز با شیون خاصی می‌گویند: «خلخالی می‌خواست تخت جمشید را خراب کند!» با این شیوه استدلال و قیاس مع الفارق می‌خواهند بگویند که پورپیروار نیز از قماش خلخالی است... این ترفندهای نخ‌نما دیگر خریداری ندارد و کوس رسوایی آنان نواخته شده است! علت بر آشفتگی و پرخاشگری آنان نیز ریشه در ترس دارد و بسیاری از آنان بر پوشالی بودن ستونهای به ظاهر محکم این بنا اشراف دارند و اضطراب فرو ریختن آن لحظه‌ای گریبانشان را رها نمی‌کند و نویسنده «پلی بر گذشته این اضطراب را به کابوس هولناک مبدل ساخته است و صحنه فرو ریختن سقف را تداعی می‌کند. آنان می‌ترسند که دیگر نتوانند تاریخ بسازند لوحه بنویسند، شاعر و نابغه تبلیغاتی درست کنند!!!»

#### ● ابوالفضل نصیری

سوزو ایشله‌نیر. بورادان ایسه بیز بئله بیر نتیجه‌یه گله بیلیریک کی، [شادارا] سوزو قوم، تورپاق ذره - دارییان [معناسینا] [شاذره‌ن] یاخود [شادارایان] بیلرشمه‌سیندن (شاذره‌ن = شا - ذره = شادارا) طرزینده فورمالاشمیش بیر اسم‌دیر.

#### اوتو:

معاصر معیشت طلبیری ایله علاقه‌دار اولاراق چوخ و گنیش دایره‌ده استفاده اولونان آلتلردن بیری نین آدی کیمی هامی نین ایشله‌تدییی سوزلر سیراسیندا [اوتو] سوزوده دقتی جلب ائدیر. روس دیلینده [اوتیوق] سوزونو نظره آلاراق بعضاً بئله دوشونورلرکی بو سوز دیلیمیزه سون زامانلاردا وس دیلینده کتچن سوزلرده‌ندیر. البته، روس دیلینده‌کی [اوتیوق] سوزو ایله دیلیمیزده‌کی [اوتو] سوزو بیر کوکده‌ندیر.

بس بو سوزون کوکو هانسی دیلده‌ندیر و هانسی معنادا اولان سوزله باغلی‌دیر؟

بو سئوال‌لارا جواب وئریمک اوچون روس و تورک دیل‌لری ایله علاقه‌دار بعضی منبع‌لری نظردن کتچیریک.

۱۹۴۰ - جی ایله نشر اولونموش «روس دیلی نین ایضاحلی لغتینده» [اوتیوق] سوزونون تاتارجادان [اوتوک] سوزوندن اولدوغو کؤستریلیر. بونا گؤره‌ده بو سوزون اصلینی تاپماق اوچون تاتار دیلینده‌ده علاقه‌دار اولدوغو تورک دیل‌لری نین ایلکین منبع‌لرینی نظردن کتچیریمک لازیم‌دیر.

۱۱- جی عصرین مشهور دیلچی‌سی محمود کاشغارلی نین «تورک دیل‌لرین دیوانی کتایی» نین بیرینجی جیلدینده [اوتوک] سوزونه راست گلیریک. محمود کاشغارلی همین سوزو ایضاح ائده‌رک یازیر: اوتوک: «قاپاقلی ذمیر آلت‌دیر، ایچریسینه اود توکوب قیزدیریرلار و بسونولا پالتارین قاتلارینی، تیکیش خطلرینی هامارلاییرلار، سیغال‌لاییرلار.»<sup>(۳)</sup>

بورادان آیدین اولورکی، [اوتوک] آدلانان آلت تقریباً مین ایل بوندان اول تورک دیللی خالقلار آراسیندا اولموش و بو آلتین آدی‌دا محض تورک دیل‌لرینه منسوب سوزدن یارادیلیمیشدیر. بو آلت اساساً ایستمکله پالتاری - پارچانی هامارلاماق و اوتون تیکیش قاتلارینی سیغال‌لاماق اوچون استفاده اولونان بیر آلت‌دیر. تورک دیل‌لرینده و بو جمله‌دن آذری دیلینده بو سوزون اساسینی تشکیل ائده‌ن [اوت] سوزونون آزاجیق ذیشمیش واریانتلاردا ایزلرینه راست گلمک اولور. بیز هله‌لیک چوخدا اوزاغا گئتمه‌دن آذری دیلینده‌کی ایزینی یادا سالماقلا کفایت‌لنمک ایسته‌یریک. آذری دیلینده همین سوزون اساسینی تشکیل ائده‌ن [اوت] سوزوندن «اودا توتماق»، «قارسالاماق»، «اودلا هامارلاماق» معنالارینا [اوتمک] سوزو ایشله‌نیر. بعضی شیوه‌لرده (اغداش، مینگه چشور اطرافنی) شیوه‌لرینده [اوتمک] سوزو «کوسو» معناسیندا، «اوتمه» سوزو [اودا] ایسیدیلرک برکیدیلیمیش چوبوق - چوماق [آدی کیمی ایشله‌نیر. نهایت «باشیاق قوورودوق» معناسیندا «توتقالدا باشیاق اوتوک» جمله‌سی ایشله‌نیرکی، سوراتدادا [اوتوک] سوزو (ایستیدیک، قوورودوق) معناسینا ایشله‌نیلیمیش سوزدور، بونوندا اساسی [اوت] دور. بورادان ایسه آیدین اولورکی، [اوت] سوزو اصلینده [اود] سوزو ایله باغلی بیر سوزدور و تورک دیل‌لری قایداسینا گؤره بو سوزدن [-اوک] شکیلچی‌سی ایله «ایسیدجی مخصوصونا موافق [اوتوک] آدی دوزه‌لدیلیمیش؛ بئله‌لیک ده ایسیدجی، آلتین آدی [اوتوک] یارادیلیمیشدیر. بو سوزروس دیلینه کتچیب اصلینه موافق حالدا ساخلا‌یلیمیشدیر. لاکن خصوصاً تورک دیل‌لری نین شرق قروپوندا اوزونو محافظه ائده‌ن قاپالی هنجالی لیق آذری دیلینده آچیق هنجالی لیقلا عوض اولوندوغونا گؤره [قایق] سوزو [قایی]، [ساریق]

سوزو [ساری]، «تمیز» معناسینا [آریق] سوزو [آری] شکلینده ایشله‌نیلدییی کیمی، [اوتوک] سوزوده همین قانونا اویغون اولاراق آذریجه‌ده [اوتو] شکلینده دوشموشدور.

#### ● کؤچوره‌ن: محمد قضائی

#### پاورقی:

- ۱- عبدالزل دمیچی زاده
- ۲- گنجلیک نشریاتی - ۱۹۶۸
- ۳- اللی سوز - ۵۰ سوز
- ۴- باکی
- ۵- دیوان اللغات الترك - محمود کاشغری

#### □ محمد قضائی

سنه قوریان اولوم سفر بی‌خطر،  
دوغما وطنینه سن خوش گلیمین.  
تعریف انت بئر گوروم اورده‌نه خبر؟  
انرمنی یورده‌وندان نه گتیریمین؟

انشیتدیم راضی‌سان بو سفریندن،  
چوخ شوکور آلاها، آنجاق دئی گوروم  
کیملر راضی اولدو بو عملینده‌ن؟  
سن بیل ایناندیغین، سئوله «من اولوم»!

هنج فیکیر وئرمدین هارا گئدیرسن؟  
سرحدی آدلاییب کتچدین اوتایا.  
آقارداش! نه تههر حشیف‌لنمده‌ن،  
باشماغین آلتداکی بو پاک تورپاغا؟

سن هانسی ال ایله ال وئرده‌ن آخی،  
اوقسانلی اللره، قاتیل اللره؟  
ایسنسان اوره‌یینه توخونانلاری،  
سن نه تههر باسدین پاک اوره‌یینه؟

اوتایدا وطنی پارچالایان کس،  
بو تاید ا وطنه قوناق گله‌جک.  
دونن قتلیمیزه فرمان وئرهن سن،  
بو گون غمیمیزه ساغلیق وئرجه‌جک.

بس سن نئجه دوزده‌ن بو فلاکته،  
نسییه گؤره‌نمه‌دین چاناق قالانی؟  
یئر - کؤی قان اغلادی جیدیر دوزونه،  
باغری قانا دؤندو، باغری قان داغی.

تسوپخانا، دؤوطلب، خوجالی نئجه،  
تسامارزی - تسامارزی باخدی الینه.  
شاه بولاق هیچقیردی سنی گؤره‌نده،  
یسته اوسود الین آچدی تبریزه.

«من دئمیرم اوستون نژاد دانام من،  
دئمیرم ائللیریم، ائللرده‌ن باشدی.  
منیم مسلکیمده، منیم دینیمده،  
میل‌لر هامیسی دوستدو، قارداشدی...»

سنویله‌دی بو سوزو اولو سهنتدیم.  
بو گون باغیربرام آتام سهنته  
یوخ! اوستاد اوستوندور منیم میلتم،  
دؤزومده، سهوده، دینمه مزلیکده.







۷- ستونج داهانه ایشلر گوروب و گوره جک دیر؟  
دوسلار آراسیندا، یولداشلار آراسیندا اوشاقلار آراسیندا بیرنجی نوبهده دوسلوقلاری، یولداشلیقلاری داهانه آرتیق گوجلندیرمک ستونجین آماجلا ریندان دیر. یونادا چوخ ستونبیریک کی بو ایشده اوغورلو اولموشوق. بیز بوردا تحقیق آپارماق اوچون اوشاقلارا موضوعلار و تریبریک اولاندان ایسته بیریک کی بو موضوعلار حاقدا تدقیقات ائتسینلر.

۸- سون سوزونوز...

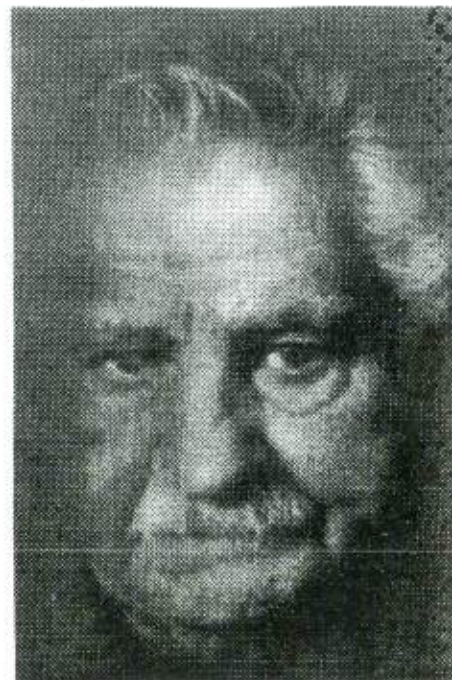
ستونج گروهو دوستلوقلاری برکیتیمک اوچون یارانیب، اساسنامه سینده ده یونا اشاره اولونوب.  
اساس نامه تین یازیلما سی مشورت سیز اولماییب. ۷۵- نجی ایلدن «ستونج» یارانان گوتدهن بیزیم ایستگیمیز کولتوره ل ساحه لرده چالیشماق ایدی. اساسنامه یازیلاندان سونرا بیز سیرا بویوک لر ایلن

دانشدین اولنلارین دا بو حاقدا نظرلرین سوزوشدوق. بو ایش اوچون اساسنامه الینماسایدی بلکه ده بو گروپ ایندییه قده ایشلرینه داوام و تیره بیلیمه ایدی. بو گروهون اولورده چالیشما سی بیز سیرا شوبه لر عائله لرده یارادیردی کی بو ایش رسمی اولاندان سونرا هامیدایا اعتمادین یارانماسینا سبب اولدو.  
بو آرادا اولان بیلر بیز سیرا دوسلار بیزدهن اینجیمیش اولالار. بیز او دوسلاردان خواهیش اندیریک کوسودوتوب بیزی یالقیز بوراخماق یئرینه گلیب بیزیمله دانشینلار آرادا اولان چتینلیکلری قالدیرماقدا بیزه یاردمچی اولسونلار.

۹- سیزدهن بو دانشیقدا اشتیراک ائتدیگینیزه گوره مینتندارلیغیمیزی بیلدیریریک.  
منده سیزه اوزومون هابثله ستونجین چالیشانلارینین وه ریندهن مینتندارلیغیمی بیلدیریریم. ساغ اولون.

## چاغیریش

خزر درگیسی «صفرخان قهرمانیان» ایله «ناظم حکمت» اوچون بیز اوزل سایه حاضیرلاماقدادیر بوتون قلم صاحبیلری اویرنجی لر، و بو حاقدا تدقیقی ایشلری اولان دوسلاردان خواهیش اولونور یازیلارین بو آدرسه گوندرسینلر.  
تسبیریز - خیابان دامپزشکی، خیابان ورزش، دانشکده فنی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، امور فرهنگی خطیب، نشریه خزر



## فدرالیسم پیش شرط اساسی توسعه متوازن و عادلانه در ایران کثیرالمله

● سامان تورک اتللی

توسعه پایدار و متوازن و اجرای عدالت در جوامع مختلف از دیرباز مسئله ای اساسی برای دانشمندان و متفکرین و نیز دولتمردان جهان بوده این مسئله در دوره معاصر که ارتباطات میان ملل بیشتر شده و به تبع آن فاصله میان ملتها از نظر سطح رفاه و توسعه، آشکارتر گشته، بیش از گذشته مطرح شده است.

عوامل مختلفی در فرایند توسعه دخیلند از جمله سطح دانش، امکانات طبیعی، تلاش مردم و از همه مهمتر ساختار نظام سیاسی - اقتصادی - فرهنگی حاکم بر کشور.

اینکه نظام و سیستم حاکم در کشور نظامی تمرکزگرا و سانترالیست باشد یا نظامی پلورالیست و کثرت گرا بحثی است که در این مقاله به طور کلی به آن پرداخته خواهد شد.

پس سوال اساسی اینست که:

توسعه پایدار و متوازن کشور ما در حالیکه پارامتر بسیار مهم عدالت نیز فراموش نشده در گرد کدام سیستم است.

فاشیستها، میلیتاریستها، پان ایرانیستها، نژادپرستها، کمونیستها و طرفداران نظامهای استبدادی و تیران از سیستم متمرکز و سانترالیست دفاع می کنند و باور دارند که برای رشد و تعالی کشور و حفظ اتحاد و یکپارچگی و جلوگیری از رشد تحکرات قومی و... باید نظامی یکدست و بسته که در آن تمام امور اداری، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی از دستگاه واحد، حزب واحد و مرکزیت واحد دستور می گیرند، ایجاد گردد.

در طرف مقابل دموکراتها، پلورالیستها، طرفداران حقوق اقوام و ملل غیرحاکم، طرفداران حقوق بشر و... قرار دارند.

به نظر این طیف برای رشد و توسعه کشور و استفاده از توان و پتانسیل مناطق مختلف و اجرای عدالت در عین ایجاد رقابت سالم بین گروههای نژادی و زبانی و قومی و ملی در داخل یک کشور و سهم کردن آنان در قدرت حاکم در جهت اتحاد اختیاری شان، لازم است که نظامی پلورالیست و متکثر در کشور ایجاد گردد در این مورد تجربه موفق کشورهای مختلفی چون سوئیس و آلمان در اروپا و آمریکا و کانادا در قاره آمریکا و هند در آسیا مؤید نظر گروه دوم و شکست شوونیزم پهلوی در ایران، پان عربیسم صدام حسین، فاشیسم هیتلر در آلمان سابق و کمونیزم لنینی در شوروی سابق نشانگر ناکامی سانترالیستها است.

این مقاله قصد آن دارد که به شکل تحلیلی دلایل پیروزی و موفقیت نظامهای متکثر و شکست نظامهای تمرکزگرا را بررسی کرده و در نهایت از طرح مثبت ده (۱۰) ایالتی شدن ایران که می تواند مقدمه ای بر ایجاد نظام پیشرفته فدرالیسم باشد، دفاع کند.

پیش از هر چیز ابتدا لازم است که مفاهیمی چون دولت، کشور، دولت - کشور، ملت، کشور بسیط و مرکب و... تعریف گردند.

### دولت - کشور:

طبق تعریف کاره دولاب<sup>(۱)</sup>: مجموعه ای از افراد بشر که در سرزمین معینی زندگی می کنند و تحت حکومت و اجبار مشروع قدرتی سازمان یافته که از درون خود آنها برخاسته می باشد. با دقت در این تعریف می بینیم که برای خلق دولت - کشور سه عامل اساسی لازم است:

۱- مجموعه انسانی (جمعیت)

۲- چهارچوبه سرزمینی

۳- قدرت سیاسی: حاکمیت - حکومت

۱- جمعیت:

بدیهی است که برای ایجاد دولت - کشور باید جمعیتی باشد که قدرتی تشکیل دهد و برای خود حکومت ایجاد نماید. اما نباید فراموش کرد که از هر جمعیتی برای ساختن دولت - کشور نمی شود بهره برد و این جهت باید شرایطی داشته باشد که مهمترین آن وجود ارتباط و پیوندی معنی دار در طول تاریخ تا به امروز است.

طبق نظر امیل دورکیم این پیوند بر دو نوع است.

الف - پیوند مکانیکی

ب - پیوند ارگانیکی

الف - پیوند و ارتباط مکانیکی از تشابهات و اشتراکات موجود بین یک گروه انسانی حاصل می آید که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- زبان و فرهنگ ۲- خون و نژاد ۳- تاریخ و حافظه جمعی ۴- مذهب و باورهای دینی این نوع پیوند برای ایجاد یک گروه قومی معین ضرورت دارد.

ب - پیوند ارگانیکی: در اثر رشد دانش و تکنولوژی از تقسیم کار در جامعه و ایجاد نهادهای مختلف اجتماعی و اقتصادی حاصل می شود.

این نوع پیوند در جوامع پیشرفته و پیچیده در زندگی اجتماعی شهری نمود بیشتری دارد.

۲- سرزمین:

سرزمین و گستره جغرافیایی معین برای یک قوم در طول تاریخ تحت تأثیر جنگ و صلح ها، داد و ستدها، کوچ و اسکانها و... ایجاد می گردد و به چنین قومی که دارای سرزمین و جغرافیایی معین باشد و در اکثر موارد سرزمین را به نام خود بشناساند و از طرف دیگر دارای زندگی شهری قومی و پیوندهای ارگانیکی باشد ملت اطلاق می گردد مثال: ملت آذربایجان، ملت آلمان و...

تعریف دیگری از ملت در فرهنگ لغت «لاروس» وجود دارد: «ملت گروهی انسانی را گویند که در سرزمین معین زندگی می کنند و از جهت نژاد، تاریخ، فرهنگ و... در اکثر موارد زبان مشترکند» با دقت در تعریف فوق و دیگر تعاریف موجود درمی یابیم که در کشور ما ایران هرگز یک ملت واحد وجود نداشته بلکه چندین ملت وجود دارد که هر کدامشان دارای زبان و فرهنگ و سرزمین و تاریخ و حتی نژاد ویژه به خود می باشند. این ملتها عبارتند از: آذربایجانها، کردها، بلوچها، ترکمنها، عربها و فارسها که در داخل هر کدام از این ملتها گروههای کوچک قومی و فرهنگی با لهجه های مختلف وجود دارند (همچون لرها، تاتها، قشاقها، گیلکها و...)

در اینجا به راحتی تعریف حقوقی کشورهای ساده (تکبافت) و مرکب (چند بافت) آشکار می شود:

کشورهای ساده: کشورهایی را گویند که تنها از یک ملت معین با فرهنگ و زبان معین ایجاد شده اند.

کشورهای مرکب: کشورهایی را گویند که از چندین ملت ایجاد شده اند یا اینکه عناصر سازنده ملت همچون زبان، دین و... در میان آنها متفاوت است مثل سوئیس، هند و ایران

۳- قدرت سیاسی:

که به شکل قانونی و هنجاری حق حاکمیت و اجبار فیزیکی روی افراد جامعه در سرزمین مشخص را دارد.

اگر مرزهای یک سرزمین توسط قدرتی سیاسی و سازمان یافته محافظت گردد کشور معنی پیدا می کند. ساده یا مرکب بودن دولت - کشور از چگونگی و شکل حکومت و قدرت سیاسی حاکم بر آن نشأت می گیرد. به این ترتیب که اگر این قدرت سیاسی و سازمان یافته از



## حکمتی سؤزلر

● ترجمه ائدن - حسن امید اوغلو

بیر مناره نین اوجالیغین، اونون کولگه سیندن دئمک اولار.  
بیر اینسانین عظمتین، اونا پاخیل لیق اللهین آداملارین سایب سیندان  
ارتست همیگویی

چرچیل دن سنوال اتدیله:

حقیقته اینامین وارمی؟

او دئدی: حقیقت بیر سوموک دورکی، اونون ایلگین چستین لیکله

سورماق اولور

تکجه او آدم ظفر تاپاجاقتی، اینامی وار، ظفرلی اولای بیلرلر  
هر کیمسه کی قورخویا غلبه چالمایب، یاشاییشین ایلکین درسین  
اؤیرنمیب

«امرسون»

ده برلی، دوزگون ایسته یه چاتماغا اوج ششی گرکدیر:  
سالم عاغیل - چالیشماق - دایانماق

«ادیسون»

من اؤزومه یوکسک داغلاری بیخماغا گوج گؤرورهم بیر حالداکی  
طالع منه سامان چؤپونو قالدیرماغا اذن وئرمه بیر.

«لامارتین»

نشریه خزر در نظر دارد به بهترین تفاسیر

طرح روی جلد هدایایی تقدیم نماید.

تفاسیر خود را به آدرس نشریه ارسال نمایید.

هر زمان کی، ینیلیمکدن (شکست) سونرا گولمه باجارساق، قوچاق  
اینسانیق بو ایسه یونگول ایش دئیل، لاکین ایمکان سیزده دئیل.

«آبراهام لینکلن»

حدودی تأمین خواهد شد، حرکتی مثبت به حساب می آید.

ح) ارزشهای دموکراتیک

افزایش مشارکت عمومی و محکم تر و نزدیکتر کردن پیوند میان  
حاکمان و مردم در گرو ایجاد حکومتهای محلی و انتخابات محلی و  
نظام ایالتی است.



هرم دموکراسی

با نگاه به هرم دموکراسی می بینیم که:

۱- با ایجاد نهادهای مدنی و سیاسی محلی و توجه به حقوق فرهنگی،  
مدنی آنها در سیستم ایالتی کمک اساسی به احقاق حقوق سیاسی -  
اجتماعی عموم مردم کشور می گردد.

۲- وجود انتخابات محلی و مشارکت بالای مردم در این انتخابات بُعد  
دیگر هرم را تکمیل می کند.

۳- و در نهایت محلی بودن مسئولین و نزدیک و در دسترس بودن آنها  
در افزایش ضریب پاسخگویی دولت و شفافیت آن کمک به سزایی  
خواهد بود.

پس می بینیم که نظامهای ایالتی و فدرالی در زمینه رشد مردم سالاری  
و حرکت حکومت از اتوکراسی (حکومت فردی) به دموکراسی  
(حکومت مردمی) از جهات مختلف مفید فایده خواهند افتاد.<sup>(۲)</sup>

این مسأله را در قدیمی ترین و پیشرفته ترین دموکراسی جهان  
سوئیس، و نیز بزرگترین دموکراسی موجود یعنی هند مشاهده می کنیم.  
در اینجا به بررسی نظام فدرالی که از موفق ترین و شناخته شده ترین  
انواع دولت - کشورها می باشند می پردازیم:

تعریف ساده ای که از فدرالیسم ارائه شده چنین است:

فدرالیسم اتحاد ملل و اقوام مختلف و مشارکت آنها در ایجاد کشور  
واحد و حکومت واحد می باشد.<sup>(۱)</sup> خصوصیت و امتیاز اساسی  
فدرالیسم در این راستا که دو خواسته ارزشمند ولی متضاد را یکجا  
تأمین می کند.

۱- میل به استقلال و خودمختاری

۲- اتحاد و همبستگی

در این نظام با تقسیم اختیارات و قدرت قانونی بین ایالات و دولتهای  
محلی آزادی سیاسی در فضای دموکراتیک به بالاترین سطح خود  
می رسد.<sup>(۸)</sup>

در ضمن این تقسیم قدرت و جلوگیری از تمرکز آن در دستگاه واحد،  
امکان فساد و انحراف را کاهش داده سلامت نظام را تأمین می کند.<sup>(۳)</sup>  
حقوق دان فرانسوی «ژرژسبیل» سه اصل اساسی را در ایجاد دولت -  
کشورهای فدرالی مطرح می کند.

۱- اصل نهادهای برآیند (یا مافوق) (Loi de superposition)

به این معنی که یک سری از نمادها برای کل کشور در سطحی بالاتر از  
ایالتها توسط افراد کل کشور انتخاب می گردند مانند نهاد ریاست  
جمهوری در ایالات متحده امریکا.

۲- اصل خودمختاری:

طبق این اصل هر ایالت در زمینه مسائل داخلی خود دارای دولتی  
محلی بوده و مسائل حقوقی سیاسی خود را خود حل و فصل می نماید.  
برای اجرای این اصل نهادهایی چون: فرماندار ایالتی، پلیس و دستگاه

قضایی ایالتی و مجالس ایالتی ایجاد می گردد.

۳- قانون (اصل) اشتراک:

به این شکل که دولتهای ایالتی و نمایندگانشان در تعیین سیاستهای  
کلی حکومت فدرال و کشور سهم باشند در این مورد ژرژسبیل چنین  
می گوید نمایندگان دولتها و ایالتها باید در ساختار حکومت فدرالی و  
تعیین سیاستهای کل کشور شرکت نمایند. این اصل با ایجاد نهادهایی  
چون مجلس سنا در امریکا و مجلس بوند سرات در آلمان پیاده می گردد.

### ویژگیهای کشورهای فدرالی<sup>(۱)</sup>

۱- قوانین حکومتی حاکم میان ایالتها جز و قوانین داخلی (حقوق  
اساسی) بوده و بین المللی نمی باشد.

۲- قانون اساسی در مسائل بین المللی و سیاست و خارجی صلاحیت  
را به حکومت مرکزی واگذار کرده.

۳- از نظر حقوقی ایالتها عضو برابرند.

نظام فدرالی از چهار جهت برای کشور اتحاد و یگانگی به ارمغان  
می آورد.

۱- در سطح بین المللی: حکومت مرکزی با تکیه بر نیرو و حمایت تمام  
ایالتها وارد عمل می گردد.

۲- یگانگی در تابعیت: افراد کشور از هر ایالتی که باشند ضمن حفظ  
ملیت و نژاد و زبان خود تابعیت یکسانی خواهند داشت. این مسأله در  
مورد ما کاملاً مصداق دارد که ملیتمان آذربایجانی و تابعیتمان ایرانی  
است.

۳- اتحاد سرزمینی: در نظام فدرالی ایالتها و مناطق در عین حال که  
وجود و ماهیت تاریخی خود را حفظ می نمایند با اتحاد با هم کشور و  
سرزمین واحدی را ایجاد می نمایند.

۴- اتحاد سیاسی: قانون فدرال حاکمیت کامل و نهایی را که در اختیار  
حکومت مرکزی نگه می دارد و به این ترتیب نیروی سیاسی واحدی  
ایجاد می نماید.

در اینجا به بررسی نمونه موفقیت آمیز سوئیس می پردازیم.<sup>(۱)</sup>

کشور سوئیس از قدیمی ترین فدراسیونهای جهان است که در سال  
۱۲۹۱ میلادی از اتحاد سه کانتون (ایالت) به شکل کنفدراسیون پدید  
آمد.

بعدها کانتونهای دیگری به آن پیوسته و در سال ۱۸۴۸ میلادی به  
فدرالیسم تغییر شکل یافت ولی نام کنفدراسیون را حفظ کرد.

طبق قانون اساسی جدید این کشور، سوئیس از ۲۳ کانتون و ۶ نیم  
کانتون تشکیل یافته.

اصل دوم قانون اساسی سوئیس در این مورد چنین می گوید:

«کنفدراسیون سوئیس برای حفظ استقلال کشور، انتظام امور داخلی،  
صلح، حفظ خودمختاری کانتونها و همچنین افزایش رفاه عمومی  
ایجاد شده است.»

در این کشور قوه مقننه از دو شورا شکل گرفته:

۱- شورای کشور

۲- شورای دول و ایالتها

در شورای کشوری از کانتونهای مختلف به نسبت جمعیت آنها  
نماینده وجود دارد (همچون مجلس شورای اسلامی در ایران)

در شورای ایالتی هر کانتون دو نماینده و هر نیم کانتون یک نماینده  
دارند.

قدرت قانونی دو شوراها برابر بوده و شورای فدرال که توسط  
شوراهای فوق ایجاد شده اداره کشور را برعهده دارد. این سیستم تا به  
امروز در این کشور کاملاً موفق بوده.

سیستمهای مشابهی در آمریکا، هند، کانادا، آلمان و دیگر کشورهای  
توسعه یافته دنیا حاکم است خوشبختانه با مراجعه به تاریخ خود نیز

## قویروقلو چرپلنگ

ماراغا - رسول قربانی مقدم

هنج باخما یاراق دون کی نچه قان تۆکولوبدور  
بیر باشقا سحر دیر، یئنه دان سۆکولوبدور  
جانا، او گۆزل روحونو جیسیمینده گۆره رکن  
آندیم بیر ایپک دستمالا تورآن بوکولوبدور

نزدیک به هم بیتن، یوقان قوخولو بیتلر ایله سۆزه باشلابیرامسا  
گرکلر توشقولو اولدوغوما سیغیندیقا آجی قیناقلاردان تور تولوش  
گزیریم. آما هانی؟ هانی؟ هانی بو قورتولوش؟! گونو - گوندن آرتیق  
قارالیقلا اؤغرایان گونشلی چاغلاریمیزین اولومو قارا آغی لار  
قالدیریر یانقلی کۆسومدن. اؤچوشا یادیرغایان یازیق کۆنول قوشوم  
ایسه بو گرگینلیکه سوموک دیره کلی ائوجیکینده بیر اؤتکه لیک یاشیل  
هاوا اؤزلمی نین دوستاغی دیر!

قورتولوش، قورتولوش، قورتولوش سیزیلدایان بیچیک بوغازیمدا  
قاندالانان بیر دولغون هارای ایندی اؤلدوره م سؤیله یهرک بوغور منی.  
بوغولورام، هارای، هارای! آبی بیر آندا بؤیوبوب یاشاچاتان دیدرگین  
کۆرپه دیلکلی لیم بس دیر، بس دیر، دها بس دیر. ایلغیم لار گۆزگوسونه  
توپلاشاراق آزاغیللاشین! عاغیللاشین، بیغیشین باشیما! بو باشی  
ساخلاماغا خینولار دورارین سیخیلان بوغازیمدا بیخمالی سینیز.  
بیخین، بیخین، بیخالی آغ گون گۆرمه میمز اوچون دوستاقلی هارایمی  
قورتارین! بو درین دارلیقا ادا ریخیرام! گونشی ایشیقلا رلا ایشیلدایان  
دوزلرین، دوشلره یسه دیگیم آلا گۆز گوندوزلرین، او آغ گونلرین، او  
آغ گونلرین آپ آچیق ماوی گۆیونده وره و - وره و اوشاقجاسینا  
قویروقلو چرپلنگ اوچور تماغا تامارزی یام! تامارزی! تام آرزی.

رؤیاوی قویروقلو چرپلنگیمین یوورلاق قویروغو اوچالیقلا ردا اسن  
ینلرله باشدان قیریلما ماغی اوچون دان یئری سۆکولن بیر شتخلی  
سحرین ایلک چاغلاریندا ایگید آنالاری ایله اویناشان اوینداشلاریمی  
تاپاجاق گوتومو یورولمادان تام ایستکله گۆزه تله بیرم. باجاریقلی  
اویسونداشلاریمین باشسیز چرپلنگی اوچور تماغا کۆنول  
ونومه یه جکلرینه ایناندیقدا بو گون هله لیک یئری - گۆیو آختارمالی،  
بارین ایسه اوچالیقلا رلا چیخمالی یام...

آی هله لیک آج گۆز بیر تیجی قوردلارا گرکلی اویون اولان قویون  
اویونداشلاریم، هایانداسینیز؟ هایانداسینیز؟ گۆزو یاشلی آنامین داشلی  
دۆشونده اسن یئلر قارشیمدا، اسنه یین درله ایسه آرخامدا بو  
یالقیزلیقا آدیم دیوولو آیاغیمی بو دره تمک هده سی ایله قورخودور  
منی. آرخاسیز منی بو چیکیلی - دومانلی، کدرلی گونده گۆزه تله یین!  
هله کی بابکیمین، قوچ نی مین واردی ایزی دۆنگه لرینده بو دولایین.  
یالقیز یاشاماق بیر آن اولارمی؟ بیرلیکی دمه تین یولما - یولوشدورما  
وطن داش. سیزلره یاناش آشا - بیلیک داغی - داشی. سیزسیز یوخ  
اینانین یوخ، کی بیرینجی دۆنومونده قالاریق سانکی اسیر تک  
هارا ایندا...

**تاریخ یوللاریندا هنج بیر خالق اولمور،  
یالینز کیمی سه دیلی اونودولور و آدی ده ییشیر**

# وقتی حکومتها در می مانند

«رهنمودی برای بقا»

\* کن منکارس (۱)

ناظران به درستی نسبت به این روند هشدار می دهند. آنان از گسترش «هرج و مرج» به عنوان عامل تهدید کننده امنیت جهانی نام می برند و آن را زمینه ساز بی قانونی، تبهکاری سازمان یافته، جنگ طلبی، فجاج انسانی و شیوع بیماری ها می دانند. در حقیقت بحران حاکمیت، سرچشمه بسیاری از بدبختی های توسعه نیافتگی و تبهکاری های فجیحی است که بار آن را بسیاری از فقیرترین مردم جهان به گرده می کشند.

خوشبختانه گروه های اجتماعی که در مناطقی با این گونه حکومت ها زندگی می کنند، گروه های منفعلی نیستند. در شهرها و محله های آنان معمولاً چندان اثری از هرج و مرج نیست. از مناطق روستایی سوماتی گرفته تا حاشیه های شهری فقیرترین هائیتی، همین گروه های اجتماعی بی حکومت، مشغول ابداع شیوه های بدیعی برای سازماندهی خویش و ایجاد سیستم های خدمات عمومی اولیه هستند. حتی یکی از بلندپروازترین این تشکیلات خودگردان، درصدد برقراری نوعی روابط شبه دیپلماتیک با دنیای خارج است. مؤسسات بین المللی توسعه نیک می دانند در جایی که حکومت قادر یا مایل به اعمال قدرت نیست، این نهاد های سیاسی محلی در سطحی گسترده و توده ای به شریکی مهم در طرح های توسعه تبدیل شده اند.

این روند، پرسش تاریخی گسترده تری را به میان می کشد. آیا ضعف یا حتی فروپاشی حکومت ها پدیده ای موقتی و ناشی از پایان دوران جنگ سرد است یا سرآغازی بر خاتمه دوران «حکومت محوری» در سیاست جهان؟ گاهی گفته می شود که حکومت های مقتدر در واقع تشکیلاتی نامربوط و نامناسب است که غربی ها به جوامع مستعمره تحمیل کردند. این منتقدان معتقدند آنچه اکنون شاهد آنیم این است که جوامع محلی، بی اعتنا به شکست این میراث مستعمراتی، در حال بازسازی نهادهای سیاسی و ایجاد نظام های بومی برای اداره امور خویشند؛ نهادهای و نظام هایی که با واقعیت ها و نیازهای محلی آنان انطباق بهتری دارد. برخی این نکته را هم می افزایند که فشارهای روند جهانی شدن نیز فرسایش اقتدار و استقلال حکومت ها را شتاب می بخشد. آیا این به معنای آن است که این نهادهای خودگردان عملاً جای حکومت ها را می گیرند؟ در پاسخ به این پرسش

روز به روز بر شمار «مناطق خاکستری» نقشه جهان افزوده می شود؛ مناطقی که در آن، زور حق است و فقر بی اندازه، در این مناطق حکومت ها یا هر کاری دوست دارند می کنند، یا اتباع خود را سرکشی می کنند و یا اصلاً دیگر وجود ندارند. غیبت آنها را می توان از روی فقدان اراده سیاسی و شرایط دشوار اقتصادی دریافت. در بسیاری موارد، حکومت چنان پدیده جدیدی است که هنوز ساختار کاملی به خود نگرفته است. مثلاً در کلمبیا درگیری های آتشین بر سر اینکه حکومت چه باید بکند، رشد آن را متوقف کرده است.

این فروماندگی باعث شده که تبهکاران سازمان یافته، آزادی عمل یابند. البته همه «مناطق خاکستری» هم مصیبت زده نیستند. مردمان فراموش شده این مناطق با بهره گیری از تنها دارایی های باقی مانده خود (یعنی دانش فنی، سنت ها، ساختارهای کهن قدرت و مهمتر از همه، عزم جزم خود) آموخته اند که چگونه گردهم آیند. آنها در محیط پیرامون خود نظم پایه ای را برقرار ساخته اند و خدمات عمومی ساده ای را پدید آورده اند. و به مرور ایام، اقتدار را از دولت های مرکزی رسوده اند. اگر این دو بازیگر، بتوانند نیروهایشان را یکی کنند، به سرعت حکومتی نیرومند و قانون مدار پدید می آید. موضوع بحث ما، این سازمان های خودگردان است؛ البته در متن شرایط اجتماعی و تاریخی که در آن قرار دارند. سیر بحث، ما را به جاهای مختلفی می برد؛ از سوماتی، که در آن وفور چنین گروه هایی می تواند نشانه ای از یک رسانس ملی باشد، تا کنگو، که در آنجا فروپاشی حکومت با جنگ داخلی همراه شده، تا محله های فقیرنشین «پورتو پرنس» و «گواتمالاستی» و سرانجام تا دره های افغانستان. در حرف، دنیا را حکومت های مقتدری می گردانند که هر کدام کنترل خاصی بر سرزمین های تحت قلمرو خود دارند. اما در عمل، میلیون ها انسان در خلاء سیاسی زندگی می کنند که در آن یا حکومت چندان قدرتی اعمال نمی کند و یا اقتدار محسوسی ندارد. این شرایط «بی حکومتی» (Sans Etat) در برگیرنده مناطقی است همچون حومه های فقیرنشین بلاتکلیف، جوامع شهری فراموش شده، و مهمتر از همه، مناطق رو به گسترشی که در آنها حکومت فرو پاشیده.

باید احتیاط کرد. نخست این که این نهادها، در اکثر موارد نهادهایی بسیار محدود و شکننده اند و در محله های فقیرنشین و مناطق جنگ زده قرار دارند. دوم این که هرچند حکومت در برخی نقاط جهان، نهاد سیاسی بی ربط و نامتناسبی است اما احتمالاً تا مدت ها شاهد حضور حکومت ها خواهیم بود، حکومت ها کماکان ارکان نظام سیاسی بین المللی کنونی باقی می مانند؛ سازمان ها و قوانین بین المللی بر پایه «حکومت محوری» استوارند و گذرنامه ها و مدارک اشخاص برای سفر به کشورهای دیگر، اسناد حکومتی هستند. جهان هنوز به طور رسمی مهیای آن نیست که با سایر نهادهای سیاسی تعامل داشته باشد و آنها را به رسمیت بشناسد. طنز روزگار این که، به این ترتیب، حکومت برای برخی مردم جهان در عین حال که چیزی بی ربط است، ضرورتی اجتناب ناپذیر هم به شمار می رود.

در این میان، شاهد روند حاکم شدن سیستم دوگانه ای از حیات سیاسی در بخش هایی از جهان سوم هستیم. در یک طرف «حکومت های کاغذی» (با ساختارهای حقوقی و قانونی ضعیف و صوری و کم مایه) که همچنان مدعی اقتداری هستند که عملاً قادر به اعمال آن نیستند اما جامعه بین الملل به آنها نیازمند است و آنها را به رسمیت می شناسد. از طرف دیگر، در زیر پوست این حکومت های کاغذی، لایه دیگری از حیات سیاسی (شامل انواع و اقسام نهادهای سیاسی بومی درهم و برهم، سیال، بدیع و غالباً غیررسمی) همچنان در حال تحول است و دست کم برخی از نیازهای گروه های اجتماعی را تأمین می کند. از جمله این نهادها می توان به سازمان های غیردولتی بومی، گروه های مذهبی، تشکیلات محله ها، اتحادیه های صنفی، قبایل و مافیا اشاره کرد که غالباً به طور گسترده ای از منابع بین المللی بهره می گیرند. چالش جهان خارج این است که پیامزد چگونه با این تحول سیاسی پیچیده در برخی نقاط جهان سوم، به طور سازنده برخورد کند.

۱- استاد علوم سیاسی کالج دیویدس امریکا منبع: مجله پیام یونسکو



# سخن مدیر مسئول

اختلاف لهجه ملیت نژاد بهر کس

ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد کسی

با آنکه، ترکی زبان اکثریت نسبی مردم ایران است مع هذا عده‌ای از هموطنان ما که اغلب حسن نیت هم دارند، تحت تأثیر فرهنگ شوونیستی و استعمار فرهنگی نیم قرن گذشته (دوران پهلوی) ادعا می‌کنند که ترکی زبان مردم آذربایجان و ترک زبانان ایران نیست، زیرا زبان این مردم تا آمدن مغولها به ایران «تاتی» و یا فارسی بوده و ترکی در زمان حکومت مغولان به مردم تحمیل شده است. به بیان واضح تر حکومت مغول به مردم آذربایجان ترکی یاده داده و آن‌ها را وادار نموده که در خانه و خانواده و ایل و تبار و شهر و دیار خویش ترکی صحبت کنند و این جریان سبب شده که زبان مادری خود را فراموش کنند و ترک زبان بشوند!

بعد می‌گویند به دلایل فوق نژاد ترک ایران ترک نیست بلکه نژاد آنها آریایی و ترک است. اغلب این قبیل اشخاص بدون آنکه معنی علمی نژاد را بدانند می‌خواهند از اقوام مختلف و متعدد ایرانی که بدون نیاز به اقامه هیچ دلیلی ایرانی هستند، یک نژاد خیالی بسازند و از آن نژاد برتر، یک ملت واحد و نمونه بتراشند تا بتوانند استقلال ایران را حفظ کنند و در برابر خطرات پان تورکیزم تاب مقاومت داشته باشند! چون اگر در آذربایجان ترک صحبت شود و زبان ترکی تدریس شود اینزان تجزیه شده و آذربایجان ایران هم جزء ترکیه و یا آذربایجان می‌شود! اگر چنانچه نظریه این گروه را بپذیریم نظیر چنین ادعایی در مورد خراسان و زبان فارسی هم مطرح می‌شود، چه، زبان افغانستان که با خراسان همسایه و هم فارسی است و در شرایط کنونی همزبانی خراسانیها با افغانها خطر برای استقلال ایران محسوب می‌شود. پس باید زبان فارسی را در خراسان منسوخ نمود مخصوصاً که اختلاف لهجه فارسی خراسان و افغانستان بسیار کمتر از اختلاف ترکی آذربایجان با ترکی ترکیه است!!!

این افکار نژادپرستانه نتیجه مستقیم تعصبات شوونیستی و جهل است، و گرنه تاریخ کشور ما بزرگترین گواه بر بطلان این گونه تصورات است. ایران اسلامی را بعد از حمله

اعراب و انقراض ساسانیان، ترکان سنجوقی باز سازی کردند. این شاه اسماعیل صفوی بود که بعد از حمله

مغول و تیموریان دولت و کشور ایران را تشکیل داد و مذهب شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی ایران اعلام نمود و به میهن ما وحدت و استقلال بخشید. شاه اسماعیل با آنکه ترک بود و به زبان ترکی شعر می‌سرود ولی با ترکان عثمانی برای استقلال ایران می‌جنگید. کلمه «ترک» و «ترکی» یک مفهوم فرهنگی و زبانی است و به هیچ وجه معنی نژادی را در بر نمی‌گیرد و به کسی اطلاق می‌شود که زبان مادری اش ترکی باشد و به آداب و رسوم مردم همزمان خود آشنا باشد. کلمه «نژاد» که مدتها زبانه ارویاتیان و بخصوص آلمانیهای نازی بود و سبب ریختن خون میلیونها مردم بی گناه گردید از طرف همه ملتها و دولتها محکوم شده و جز عده‌ای متعصب نژادپرست و یا بیمار فکری که معنی نژاد را نمی‌دانند، آنها در کشورهای عقب مانده، طرفداری ندارد.



به نظر ما پان تورکیزم، عربیسم و همه پانهای دیگر محکوم و مغایر اصول اسلام و انسانیت می‌باشد. نژاد مجموعه خصوصیات ظاهری (رنگ مو، چشم، جنس و صورت و...) انسان را مشخص می‌سازد و دانشمندان فقط به وجود سه نژاد (سفید و سیاه و زرد) اختلاط سفید و سیاه) قائلند.

با این توضیحات در مورد نژاد، زبان مردم مناطق مختلف ایران هر چه باشد وطن‌شان ایران و همه آنها مسلمانند و ایرانی بودن به زبان و نژاد بستگی ندارد و گرنه سادات و ترکمنها و عرب زبانان ایرانی محسوب

**آیدین یارین**

نیبه جیده م  
عقرب یاخیب  
و بلله لریمین آراسینا  
جیبیمین بوشلوغونو ساتاجاغام  
منده بیر بلله چوره یه  
اوینایاجاقلار اولولر  
قان قوروق -  
سرگی لرینیزده رنقلام یایاجاغام:  
شعریمین قیلینجیلا یوخولارینیزی اویلداجاغام

**گلدیمین یوللارین آسفالتلاریندا  
هله ده قالیر  
گوزلریمین ایزی!**

**داملا - داملا  
اریه ن آیفالاریمی  
آختاریرام**



آغلا  
قندهاردان  
نیپو یورکا قده ر آغلا  
گوز یاشلادینی اوز ساچینلا  
سپیل  
آنیقاق بیل  
نیسگیل قادینی  
ماسکووادا  
۱۳ ایل دیر  
شیخ بیر قادین گوزلله  
ایقیرمه بیب  
آغلا  
قندهاردان نیپو یورکا قده ر  
اوپونچو بول اولاراق  
اسیر گتسین  
منیمله آغلا  
قول - قول

نورالدین مقدم



نمی شدند.  
کشور عزیز اسلامیان که در چهار راه حوادث تاریخ واقع شده و محل تاخت و تاز و هجوم و مهاجرت های بزرگ تاریخی قرار گرفته البته باید چهره ای با این مشخصات داشته باشد اقوام مختلف با زبانها و شیوه های مختلف در آن باشد. این واقعیت را بپذیریم که ملت ما از اقوام مختلف و مردمانی با زبانها و گویشهای مختلف تشکیل شده و همه آنها در طول تاریخ ایرانی شده و برای ایران قربانی داده و حق ایرانی بودن را بدست آورده اند و باید همه آنها حقوق مساوی داشته باشند و خصوصیات مذهبی و فرهنگی و زبانیشان محترم شناخته شود. هر کشوری باید یک زبان مشترک داشته باشد همه افراد آن کشور باید آن زبان را برای تأمین ارتباط عمومی بیاموزند، ولی مردم هر منطقه هم باید بتوانند به زبان مادری و محلی خود تحصیل و تدریس کنند. زبان محلی باید در محل رسماً پذیرفته شده باشد. در دنیای امروز کشورهای چند زبانی زیاد است. در سوئیس چهار زبان رسمی است، در کانادا و بلژیک دو زبان رسمی است.  
بهر حال زبان هر مردمی محترم است خواه اکثریت

باشد، خواه اقلیت، ممنوع داشتن فرهنگ و زبان و هنر ادبیات اقوام ساکن در محدوده جغرافیایی ایران جز امری بالیم فرهنگی و استرقاق فکری و به قولی کاپیتولاسیون معنوی چیز دیگر نیست. چنین عمل ظالمانه و چنین طرز فکر قرون وسطائی و فراموش کردن شخصیت و هویت و گذشته و آینده این زبانها و صاحبان این زبانها در دنیای امروز محکوم به بطلان است.  
پس در پایان ضمن تأکید بر این نکته که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور و زبان دل و احساس همه شیفتگان شعر و ادب فارسی خواهد ماند در کنار آن زبانهای محلی هم که زبان مادری مردم مناطق مختلف ایران است باید آزادانه تحصیل و تدریس شود تا کسی احساس محرومیت و عقده حقارت پیدا نکند و تحصیل سواد به آسانی عملی شود و همگانی گردد. این آزادیها نه تنها موجب تقویت و جدایی در میان افراد ملت نمی شود بلکه تفاهم بیشتر وحدت محکمتر می گردد زیرا وحدت با آزادی و مساوات فراهم می شود.  
به یاد داشته باشیم که عزت و احترام و حقوق فردی و اجتماعی ما بیش از هر جای دیگر در وطن ما منظور و محفوظ است.

کتاب تائیمی:  
درینبیمدی دنیز  
شاعیر: محمدرضا لوانی  
ناشر: ائلدار انتشاراتی  
بو کیتابین اون سوزون ده  
دوقنور «حسین دوزگون» یازیرکی:  
«لوانی» فلسفلی بیر شاعیردیر. لوانی  
نین یار ادبجیلینیندا بیر جور «فلسفه  
چیلک» وار دیرکی تمامیه نوزونه  
مخصوص بیر یون، عموم کوتله  
و انسانلیق منافعینی قوروماغا  
اوستونلوک و نون بیر اینجه صنعت  
یونو داشییر و همین سببه گوره اونون  
گله جکده بحث موضوعوناچنور یلمه  
سینه و بیر نوع اندی لشمه سینه اومید  
باغلابیرام. شاعیرنوزو دنمیشکن:  
گوره سن ایندین صاباحیم ایچون  
نوزومده ایییرم یینه گون به گون؟  
یینه انمان قالدی یینه گله جک  
ناعیل اوخونداقجا گوزه نه شه جک

حورمتلی شاعیر دوستوموز  
« حسین طهماسب پور شهرک »  
( میرزه )  
آتالیزین دونیادان کؤچمه سی ، بیزیده  
سار سیتدی .  
بوموناسیپته ، سیزه هابله عانله نیزه باش  
ساغلیقی و نریب ، آتالیزادا اللاه رحمت انله  
سین دئیریک .  
« خزر درگیسی »

ساری اوزون آنیسی چاغین آیاق قابینا یتر سالییر  
قورو دوداغین کولگه سی دومانا قوشولور  
آدیم لار اوزاق، آداقلار یاخین  
ثانیه نین قانادیندا  
قبلینج دونیاسینا کونورولور  
بو یاتمیش دوشونجه م  
هله قوجالمدان  
قازانجیما توپورور

اولومده ن قورخمایان بیر  
میلتله اولوم یوخدور  
شیخ محمد خیابانی

النار سنوه

ده ده قورقود کیتابیندا ، اوغوز طایفاسینین قهرمان لارینین نه جووره یاشا بییشی وگله نک لری دئییلیب . بوکتابین ۱۲ داستانلی وارکه اونلار عمومیت ده قهرمانلیق داستانلاری دیر ، آنجاق اونلاردا شرف موضوعسو ، حیاء عصمت ، آنا- آنا یا حورمت ، پوردا محبت ، سنوکی و بیر چوخ آیری دویغولاردان سؤزگندیر. نمک اولارکی بوکتاب تورک لرین شاهنامه سی دیر اما او بیر شاهنامه لره تای دئییل . بیز شاهنامه میزده ، ناغیل لارین هامیسیندان انلییه بیله ریک اوزه ل پاشا بییشیمیزا گوزه ل ودرین معنالی آنلاملار دوشونک . اما بونلارین هامیسینی دوشونمکه گوره ، هر بیر تورکه گره کدیر که ده ده قورقود کیتا بیینی اوخویوب واونون معنا لارین دوشونه . ده ده قورقود داستانلاریندا ، اگر بیردویوش واردی ، بودویوشون قایناغی دین و دین ده ن آلمیش اینا ملار دیر. ده ده قورقودون داستا نلاریندا گوروشور که بیر کیشی ایله بیر قادین دیر.

بیر روایت اساسیندا دئییلیب ((قاراخان )) تورک لرین حاکیمی ، ده ده قور قود ایله سلمان فارسینی ایسلام پیغمبر ایله کورو شمه یه بوللایر. سلمان پیغمبرین یانیندا قالیر اما ده ده قور قود ایسلام پیغمبرین گوروشوندن قاییدار کن ایسلام دینینی اوغوز طایفالارینا اویره دیر. ده ده قور قود اوز زمانی نین اونملی بیر شخصیتی ایمیش. خواجه رشیدالدین فضل ا... اوزون عومور ده ده قورقودا ذکراندیر و بو ایلام واردیرکی ۲۹۵ ایل عمر ائیله دی گورو نورکی ده ده قور قود او غوز طایفالارینین هامیسینا آغ ساققال لبق اندیر وهر یئرده ایش چتینه دوشه نده ، ده ده قورقودان امداد دیله ییرلر. ده ده قورقود اوزوندن ایکیت لیک گوسترن اوغلانلارا آد قویور وهر داستانین سونوندا ظاهر اولاراق ائین شن لیبنه قوشولور.

**ده ده قورقود کلمه سی چنشدلی تلفظ لره کلب:**

ده ده قورخوت: ده ده قور قود ایسلامی تور کله اویره

**ده ده قورقود داستانلاری**

دیلنک اوزمولى

دیزه اوتوروب ، فیکیر لشیب ومشکل لری آزادان آپاریرلار. بوکیتابدا گورونور آ ناملارین ده یری اونلارین اینسانیت لرینه قده ر دیر. داستانلارین هامیسیندا اوغوز طایفا لاریندان ، بو طایفالارین باشچیسى خانلارخان ، بو طایفالارین ائججه بیلی ده ده قورقودان سؤزگندیر. اما ایندی گوره ک:

**((ده ده قورقود تاریخده)) نئجه کلب؟**

ایمیزده اولان ده ده قورقود کیتابی نین ان اسکی نسخه لری آلمان وایتالیا دا سا خلا نیلیر. بو داستانلارین « دئرسدن » و « واتیکان » نسخه لرینین سون یازیلما سیندان آرتیق پنش یوزایل کتچیر ایسه داستانلار اوتاریخدن قاباقلار حتی اسلامدان چوخ قاباق لارا عاید اولان ایناملار واردیر.

تاریخچی رشیدالدین ده ده قورقودون ۷- ینجی میلادی عصرده محمد پیغمبرین دورونده یاشادیفینی دئییر. ۱۶۲۸- ینجی میلادی عصرین اورتالاریندا ایکی سیاح اوز سیاحتنامه لرینده (( ده میر قاهی درینده )) ده ده قورقودون قبری اولدو غونو . شیر وائی لارین بو قبره بویوک احترام بسنه دیک لرینی حتی اعتقاد اشدیک لرینی یازیبیلار.

ده ده قورقود ادلی دئییلیب بیر کیشی وارایدی او کیشی اوغوزون ائججه بینی ایدی . هر نه دئسیدی اولاری غیبین چنشدلی خیرلر وئره دی . حق تعالا اونون اوره بیته الهام انده ردی .

آردی گل سانیمیزدا

سودامه ر باخیشلار  
کمه سر دوداقلار  
هر کون چاچا چکلیر  
وقیلدغی امدلار  
بیر قورقودوم چین لرینده  
اوجاقا کیمیر

قارا سوموکلر  
ساققال او بونوندا  
کیمیر یلیر

او چو قلابایان کوز لرینده  
کوز لریم تازی سر آخیر

اوجالار دین  
من در سلیک بو غولورام  
ایسرمی ایکی ایلیک یول  
من دور دیش یولودان کچیک  
بر نیمسز نوش  
بوسلو غودان دولوناخیشلار  
تازی دو غورام امجه میدن



# اورخون یازیلاری

علی براننده (تورک)

کئچمیشین یازیلارینی تانتیندا ازاجیقدا اولموش اولسا یارارلی و دیرلی اولسون. (الف) اورخون یازیلاری نرده و نجور کشف اولوندو: گونشی سیری یادا یشنی سنی ایرماغینین بوخاری مجراسینین یا خینلیغیندا ایکا

تورکلرین ان دیرلی کئچمیشلرینه عاید یازیلارکی تاریخ بازارلارینا و تورکلوق لاراگوره ان زنگینی و گۆزکملی یازیت و تورکلرین شاه اثری و ان اسکی ادبی و تاریخی یازیلاری ساییلیر (بئیشنی) و (اورخون) یازیلاردی.

بوکیسا یازیمیزدا چالیشاجاغیق بو یازیلارینی نجور تاپیلدیقلارینی و هانسی تاریخله عاید اولدوقلارینی و الفباسینی نردن و نجور یارادتدیغینی و ان سونوندا اورخون اییده لرینی اصلی دلیلرینده و چووروسی اچیقلامیش اولاق. بوگونه قدر چوخلو اولکلرده اوزللیکله اوروپایی معالیکده بوغون ارشدیرمالار و جنشیتلی قورولوشلار بو یازیلارا گوره قورولوب و هله بو شاه اثرلر اوزرینده ارشدیرمالار سورمکدیر. اما نه یازیق کی بیزیم اولکمیزده تکجه بو یازیلارینی ادینی انشیدیب هیچ بیر ده برلی و بیعجام شکیلده ارشدیرما اپاریلمامیشدی. اگر چه بو یازیلارا گوره بو یوک اوستادلاریمیز دوکتورهیشت و پروفوسور زهتابی کیمی بیلیم اداملاری یازیلاری واردی اما تورک توبلومونون گنج و جوان عالیملری بو شاه اثرلردن چوخ از بیلگی وارلاردی. بو یازیلار اوقدر اونملی و دیرلیدیلرکی اونلاری تورکلرین و تورک میلتینین ان قدیم و اسکی سۆزلوک و سۆز

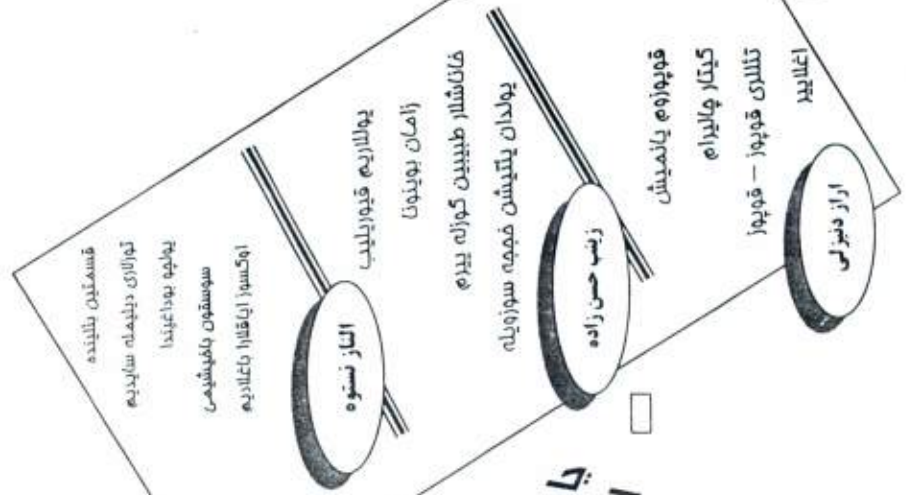


۱۳۷۵ - نجی ایله اهرله منشیگن اراسینداکی ارضین بیر متر یتر الینده تایمیش منجه ده داش لوزجهرلرین اکیسیدن شکل بوردان قیریل شیشه تاپیمیشدیر. یازیلار چوخ احتمال اورخون ایماسین حصوسینی حصبور. اونجولوک دیگر بو یوک عالیملر طرفیندن دفته الیب و بیر اونجی سایللا، بونودا دنعلیم کی بو یازینی یازما سببی بو یوک عالیم و اورخون خطینی چۆزنی (ویل تامسون) ون (اورخون ویشنی سنی یازیلارینی چۆزمی) کتابینا بورجلویام اوماریم بو یازی اورخون و تورک



سوسدوم ایاغدا  
اغری بومو یو دونیادا  
اور کولکه مله باشلاندیم  
هر کسه اجدیم  
اغلادیم  
ساریلدیم  
قورخدولار کولکه مدن  
کولکه می کولکه لردن سیلدیلر  
آنچاق  
تک باشیما قوجالدیم  
اغری بومو بو دنیاا

بیر گون من اولماسام غریب سیرر سن  
او غمکی کولرین یاش توکرمی هنج؟  
بیر گون من اولماسام  
اورولرمی سن؟  
کولرین یول کسرمی هنج؟  
بیر گون من اولماسام  
اغلارمی سان؟  
قارا کولرین ایسلاق اولارمی؟  
بیر گون من اولماسام...  
بیر گون من اولماسام...  
سن بیلرم  
بیر گون سن اولماسان اولرم...



قاندا الله دین  
بارالی اللیمی  
اوچماق ادینا  
دامونو دا الیمدن الیرام  
اوتوروب نه چیخاجاق  
اوغروما نه چیخاجاق  
سنومک...  
دوزمک...  
کنتمک...  
سلیمان  
حنری

سوسقان باغیشیمی  
ایقلا ااغلادیم  
تورکلرین یازیت  
اورخون یازیلاری

داسی توسباغا لارینی کورکلرینده  
 قازیلیمیشی چوخلارینی اورتا سیندا  
 دیکیلیمیشلردی بویله بیر دیکیلی داشلار  
 اوپلسی بیر مارقا قونوسو اولدو کی بیر  
 ایل گورونوشوندن همه ن سونرا سینی  
 ۱۷۲۲-ینجی ایلینده دونیایا و اوروپایا  
 تانیتمیندا اونلاری حیرته و سارسیتیا  
 اورادی.  
 بویوک چابالار و چالیشمالار اگر چه بیر  
 سونوجا وارموردی اما بو یازیلار اوپلسینه  
 مارقا قونوسو اوپاندیرمیشدی کی بویوک  
 توپلانتیلار و بویوک عالمترین و  
 دیلچیلرین ان زبروده اولان بحث  
 لریندن و کونولاریندان اولوب بویوک  
 چابالارا رانه ن بیر سونوجا وارمیردی .  
 نهایت ۱۵۰ ایل چالیشمادان سونرا بیر  
 دانمارکلی اکادمیسنی طرفیندن کی  
 اوزوده ایرمیدن ارتیق دیل بولوردی بو  
 یازیلارین سیمگلرینی و القباسینی  
 چوزوب ، سونوندا اوزون ایللر قارانیق  
 دا قالان یازیلی داسی کیتا بلرین  
 دیلرینی چوزوب تورک خاقلارینا عاید  
 اولدوغونی ایدینلاشدیردی . بویوک عالم  
 ؛ ویل تا مسون ؛ یدی کی بوتون متینلری  
 اوخیوب هامیسنی چوزدوکن سونرا  
 اونلاری بیر ینرده توپلایارق سونوندا بیر  
 کتاب حالیندا  
 ؛چوزولموشی اورخون و ینی سنی ؛  
 کیتابلری ؛ ادلی بیر کتاب حالینده چاپدان  
 بوراخیب بویوک حیزمتیله تورکلرین  
 اوزون ایللر قارنلیقدا قالان و هیچ بیر  
 ینرده یازیلمایان ان دوغری و ایدین  
 شکیلده تورک و باشقا علم دونیاسینا  
 سوندی.  
 بویوک عالم و تورکلوق ؛ بارتولد ؛ اور  
 تا اسیا تورکلرین تاریخ ؛ کتایندا اشاره

انتدییی کیمی اگر چه بوتون اورخون  
 یازیلاری تامسون طرفیندن چوزولوب اما  
 گرکمز کی بوتون بو یازیلاری سوزلری و  
 عبارتلرینی دوزگون حالدا اوخونموشی  
 اولسون یعنی ترجمه ده و چوزومده  
 بعضی یانلیشلیقلار و اشتباهلار دا گوزه  
 چارپیر اما دنمه لیک اورخون یازیتلاری  
 اوقدر دیرلی و اونملی سایلیر کی بیر نئچه  
 یانلیشلیق و اشتباه گوزه گلمز و گرکمز  
 کی بو یانلیشلیقلارا دایاناراق اوز اونملرین  
 و دیرلرینی الدن و ثریب ، بونی بو  
 گونکی دیلمیزین اوپغون اولدوغونا گوره  
 سایاق.  
 بوردا بوندا خاطرلاتمالیام کی بو  
 یازیتلارینی همه ن یانی باشلاریندا باشقا  
 بیر تاریخده و تورکلرین یاشایشلارینا  
 راجع ده ینرلی بیلگیلرده اله اتمک اولار  
 اونلاردان بیرسی بو داشلارین دیکیلیشی  
 شکلیدی کی بیر بویوک و اچیق الندا و  
 یوزلری گوشی چیخیدگی طرفینده .  
 دیکیلی داشلارین یانلاریندا بیر نئچه  
 انسانین دوغال بویوندا یاپیلیمیشی هنیکل  
 واردی کی بیر قوریوجی کیمی داشلارین  
 یانلاریندا دوروبلار سانکی سایی  
 دوروشوندا دوروموشی بیر داشلار هم  
 کیشی و هم ارواد واردی کی اگر چه  
 ایندی بو داشلار سینیق حالدا دیلار اما  
 اوقدر اینجه لیکله دوزلمیشملرکی حتی  
 انله مک اولار او چاغین گنیم شکیلده  
 گورک.  
 کیشی پالتارینی یاخاسی ساغدان سولا  
 باغلانمیشی و بیر قلینجدا ساغ طرفینده  
 اسپلی شکلیده واردی . بو پالتار اوزون و  
 دون حالینده دی . باشی قیسمندادا بیر  
 بویوک بورکلن بزه کلنپ کی بورکون

اوستونده بیر قوشی شکلی کی قناده  
 لارینی اچیب گورونمکده دی .  
 یونلاردان ان گورکملی حال داشلارینی ،  
 بویوک و قوجامان داشدان یاپیلیمیشی  
 توسی باغالار اوستونده اولما قلاردی .  
 تورک تاریخینده بولوندوکی کیمی  
 توسباغالار ان اوزون عومرلی یاراتیکلار  
 سانلیبلار و تورکلرین اینانچیندا دونیا  
 توسباغالارینی سیرتیندا داسینماکدای .  
 بو توسباغالارینی سیرتیلارینی . اورتلاری  
 بوشی اولوب و بوتون عاید داشلار  
 اونلارین بوشی ینرلرینده دیکیلیمیشدیلر  
 دیگر گورکملی داشلاردان کی اورخون  
 کیتا بلرینین یانیندا واردی دوردکن  
 شکلینده اولان بویوک داشلاردی کی  
 گننه اورتلاری گیرده و چوخور حالده  
 قازیلیب و بیر سولاق الاراق ایشلمدیمیش  
 ، بوگونکی بیلیم اداملارینی فیکرینه گوره  
 بودوردکی داشلار اوزمانینی شامان  
 رسملرینده ایشلترمیش . یعنی  
 قوربانلیقلار بو دوردکی داشلارینین  
 اوستونده کسلیب و قنلاری اورتادا اولان  
 چوخورا دولاردی .  
 بوگونه دک اگر چه بو یازیلی داشلار  
 اوزرینده چوخلی اراشدیرمالار یاپیلیب اما  
 سون ایللرده تازه و ینی بولونان چوخلی  
 اوخوماغی و اراشدیرمانی گوزلین داشلاردا  
 تاپیلیدی کی اراشدیرما بیلی بوردولار  
 طرفیندن اچیکلیق گنیرمک ایستیلر .  
 دشملیک کی بو تاپیلان اورخون  
 یازیتلاری نکجه توپلی حالدا بولونان  
 ایلک تورک یازیتلاری اولدوکلارینا گوره  
 بو قدر اراشدیرما اوزدیلرینده یاپیلیب . اما  
 بو یازیلاردان چوخ اسکی تاریخه اییت  
 یازیلار . اوزلیکله قوبستان و اذربایجان  
 توپراقلاریندا بولونوبدی کی اونلاردان  
 آردي ۱۰ صحیفه ده

# حاشیایا

چیلغین اللر  
 سس سیز - سس سیز سوزلر  
 اینام لار آغاجین بارلاندریر  
 ♥  
 گوزلرینده  
 دوغما بایراقلارین ترنمه سی  
 اودلو دوپغالارلا  
 اوگتی باخیشلاری  
 یاندیریب یاخیر  
 ♥  
 یاشاییشی  
 بارماقلار گوزونده دویماق  
 کونوللری شودالاندیریر  
 ♥  
 اوزلم داغین  
 ماهنی لارین  
 گنجه لر  
 باخیشلار لای - لای یندا اثشیتمک  
 ان بویوک انسانلاری  
 تانریبا چاتدیریر

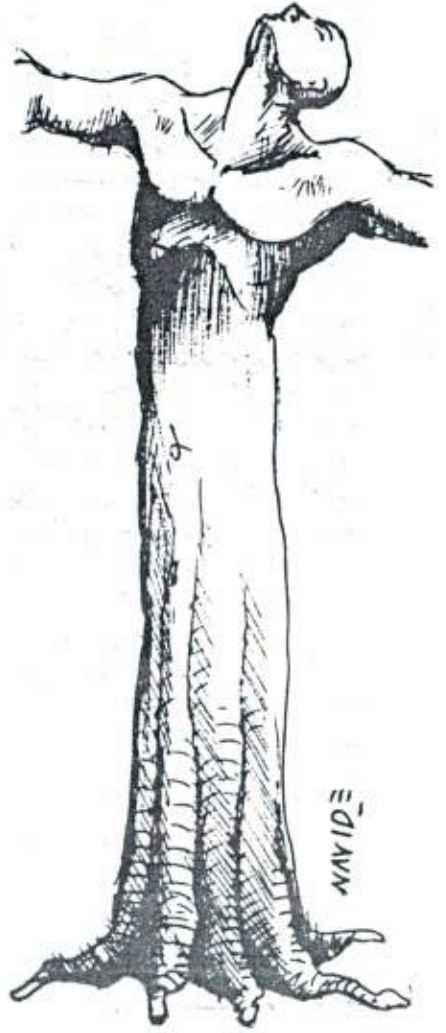
انشیتتمز و گورمز اوشاقلارا  
 فاطمه باقری لاله

سندن قالان  
 یانتیز  
 آریقا ایریلیویغ  
 اونودا یاغمو لار آراجاقا سندن ...  
 مینه دینمه دنمه  
 کیلتیجا چاتیندا  
 دیلیا اوچومدا دوندور دوغون شیکاییه لر  
 کوزلریمدن بوغالییاچاقا ...

### رشوه یثین قاضی

دوره وفای

گونلرده بیر گون ایکی کیشین  
بیر بیلده سوزلری چیخار، دنمگ ایش  
بیر آنله چینه جاتارکی قاضی به  
گنمگه لاعلاج فالارار.  
محکمه به گنمه دن قاباق بونلارین  
بیری قاضی نین رشوه خور اولماغین  
بیلدیگنه گوره، بیر بویوک - اتلی -  
جانلی غاز بالئارینن آلتینا آلب  
ویولادوشور. او بیریسی ده الینه  
شهرلرین قاضی سین یاخشی تاثیردی  
وایشین قسیم تونوب بیر نچه اشرفی  
دیلینن آلتیندا گزلدیروور بیلکده  
محکمه به ساری یولا دوشورلر.  
محکمه ده بیرنجی کیشی  
باشلاییر سوزلرین ساییر و دندیک جه  
غازین باشین کوبنگینن آلتیندان  
چیخاردیب و قاضی به گوستریر.  
قاضی نین هوشو باشیندان چیخیب  
واو بیری کیشی دئییر: ای انصاف سیز  
!نچه قیب سان بو ساق یاخشی  
کیشی نین خاقیندا پیس لیگ آتله ییب  
واونو اذیته سالسان؟!  
بو بیریسی دئییر: جناب قاضی این  
یاخشی آدمسان و دوز دانیشان ایله  
بالان دانیشانی دیلیندن تاییارسان...  
الله باخ



### اورخون یازیلاری

- گلجک بولوملرده سوز اچیلجاق .
- (ویل تاپسونون ، اورخون و یثی سنی
- کتابینی چوزومی کتابینن اوست جیلدی
- .)
- ( اورخون یازیتلاری هانسی تاریخه
- عایدیلر
- تورک اولوسن اسکی و کتچمیشلرینه عاید
- بوگونه دک الله اولمایان و الیمزه گلب
- چاتمایان و یا هنوز تاپیلمایان بیر یازی
- اولماغینا گوره ، تورک و علیم دونیاسی
- اورخون و یثی سنی یازیتلارینی
- تورکلرین ان اسکی و ایلک یازیتلاری
- قبول اندیلمیشلر .
- بو ادلاندرما ایلک تورک یازیبینی
- تاپیلدیقی یثین ادینی و ثریلمگینه
- گوریمیش کی ایلک یازیتلاری اورخون
- نهرینی کناریندا بولونوب اما
- خاطیرلاتمالیق کی اورخون نهرینی
- کناریندا تاپیلان یازیلار ان سون اورخون
- یازیلاردی کی ۷ ننجی ( ۶۸۰-۶۳۰ م )
- ایللرینه
- عایدیلر.

### آذربایجانلی ها جامعه مدنی را در مشروطیت تجربه کردند

# آذربایجان و جامعه مدنی

انقلاب مشروطیت، نخست با قیام مردم تهران بر علیه سیتم قرون و سطنی و بی عدالتی های رژیم قاجار آغاز شد و منجر به صدور فرمان مشروطیت، گشایش مجلس شورای ملی و ... گردید، ولی این مردم آذربایجان بودند که نهضت را به غایت منطقی آن رسانیده و ارزش تاریخی بزرگی را که داراست برایش کسب کردند.

شاید برای برخی ها هم اکنون نیز این سؤال مطرح گردد که چگونه در این محمدهای شاه در عرض یک روز [دوم تیرماه ۱۲۸۷] با کودتای ضد انقلابی خود، مجلس شورای ملی را در تهران برافکنند و همزمان با سرکوب انجمن های ملی و جراید آزاد در تمام شهرها مشروطیت را در سراسر کشور نقطه پایان گذاشت، به غیر از تبریز که نه تنها مرعوب و مغلوب دربار قاجار نگرددید، بلکه با مقاومت مردانه اش، نه تنها خود محمد علی شاه را از تخت سلطنت به زیر کشید، بلکه مشروطیت را مجدداً به سراسر ایران بازگردانید.

این موفقیت انقلابی با خیزش قهرآمیز مردم این سرزمین که قیامش در طول تاریخ همیشه سرنوشت ساز و دشمن برانداز بوده است و رهبریت مرکز غیبی تبریز به دست آمد.

تبریز این قلب طپنده سرزمین آتش ها در تاریخ شورمان، تنها یک شهر نیست، بلکه یک گنجینه پسر از حماسه هاست. به هر دوره ای از تاریخ ایران به ویژه سده اخیر بنگریم تبریز را در صفت اول مبارزه ملت ایران مشاهده می کنیم. مشروطیت نیز از آن برهه های تاریخی است که این گهواره سنن انقلابی، حماسه ها آفریده است.

شادروان سید جمال الدین واغظ اصفهانی (پدر نویسنده فقید سید محمد علی جمال زاده) خطیب نامدار دوره مشروطیت که قبل از درگیری نهضت، به تبریز سفر کرده بود، این روحیه قوی و ایمان مستحکم را در مردم این دیار دیده بود که در یکی از سخنرانی هایش از اهالی آذربایجان چنین یاد می کند:

«...چه کنم که در سی کور جمعیت ایران، شاید ۵۰ هزار نفر هستند که فهمیده اند ... غیر از اهل آذربایجان که تمام فهمیده اند و ما اگر امیدواری داشته باشیم، بعد از نظر امام عصر، باید به آنها امید داشته باشیم.»

از میان همین مردم سلحشور، تشکیلاتی به نام مرکز غیبی سربرآورد که به زودی رهبری انقلاب را در آذربایجان به دست های پرتوان خود گرفت.

در انقلاب مشروطیت ایران، جمعیت ها، انجمن ها و سازمان های سری و علنی زیادی در سراسر کشور ایجاد شدند و هر کدام از آنها به فراخور حال، داعیه مبارزه جویی و آزادی خواهی را داشتند. مرکز غیبی نیز یک کانون نهانی بود که بنابر نیازهای اجتماع روزگار خود به دست چند تن از مردان انقلابی و دور اندیش تبریز به زعامت زنده یاد کربلانی علی میو بنیان گذاشته شد و چون از یک تشکیلات با انضباط و آرمان متربی و رهبریهوشیار و سازش ناپذیر برخوردار بود به زودی توانست، پشتیبانی مردم به پاخاسته آذربایجان را جلب کرده و در تمام مراحل حساس و دشوار، انقلاب را در این خطه رهبری کند. کسروی می نویسد:

«در تاریخ مشروطه، برخی داستان های ارجدار می هست و کسانی

شایدگی و کاردانی نیکی از خودشان نشان داده اند. یکی از آنها داستان همدستی دو سید و پدید آوردن جنبش تهران است که ما نوشتیم و از هر باره در خور ستایش است. دیگری همدستی این سه تن (علی میو، حاج علی دواچی، حاج رسول صدقیانی) و همراهان ایشان است که جنبش تبریز را با هوش و کاردانی بسیار پیش بردند و دست مجاهدان را پدید آوردند. کارهای ایشان نیز همه ارجدار و در خور ستایش می باشد.»

این تشکیلات، از یک طرف، حوادث آینده از جمله کودتای محمدعلی شاه را پیش بینی کرده و به ایجاد گارد مسلح برای نگهداری آزادی و مبارزه با دژخیم استبداد دست زد و با تربیت هزاران مجاهد برای روز مبادا ارتش آزادی بخش ذخیره نمود. این گام مؤثر و کارساز رهبران تبریز

سبب شد افرادی که تا دیروز اسلحه نمی شناختند و تنها چیزی که به نکرش نبودند زندگی اجتماعی و سرنوشت کشور بود، در این کلاس های سیاسی - نظامی با آموزش های انقلابی، مبدل به مردان مبارز و مجاهدان جاتنازی شوند. از بین همین افراد زحمتکش بود که شخصیت های انقلابی و قهرمانان نامداری بر روی صحنه مبارزات مردم ایران ظاهر شدند. به قول رحیم نامور: مردانی که در تمام مدت عمر خود بسا بسیل و خاک انداز و چکش و شاهین ترازو سروکار داشتند در مدت کوتاهی فن استعمال تفنگ را آموختند. آن ها که در همه عمر فرمان برده به تحمل ذلت خو گرفته بودند تحت تأثیر روحیه



زیردستی قرون های گذشته را از دامن تکان داده راه سازماندهی را یاد گرفتند. آن‌ها که هیچ تجربه‌ای از جنگ نداشتند. مبدل به سلحشوران نامداری شدند، آن‌ها که برای رهائی از چنگال ستم و استبداد حکام به قله کوهها پناه می‌بردند به رهبران قیام مبدل گردیدند.

ستارخان قهرمان انقلاب مسلح، باقرخان دوست نزدیک و همکار او، حسین خان باغبان که نامش تالی ستارخان و باقرخان بود و در عتفوان جوانی جان بر سر آرمان انقلابی خود گذاشت، میرهاشم خان که از پشت ترازوی نانوائی به میدان نبرد انقلابی قدم گذاشت، دهها و صدها نفر دیگر همه از بین خلق برخاسته از کوره آزمایش گذشتند و در رأس انقلاب قرار گرفتند. (۳)

«بدین ترتیب درحالی که ضد انقلاب با دست زدن به اقداماتی نظیر بمباران مجلس در دوم تیرماه ۱۲۸۷ سعی در سرکوب جنبش انقلابی در تهران و ولایات دیگر داشت، در تبریز هزاران انقلابی، مسلح شده و خود را برای رویارویی با هر تهدیدی آماده می‌کردند. نزدیک به ۱۷ هزار مجاهد در تبریز تحت ریاست علی میو در اوایل سال ۱۳۲۶ هـ ق اسم‌نویسی کرده بودند.» (۴)

از سوی دیگر با نظارت مرکز غیبی تبریز، شوراهای مردمی و دیگر نهادها و ارگان‌های انقلابی تشکیل گردیده و جامعه‌های مبتنی بر حاکمیت قانون و دموکراسی شکل گرفت. در واقع آنچه که امروز می‌خواهند به عنوان جامعه مدنی در ایران تجربه کنند، در حدود یک قرن پیش، مردم غیور آذربایجان با پایداری و هوشمندی، نمونه‌ای از آن را در این خطه آزمودند و نتایج درخشانی نیز به دست آوردند.

نکته شایان دقت این است که پایداری مردم آذربایجان در برابر استبداد و استعمار و حفظ مشروطه از سقوط حتمی، بیش از آن که موجود مقاومت مردانه ارتش رهائی بخش مردم این دیار باشد، مدیون ایجاد نمونه‌ای از جامعه مدنی را در این خطه بود.

پس از تشکیل انجمن ایالتی آذربایجان در تبریز و انجمن‌های ولایتی

به عنوان پیشتر اول ایجاد جامعه مدنی در ایران نیز شناخته شد.

علاوه بر انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن‌هایی نیز در محلات مختلف تبریز تشکیل گردید از جمله انجمن‌های اتحاد، قدرت، مشورت، مساوات و حقیقت.

رخدادهای بعدی نشان داد که برپائی انجمن در محلات تبریز، اقدام دوران‌پیشانه‌ای بوده، چرا که علاوه بر رتق و فتق امور و حل مشکلات آن کسری‌ها، ساکنان آن محلات را علیه خودکامگی بسیج می‌کردند. پس از کودتای محمدعلی‌شاه و هجوم رحیم‌خان چلبیانلو به تبریز که انجمن ایالتی آذربایجان نیز تعیل گردید، آزادخواهان، انجمن حقیقت را که در محله امیرخیز فعالیت داشت، جان‌نشین انجمن ایالتی کرده و آن را به ستاد مبارزه بر علیه استبداد تبدیل کردند. طاهرزاده بهزاد می‌نویسد:

«ستارخان در همان روزها سردانگی نشان داده و تسلیم نشده، همه دیر یازود، خودشان را به انجمن حقیقت رسانده و آنجا را کانون آزادی قرار دادند و همان کسانی که مدت طولانی با کمال عزم و احتیاط با تدبیر و رشادت، انقلاب را اداره کرده و یک اردوی فدائیان و مجاهدین به وجود آورده بودند با همان روح، اینجا را هم اداره کردند.

پاخیتانوف سرکنسول روسیه تزاری در تبریز که نقش خود را در مورد محلات دیگر تبریز خوب بازی کرده و آن‌ها را با خنده و تیرنگ وادار به تسلیم کرده بود، به این فکر افتاد که این بازی را در مورد اهالی محله امیرخیز نیز از سر گیرد، ولی متوجه شد که با وجود ستارخان نمی‌تواند، ناچار شد که با خود سردار ملی وارد گفت و گو شود. وی به مرکز عملیات ستارخان یعنی انجمن حقیقت آمد و ضمن وعده دادن سر تروهرانی آذربایجان به گرد آزادی ایران اظهار داشت: بفرقی دیگر هم به شخص شما می‌دهم که به در خانه خود نصب کنید. ستارخان پاسخ داد: «جناب تونسل من می‌خواهم هفت دولت زیر سایه بیرق امیرالمومنین باشند شما می‌خواهید من زیر بیرق روس بروم؟ هرگز

در دیگر شهرهای آذربایجان مردم این سرزمین، با مشارکت فعالانه در سرنوشت خویش، از هیچ‌گونه فداکاری و ایثار دریغ نمی‌کردند، چرا که آن‌ها می‌دیدند به جای حکومت فردی، حاکمیت قانون مستقر گردیده همه چیز در مجرای قانونمندی پیش می‌رود، حتی مسائل مربوط به جنگ‌های یازده ماهه با نیروهای استبداد، زیر نظر کمیسیون جنگ به ریاست سردار و سالار که مجری مصوبات انجمن ایالتی آذربایجان بود اداره می‌شد. در این شرایط توده‌های مردم که عملاً در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود شرکت داشتند احساس شخصیت کرده و در نتیجه به آینده امیدوار و به سرز و بومشان علاقه مضاعفی پیدا کرده بودند و در نتیجه شب و روز در برابر استبداد پایداری نموده و در مقابل تمام فشارها مقاومت کرده و خم به ابرو نمی‌آوردند.

بدین ترتیب با ایجاد شرایط مساعد در پشت جبهه که اهمیت از خود جبهه کمتر نیست، مجاهدان جان بر کف از سوی شهروندان جامعه مدنی هرگونه پشتیبانی مادی و معنوی می‌شدند و روز به روز آوازه سلحشوریشان در جهان می‌پیچید و استبداد و استعمار را هر چه بیشتر از تسخیر تبریز و برافکندن آزادی مأیوس می‌کردند.

در نتیجه این مشارکت مردمی در سرنوشت خود، انجمن ایالتی آذربایجان نه تنها نام خود را به عنوان منجی مشروطیت ایران در تاریخ به ثبت رساند، بلکه با دست زدن به کارهای ارزشمندی



رضا موسی زاده

بوخاریدا گتیردیگیمیز:

آلتی بولاق ایچر لر - اوستو زمی بیچر لر \*

تاپماجاسیندا قویونون قیرخیلماسی ایله زمینین بیجیلمه سی، سودونون ساغیلماسی ایله بولاق تطبیق اندیلمیشدیر.

تاپماجالار انسانلاری دوشونمه یه وادار اتمیش، اونلارین بیلیگینی، تجربه سینن دوشونمک و تاپماق قابلیتینی بوخلاماق

واسطه سی اولموشدور. تصادفی دئییلدیرکی مجلس لرده،

یغینجاقلاردا تاپماجانی قوجالار دنهر، جوانلار ایسه

فیکیرلشدیرلر، هنج کس تاها بیلمه دیکده اونلار اولزلی آچار، ایضاح اندر و اویردردیلر .

تاپماجا، اوشاقلاردا تتر فیکیر لشمه، آختاریب تاپما، ایتی

حسابلاما قابلیتینی انکشاف ائتدیریر. تاپماجالار اوشاق

فولکورونون گوزل نمونه سی اولماق اعتباری ایله مهم اهمیته

مالک دیر. یونلار اوشاغین ذهنی نین و دوشونجه و دراکه

سینین انکشافینا بویوک کومک گوسته ریر.

تاپماجالاردا، تصوراتین ، ذکاوتین گنیشلیگی میدانا چیخمیش

اولور. تاپماجالارین اساس مقصدی بوندادیر.

طبیعتده و حیاتدا نه گورولورسه، تاپماجالاردا اونون اوزرینده

قورولور.

تاپماجالار خلقین ان قدیم دوره معمالی، مجازی دانشیقلاری

ایله علاقه دار یارادیلیمیشلار.

تاپماجا، اشیا، حادثه ،مفهوم حاققیندا یارانیر. همین اشیا و

حادثه نین بیر علامتی ، بیر کیفیتی دولایی ( بیچیده) بوللا

سویله نیلیر، باشقا جهت لری ایسه گیزلی ساخلانیلیر. مثلا:

\* دیلی بوخدور دیلله ندیریر - انسانن علم لندیریر (کتاب)

یا خود:

\* بوستاندا وار بیر آرواد - بالئار گئییب قات با قات \* (کلم)

تاپماجالاردا ناغیللار و آتالار سوزلری کیمی خلق طرفیندن یارادیلیر. تاپماجالار بیغجام و درین معنالی اولدوغو اوچون چوخ سنویلیر و تتر ازبرلشیر. خلقین یاراتدیغی بو نمونه لرده نه ایسه تاپیلماسی تطبیق اولونور.

تاپماجالار ذهنی قابلیتین انکشافینا کومک اندیر. تاپماجادا بیر شتیین معین نشانه لری سویله نیر، دینله بیجی بو نشانه لر

اساسیندا همین شتی تعییت اندیب نتیجه چیخارمالیدیر. مثلا:

آلتی بولاق، ایچر لر - اوستو زمی بیچر لر \*

بورادا قویون نظرده توتولموشدور.

تاپماجالاردا معیشتین هر ساحه سیندن دانشیلیر، افاده ساده و

آهنگدار اولور. بو تاپماجالار کیمی:

بیزیم ائوده بیر کیشی وار، آغزیندا ایکی دیشی

وار (ماشاشا)

هر بیر تاپماجادا تاپیلماسی طلب اولونان اشیا نین مختلف

علامت لری اوستو اورتولو شکیلده وئریلیر. همین علامت لر

آدامی فیکیرلشمه یه، اونون نه یه عابد اولدوغونو آختاریب،

تاپماغا مجبور اندیر. مثل:

\* یاتاندا یومرو یاتار، - اتینن دو مانا ساتار \*

کیم ایسته سه اونو توتا - تیکانلاری الینه باتار \*

سوزلرینده مختلف علامت لر دئییلیر، بوردا تاپیلماسی طلب

اولونان اشیا نین یومرولوغو، اتیندن درمان کیمی استفاده

اندیلدیگی، هم ده اونون تیکانلی اولدوغو دئییلیر، همین

علامت لرین کومگی ایله بو تاپماجانین جوابی ( کیرپی)

تاپیلیر.

تاپماجالارین بعضی لری ایکی مختلف اشیا نین تطبیق اندیلمه

سی اساسیندا یارانیر نظرده توتولان اشیا لار آراسیندا اوخشار

جهت لر معین لشدیریلیر.

بیر اشیا یه عابد اولان علامتین کومگی ایله باشقا بیر اشیا نین

تاپیلماسی نظرده توتولور. مثلا:

۱۴. دعوت مردم به قیام و شورش و تسویه حساب با نظام اسلامی  
 ۱۵. تشویش اذهان عمومی از طریق درج مقالات و تیرهای جنجالی و غیر واقعی ۱۶  
 . زدن اتهام قتل عام به مسئولین نظام و اتهام کشتن نویسندگان و نخبگان ۱۷ تعریف و تمجید از افراد یا جریاناتی که خواهان تجزیه ایران و براندازی نظام اسلامی هستند

• نوید آذربایجان شماره ۲۱۰

آیت... سید محسن موسوی تبریزی، عضو مجمع مدرسین حوزه علمیه قم و نماینده مردم آذربایجان غربی در مجلس خبرگان رهبری به دادگاه ویژه روحانیت تهران احضار شد. آیت... موسوی تبریزی در این باره گفت:

اگر مصاحبه من غیر از واقعیت و حقیقت اسلام بوده است و اگر بیان فقه اسلام جرم است نیازی به احضار نیست، من آماده زندان رفتن هستم و افزود: آنچه من در آن مصاحبه بیان کرده ام فقه اسلام است. گفته ام اگر در زمان حضرت امام (ره) ایشان اگر ضرورتی را احساس می کرد که از افراد غیر فقیه برای قضاوت استفاده کنند، این کار را می کردند. امروز حقیقت این است که افراد دلسوز زیادی وجود دارند که می توانند قضاوتهای خوبی انجام دهند و دستگاه قضایی می تواند از آنها استفاده کند.

بنده آماده رفتن به زندان هستم ولی در دادگاه ویژه روحانیت حاضر نخواهم شد.  
 مطالب و مقالات این عزیزان به دستمان رسید انشا... در شماره های اتی از مطالبشان استفاده خواهیم کرد: رقیه فرد مسجد لو - محمد دل آسا - فاطمه نعمتی - اسماعیل جوانی - شهرام یاقوتی آذر - داریوش عندلیبیان - رعنا... وردی نصب - آرزو الف.

پوزش

در شماره قبلی نشریه نام نویسنده مقاله دؤبوشن اوشاق آیدین درج گردیده بود. لذا از نویسنده مقاله مذکور « آقای آیدین سرداری نیا » پوزش می طلبیم

دوست عزیزمان آقای پیمان وقاری مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض می کنیم. از خداوند منان بر آن مرحومه رحمت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.  
 - خزر  
 - دانشجویان گروه فیزیک

چنین کاری نخواهد شد» (۲)  
 تا روزی که ستارخان سردار ملی بیرق های سفید را سرنگون کرده و انجمن ایالتی آذربایجان را در ۲۶ تیرماه ۱۲۸۷ گشود، انجمن حقیقت، مرکز حل و فصل امور انقلاب و در نتیجه مورد تهاجم مستبدان بود.

با تصویب قانون انجمن های بلدی در انجمن ایالتی آذربایجان، برای اولین بار در تمام شهرهای آذربایجان با انتخابات دموکراتیک، انجمن های شهر تشکیل و از میان شهروندان همان شهرها شهردار را انتخاب می کنند. انجمن شهر

تبریز با ۳۰ نفر عضو و بلدیة تبریز به ریاست قاسم خان والی به عنوان نخستین انجمن شهر و اولین

شهرداری ایران، کار خود را در سال ۱۳۲۵ هـ ق آغاز می کنند و به کارهای

ارزنده ای دست می زنند که زین صفحات تاریخ است.  
 نظمیة تبریز به عنوان نخستین پلیس سردمی قد علم می کند و در استقرار امنیت، سرکوب ضد انقلاب و تربیت مجاهد، کارنامه درخشانی از خود نشان می دهد.

عدلیه آذربایجان به ریاست روحانی شهید میرزا ابوالقاسم ضیاءالعماء در نهادینه کردن قانون در جامعه مجاهدت ها می کند و این روحانی جوان و دانشمند برای اولین بار، دادگاه استیناف را در تبریز تأسیس می کند.

جالب توجه است که ادارات تازه تشکیل شده بلدیة و نظمیة مثل انجمن ایالتی آذربایجان و سایر انجمن ها در کنار سایر فعالیت های انقلابی، فریک نشریه ای نیز منتشر می کردند.

دیگر نهادها و ارگان های جوشیده از

بطن جامعه نیز با همیاری مردم هوشمند این سرزمین در ایجاد جامعه مدنی تلاش می کنند و با مقاومت سازمان مجاهدین نه تنها پوزده دیکتاتور قاجار را به خاک مذلت می مالند و مشروطه را از سقوط حتمی نجات می دهند، بلکه الگویی برای دیگر ملل ستمدیده نیز می گردند.

۱. مستوره اتحادیه - پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت - ص ۱۲۶
۲. کسروی - تاریخ مشروطه ایران - ص ۱۷۶
۳. رحیم نامور - برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت - ص ۱۸۰
۴. ابراهیموف - تاریخ پیدایش احزاب سیاسی در ایران - ص ۶۹ و ۶۸
۵. طاهرزاده بهزاد - قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران - ص ۲۲۲
۶. حاج اسماعیل امیرخیزی - قیام آذربایجان و ستارخان - ص ۱۲۸

کیتاب تانیتیمی:

تورکجه اینسان آدلاری  
 تألیف: فرهاد جوادی (عبدالله اوغلو)  
 نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۰  
 ... و فرهاد جوادی، بو اثرده، تورک کؤکلو آدلاردان بحث ائده ره ک، هانسی تورک لره منسوب اولان آدلاری دا معین لشدیریر.  
 آدی دا، سانی دا، عمل او جالدیر، آد سنی قالدیرماز، سن آدی قالدیر، آتان فرحلتسین عملریندن وطن چایلاریندان گوج السین سسین سن ائله یاشاکی، انامیز وطن، سنه اوز آدینی حلال ائله سین.

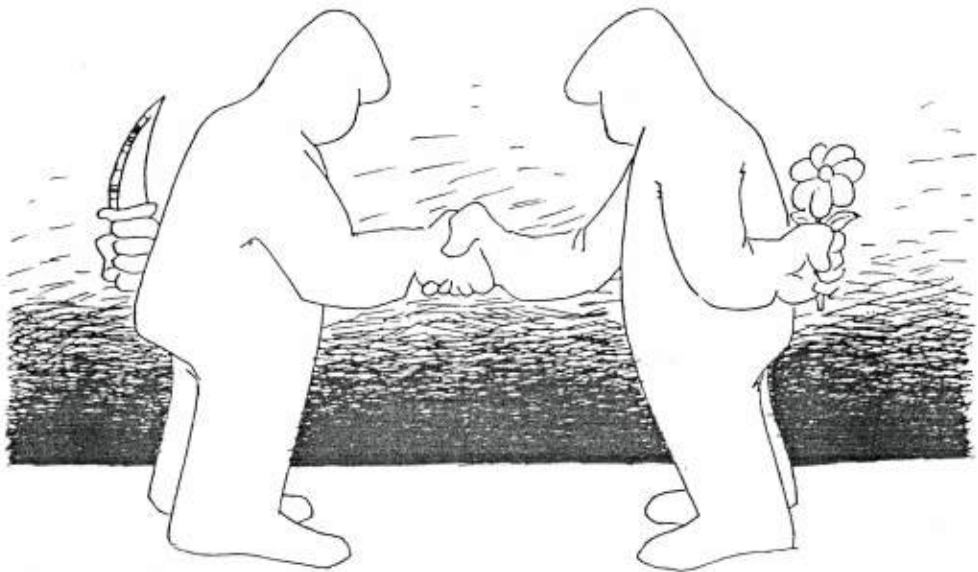
ای اولمز آذربایجان! مصیبت لره،

فداکارلیغا ایندییه ده ک داغ کیمی دایانیبسان

. باش اوجا توت! همه شه لیک یاشا، کی

سن ایرانین آیینماز سنگریسن.





گورد آورندگان پیمان وقاری و حمید رضا ممقانی

## دگر پذیری شالوده گفتگو و تکرر گرای است

دگرناپذیری این همبستگی تزلزل ناپذیر فکر و عمل ضرورت اساسی دارد. مفهوم جهانی شدن را نباید مورد بازنگری قرار داد و چهره‌ای انسانی‌تر و عادلانه‌تر، همراه با ارزش‌هایی متفاوت با معیارهای بازار اقتصادی به آن بخشید. کنفرانس عمومی یونسکو اخیراً در سی و یکمین نشست خود، نخستین اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی را به اتفاق آرا به تصویب رسانید. به رسمیت شناختن تنوع خلاقیت ما از سوی همه، گامی است اساسی که پایبندی ما را به اصول و ارزش‌های اخلاقی مشترک به اثبات می‌رساند. این موضع فعال «دگرپذیری» نام دارد دگرپذیری در حقیقت شالوده گفت و گو و تکررگرایی است، چرا که بر مبنای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و پذیرش دیگران به عنوان انسان‌هایی متفاوت و در عین حال شایسته با ما، قرار دارد. امروزه بیش از همیشه باید به این اصل عمل کرد. خاصه از طریق آموزش، این امرنقشها یکی از شرایط سال گفتگوی تمدن‌هاست، که آن را در سال ۲۰۰۱ جشن می‌گیریم بلکه همچنین از ضروریات «کاربرد» بزرگ اقدام اجلاس جهانی علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانگی‌ستیزی و دگرناپذیری مربوط است که امسال در دوران برگزار شد، و در مبارزه با نژادپرستی، دگرناپذیری یک نقطه عطف به شمار می‌آید.

«اعلامیه اصول دگرپذیری به سال ۱۹۹۵ توسط یونسکو به تصویب رسید تا برای مقابله با گسترش

گونیچیر و ماشونورا مدیر کل یونسکو در پیامی به مناسبت روز بین‌المللی دگرپذیری در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد. برای مبارزه با بی‌عدالتی و خطر نوعی خاص از جهانی شدن برای از میان بردن کامل تاجرگرایی و دگرناپذیری همبستگی تزلزل ناپذیر فکر و عمل ضرورت اساسی دارد. متن کامل پیام مدیر کل یونسکو به این شرح است: امسال از نظر افزایش خشونت، جهان از آستانه هولناکی گذر کرده است. بلوای تروریستی ۱۱ سپتامبر، جدا از تهاجم کشور مربوطه حمله‌ای است به حرمت انسان و مقاصد اساسی یونسکو و نظام سازمان ملل، این خشونت کور و فجیع درست «در سال گفتگوی-تمدن‌های سازمان ملل و به دنبال «سال بین‌المللی فرهنگ صلح اتفاق افتاد. آیا باید نتیجه گرفت که اقدامات یونسکو در جهت ترویج آرمان دگرپذیری و عدم خشونت، همبستگی و تفاهم متقابل بیهوده و هدف ما دست نیافتنی است؟ مسلماً خیر. بالعکس، این حوادث نشانگر آن است که ما باید اقدامات خود را برای خشکاندن ریشه‌های عمیق خشونت گسترش دهیم. فقر و محرومیت جهل و تبعیض از جمله این ریشه‌ها هستند. بنابراین باید بیش از پیش با همکاری نزدیک جهت ایجاد راهبرد پیشگیرانه کلی مشتعل بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن بکوشیم. برای مبارزه با بی‌عدالتی و خطر نوعی خاص از جهانی شدن، و برای از میان بردن تاجرگرایی و

در مجموعه شورای شهر، و یا به نمایندگی از این شورا اظهار بی اطلاعی کرد. در جلسه اخیر این شورا که آقای مبشری، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشت، مهندس آذرنژاد، انتقال مقبره ستارخان به تبریز، ایجاد موزه ستارخان، مرمت مقبره باقرخان، مقبره الشعرا، دو کمال و خسته قاسیم را خواستار شد. وی همچنین با اشاره به تخصیص بودجه ۵ میلیارد ریالی از بودجه کشور برای احداث کتابخانه علامه امینی که با پیگیری استاندار آذربایجان شرقی و دستور مقام معظم رهبری اختصاص یافته، خواستار احداث این کتابخانه در یک منطقه محروم شهر شد.

• نوید آذربایجان شماره ۲۱۱

« جمشید انصاری » استاندار آذربایجان غربی گفت: آذربایجان همیشه پیشگام حرکات اجتماعی و فرهنگی در ایران بوده است. وی در دیدار با مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیران مسئول نشریات محلی و روزنامه نگاران و خبرنگاران آذربایجان غربی سخن می گفت به تشریح اهمیت جایگاه آذربایجان در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و مطبوعاتی پرداخت و گفت: ما هم اکنون در منطقه ای زندگی می کنیم که تحت عنوان « آذربایجان » نقش بسزایی در تاریخ این کشور ایفا نموده است و نقش آذربایجان در توسعه و تحولات جریانات فرهنگی کشور، به خصوص از

دوران قاجار به این طرف، بسیار برجسته و وسیع بوده است. وی افزود: اولین نشانه های تعلیم و تربیت نوین در ایران، ورود صنعت چاپ به کشور، اولین کتاب چاپ شده در ایران و اولین حرکات مردمی در مطبوعات کشور سابقه در آذربایجان دارد. جمشید انصاری در ادامه تاکید کرد که این بر عهده دستدرکاران مطبوعات و مجریان دولتی است دست به دست هم دهند تا این جایگاه مجدداً در آذربایجان احیا شوند.

• شمس تبریز شماره ۱۲۵

مدعی العموم با ۱۷ اتهام، شمس تبریز را به دادگاه فرا خواند و شعبه ۳۸ دادگاه عمومی، مدیر مسئول این هفته نامه را به دادگاه احضار کرد.

اتهامهای وارده عبارتند از: ۱. توهین به احکام اسلامی ۲. توهین به پیامبران الهی ۳. شونیسست خواندن مسئولین حکومت اسلامی ۴. تحریک احساسات مردم ترک زبان ۵. توهین به نظام اسلامی ۶. مسخره کردن موضوع خودی ها و غیر خودی ها ۷. توهین به رئیس مجلس ۸. اهانت به نظام اسلامی و عملکرد مسئولین ۹. حمله به سیاست خارجی ایران ۱۰. سانسورچی خواندن نظام ۱۱. شکنجه گر خواندن نظام ۱۲. توهین به مسئولین نظام ۱۳. استفاده از واژه آذربایجان جنوبی به جای آذربایجان شرقی

آوردن اقتدار نظامی است که در زمان شوروی از دست داده بود و حال می رود که این اقتدار را به دست آورد و انشا... سرزمین خود را آزاد کند.

اما در پایان از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار می رود که به عنوان ام القرای اسلامی و مذهب شیعه از ملت و دولت آذربایجان که به عنوان تنها کشور شیعه جهان بعد از ایران قرار دارد اقدامات ذیل را انجام دهد:

۱. همه ارتباطات خود را با ارمنستان مثل اسرائیل قطع کرده و جنایات و وحشیگری و تجاوز ارامنه را محکوم نماید.
۲. فعالیت احزاب افراطی ارامنه در ایران را مثل تشکیلات دانشناکسیون ممنوع نماید.
۳. با حمایت‌های معنوی به آذربایجان اقتدار و محبوبیت خود را در میان کشورهای آسیای مرکزی و همسایه که در گذشته جزئی از ایران بوده اند و به ایران به عنوان یک کشور مادر پناهگاه نگاه می کنند، حفظ کند.

• نوید آذربایجان شماره ۲۰۵

دلایل کارشناسی عدم توسعه آذربایجان غربی کاهش سرمایه گذاری دولت، مهاجرت‌های بیرویه و رکود ظرفیت‌های تولیدی می باشد. رتبه استان بر اساس شاخص‌های بهداشتی درمانی در سال ۱۳۶۷ در بین ۲۴

استان ۱۷ بوده که در سال ۱۳۷۲ به رتبه ۲۰ تنزل یافته یا رتبه استان بر اساس شاخصهای آموزشی و فرهنگی در سال ۱۳۶۷ رتبه ۲۲ بوده که در سال ۱۳۷۲ نیز همان رتبه ۲۲ بوده است. رتبه استان بر اساس شاخصهای کشاورزی در سال ۶۷ رتبه ۷ بوده که در سال ۷۲ به رتبه ۷ و دهم تنزل یافته و از لحاظ صنعتی رتبه استان در سال ۶۷ رتبه ۱۳ بوده که در سال ۷۲ با رتبه ۱۵ سقوط نموده است.

• فجر آذربایجان شماره ۲۵۵۰

مرکز بین المللی مدیریت بهداشتی، در مانی قاره آسیا با همکاری سازمان بهداشت جهانی در محل «ربع رشیدی» تبریز آماده بهره برداری شد عملیات اجرایی این مرکز از سال ۱۳۷۷ با تخصیص اعتبار از سوی بانک سازمان بهداشت جهانی آغاز شد. ارائه آموزشهای مختلف به مدیران ارشد و کارشناسان کشورهای منطقه و ایران در زمینه های مختلف مدیریتی از جمله اهداف ایجاد این مرکز است. مجتمع دانشگاهی «ربع رشیدی» در شمال تبریز که به اعتقاد مورخان بزرگترین مرکز علمی پژوهشی ایران و حتی منطقه در عصر ایلخانان بوده است.

• اولدوز شماره ۱۲

مهندس آذر نژاد رئیس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تبریز، ضمن انتقاد از برخی انتسابات صورت گرفته توسط ریاست شورای اسلامی، از انتساب برخی از افراد

خشونت، محرومیت و تبعیض علیه اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی چاره‌ای بیندیشد. به مناسبت روز جهانی دگرپذیری، من از جمله بین‌المللی، دولت‌ها، پارلمان‌ها، والدین، معلمان، رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و کلیه شعب جامعه مدنی، صمیمانه

درخواست می‌کنم که در زندگی روزمره خویش طبق اصول پیشنهادی اعلامیه، اخلاقیات گفتگو، پذیرش و احترام متقابل را جلوه‌گر سازند. در اینجا لازم است به دو سند مهم یونسکو که در نوامبر ۱۹۹۵ به تصویب اعضا رسیده است اشاره کنیم.

## دو سند یونسکو:

ماده اول معنای دگرپذیری:

۱-۱ دگرپذیری یعنی برخورد همراه با پذیرش و ارجگذاری به گستردگی و تنوع فرهنگ‌های دنیای ما، شکل‌های بیان و شیوه‌های ابراز وجود ما به عنوان افراد انسانی. دیگرپذیری به یاری شناخت، گشودگی ذهن، ارتباط و آزادی اندیشه، وجدان و اعتقاد، پرورده و تقویت می‌شود. دیگرپذیری یعنی هماهنگی در تفاوت، دیگرپذیری فقط وظیفه‌ای اخلاقی نیست، بلکه ضرورتی سیاسی و قضایی نیز هست. دگرپذیری فضیلتی است که صلح را ممکن می‌سازد و به جایگزینی فرهنگ جنگ با فرهنگ صلح یاری می‌رساند.

۱-۲ دگرپذیری نه تحمل است، نه مدارا و نه اغماض. دگرپذیری پیش از هر چیز برخوردی است فعال، برخاسته از شناسایی حقوق عام شخص انسان و آزادی‌های بنیادین دیگران. دگرپذیری در هیچ صورتی نباید ابزاری برای توجیه زیر پا گذاشتن این حقوق و ارزش‌های بنیادین باشد دگرپذیری را باید افراد، گروه‌ها و دولت‌ها به کار بندند.

۱-۳ دگرپذیری محور حقوق بشر، کثرت‌گرایی (از جمله کثرت‌گرایی فرهنگی)، دموکراسی دولت قانونی و مستلزم رد جرم پوستی و استبداد است و ارزش‌های مندرج در اسناد و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر را تقویت می‌کند.

۱-۴ بر اساس موازین حقوق بشر، بکار بستن دگرپذیری به معنای پذیرش بی‌عدالتی اجتماعی، یا دست کشیدن از باورهای خود و یا امتیاز دادن در این

عرصه نیست. کاربرد دگرپذیری بدین معناست که هر کس در گزینش باورهای خود آزاد است و می‌پذیرد که دیگران نیز از همین آزادی بهره‌مند شوند.

۱-۵ دگرپذیری به معنای پذیرش واقعی و عملی این نکته است که افراد انسانی که به طور طبیعی با تنوع ظاهر جسمانی، وضعیت، شیوه بیان رفتار و ارزش‌هایشان مشخص می‌شود، حق دارند که در صلح و آرامش زندگی کنند و همان‌گونه باشند که دلخواهشان است. دگرپذیری همچنین بدین معناست که هیچ‌کس حق ندارد عقاید خود را به دیگری تحمیل کند.

ماده دوم آموزش دیگرپذیری:

۲-۱ آموزش کارسازترین وسیله برای پیشگیری از دیگر ناپذیری است. نخستین گام در این راه این است که به افراد آموزش داده شود که از چه حقوق و آزادی‌هایی بهره‌مندند. با این هدف که رعایت این حقوق و آزادی‌های دیگر نیز تقویت گردد.

۲-۲ آموزش دگرپذیری که باید ضرورتی عامل و مقدم به حساب آید به همین دلیل باید روش‌های منظم و عقلانی آموزش دگرپذیری را تقویت کرد. محور این روش‌ها باید شناخت سرچشمه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی دیگر ناپذیری باشد که علل شرف خشونت و طرد هستند. سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی باید به گسترش تفاهم، همبستگی و دیگر

پذیری میان افراد و نیز میان گروه‌های قومی، اجتماعی، دینی، زبانی و ملت‌ها یاری رسانند. ۲-۳ آموزش دگرپذیری باید با هدف‌های زیر صورت گیرد: رویارویی با نفوذ عواملی که به ترس و طرد دیگری می‌انجامد یا کمک به جوانان برای گسترش توانایشان در داوری و ارزیابی مستقل و پیشبرد تفکر انتقادی و استدلال اخلاقی. ۲-۴ ما متعهد می‌شویم که از برنامه‌های پژوهش در علوم اجتماعی و آموزش دگرپذیری، حقوق بشر و منع خشونت پشتیبانی کنیم و آن‌ها را به اجرا در آوریم. در نتیجه برای پرورش شهروندان همبسته و مسئول که دیگر فرهنگ‌ها را می‌پذیرند ارزش آزادی را می‌شناسند، به حیثیت انسان‌ها و تفاوت‌هایشان احترام می‌گذارند و قادر به پیشگیری از ستیزه‌ها و یا حل آن‌ها با وسایل صلح‌آمیز هستند بکوشیم.

منابع:

۱- برگرفته از بیانیه اصول دگرپذیری، مصوب مجمع عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵.

۱- به نقل از: ماهنامه پیام یونسکو، شماره ۳۱۰، اردیبهشت سال ۱۳۷۵.

۲- روزنامه اطلاعات مورخه ۱۶ آبان ۱۳۸۰

## بابک اوفوقلردن آخان قان

بذ - بئذ - بوژآقا - بوژآقای آبادی چند چند خانواری در جنوب قوشا در ۳۰ کیلومتری شمال مشکین شهر (میمند) واقع است در کتابهای تاریخی قدیم در بیشتر آنها منطقه بئذ (بوز) را برفزند و ذوالرود (قاراسو) در ره رود نوشته اند

قارسو ۱ مقدسی بوز را بین برزند و ذوالرود نوشته است ۲- این خرابه در کتاب المسالك و المعالك در مبحث قاراسو می نویسد خندق افشین در کنار قارا سو در یک فرسخی بوز بوده است ۳- سعید نفیسی بذ و ذوالرود را بین اردبیل و لرنند نوشته است ۴- ابن حوقل بغدادی جغرافی دان مشهور عرب در نقشه کتاب صورة الارض (آذربایجان - آران - ارمنیه) محل میمند (مشکین شهر) را در سال ۳۳۱ هجری نشان داده است ۵- جلال برگشاد نویسنده توانای آذربایجان در کتاب سیریلیمیش قلینج (بابک به تحریر آورده اند در این کتاب بدرستی محل اصلی بابک میمند (مشکین شهر) برزند (محل استقرار افشین) قلعه کشا (قوشا) که بابک به کاروان افشین حمله می برد و بابک در کنار قاراسو در چادر از میهمانان پذیرایی می کرد. بابک بزیارت قلعه بو بر اوتار مشکین می رفت و از داداش بزرگ استمداد می کند بعد از فاجعه مرگ قهرمانه بابک که خیانتهای افشین طرفدار اعراب و سبباط ارمنی مند آذربایجان منطقه بئذ (بوز) بکل ویرانه گردید.

و بابک در آخرین جنگ در قلعه جمهور (بند قالاسی) ۶ کیلومتری شهرستان کلبر شکست خورد و می خواست به بیژانس برود در نتیجه خیانت سبباط ارمنی در شمال ارس نزدیک بیلقان دستگیر و به برزند پیش افشین برده شد (سبباط ارمنی در جاه و جلال بابک از پابوسان و کاسه لیسان و نوکران بود) بابک زاده میمند (مشکین شهر قهرمان افسانه ای آذربایجان پرورش یافته ای از آنا) بلال آبادارمسک مشکین الهام یافته از قارتال (عقاب) بلندای آسمان ساوالان آزاد مرد تاریخ، مردیکه سرخی مرگ را بر زردی و خواری ترجیح نمود جوانمرد و مردانم به پای مرگ شرفتمندانه رفت و تسلیم اراده ای دژخیمان نگردید چون از مدینه فاضله افلاطونی و مبارزه ضد فئودالی طبقاتی مزدک الهام گرفته بود. وقتی خلیفه در زیر زنجیر اسارت شمال عفو بر شاهنشاهی انداخت و عفو تر طی قرار گرفت سربلند از امتحان تاریخ بیرون آمد

و گفت: بابک از طرف ظالمان چون آل معتصم با... سرداری عرب در جنگ بارومیان ننماید؟ سردانگی بالا گرفت و گفت ای خلیفه زمین های سرسبز و آباد (مشکین و آذربایجان) و زیبایی ساوالان را زیر سم اسبهای ویرانگر و لشگریان تاراجگر از میان بردید و دختران و مادران سرزمین را چون قربلها و قارائلها را به بندگی و خواری انداختید به خاطر جانم برای ظالمان همچون خلیفه سرزمین آباد دیگران را تاراج و انراش را در زنجیرهای بردگی انداخت. مرگ را به جان می خرم - ننگ را به از روزیور دنیارنه؟

این نوشته پس از بررسی ۵۰ کتاب تاریخی معتبره که در بخشی بابک از آنها نام برده شده است از نوشته ها که با محل تولد و مبارزه اش بروشنی حکایت داشته مخصوصاً نوشته جلال برگشاد بنام (سیریلیمیش قلینج) ترجمه به فارسی توسط استاد رحیم رئیس بنا و سخنا انزایی کتاب بابک جلال برگشاد و تاریخ آذربایجان پرسور زیاد بنیاداف چاپ ۱۹۹۴ باکو با توجه به نقشه ابن حوقل بغدادی گویاتر است و نویسنده های بزرگ تاریخ همانند محمدجریب طبری تاریخ نویس عرب سال ۴۴۰ هجری - سعید نفیسی ۱۳۴۸ چاپ تهران ابونصق اسفراینی - دینوری، مرگ بابک آل آت تنویه ۸۳۸ هـ یوسف اف - بابا بابایف در اکثر نوشته ها که آخرین جنگ او در قلعه جمهور کلبر اتفاق افتاده هم نظیر بذلی و دو محل تولد و شهر زادگاه میمند پیشگین و محل بذ و بلال آباد متفاوت است. بابک اهل میمند (مشکین شهر) بلال آباد و بوز نیز در نزدیکی قاراسوار شمال مشکین شهر در ۳۰ کیلومتری واقع است و نام بئذ به نام آقا به یادگار مانده است.

خرمیتها ۶۰ سال در مقابل اعراب ایستاده اند برنامہ این نهضت ادامه ضد فئودالی مزدک تقسیم املاک های بزرگ و رفع تبعیض طبقاتی و آزادی در ازدواج و فراگیری دانش زمان برای همه بود و در زمان ساسانیان تمام افراد جامعه در چند دسته تقسیم و هر یک حقوق اجتماعی به خصوص داشته اند. درباریان، دبیران، سوداگران، جنگاوران و صنعتگران، نوازندگان رعیت بوده اند پس اینکه اسلام دین حضرت محمد (ص) از عربستان به سایر مسالک مخصوصاً ایران و دستورالعمل برابری

در نشست دوتن از مسئولان بانک توسعه اسلامی باشهدار تبریز اعلام شد که طرح خط یک قطار شهری توسط کارشناسان این بانک مورد مطالعه قرار گرفته و بانک توسعه اسلامی تا ۴۰ میلیون دلار در اجرای آن سرمایه گذاری خواهد کرد .

مقر این بانک در عربستان است تا سرمایه آن توسط تعدادی از کشورهای اسلامی تامین می شود .

- نوید آذربایجان شماره ۲۰۸ گسترش مناسبات مرزی، سیاسی و اقتصادی، بین استانهای همجوار ایران و ترکیه در نشست مشترک استانداران وان ترکیه و فرماندار خوی مورد تاکید قرار گرفت . در پایان این نشست، هیات ایرانی و ترکیه تفاهم نامه ای را در چهار ماده در خصوص مسائل امنیتی، مرزی و تجاری امضا کردند. فرماندار خوی گفت: بر اساس توافق های به عمل آمده کمیته های فرعی امنیتی استانهای مرزی ترکیه با فرمانداران شهرهای مرزی آذربایجان غربی هر چهار ماه یکبار در شهر های طرفین انجام می شود. در این دیدار بر حل مشکلات مربوط به تجاری مرزی و رونق هر چه بیشتر تجارت در بازارچه مشترک مرزی رازی را تاکید کرد .

- شمس تبریز شماره ۱۲۲ شمس تبریز در صفحه با خوانندگان نامه

آقای قهرمان قنبری از سولدوز را چاپ کرده که در زیر با هم می خوانیم . تا زمانی که قلبها می تپد قره باغ مال آذربایجان است . با عرض سلام . اینجانب که به عنوان یک ترک آذربایجانی لازم دیدم که به مناسبت نزدیک شدن سالروز تاسف بار تجاوز ارمنه به خاک پاک و عاری از پلیدیهای قره باغ که جنایات و وحشیگریهای بیشماری را مرتکب شدند و انسانیت و شرف و مردانگی را زیر پا گذاشت مطلبی را بنویسم .

جنایتی که ارمنه تقریباً در حدود سه سال انجام داد اسرائیلی ها لااقل همان جنایات را در عرض پنجاه سال هم نتوانستند انجام بدهند و تاسف بار تر سکوت مجامع بین المللی و کشورهای مدافع حقوق بشر است که این جنایات و تجاوز را نوعی حق دموکراتیک و آزادیخواهی می نامیدند و بگذریم از این که روسیه و چند کشور متعدد به ارمنستان چه کمکهایی را کردند . و در واقع شریک جرم محسوب می شوند که در این مورد تاریخ وجدان را قاضی قرار خواهیم داد که عادلانه ترین قضاوت را انجام خواهند داد .

و اما حق گرفتنی است و این بار نیز گرفته خواهد شد و مردم آذربایجان در قله تنهایی فقط با تکیه بر جوانان آذربایجان و پشتکار دولت خود که در حال تجدید قوا و به دست

ترکمن دانشگاههای تهران به منظور ساماندهی مطلوبتر و مشارکت دانشجویان تهران در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، علمی و هنری

تاسیس گردیده است. اولین مجمع عمومی این تشکل در تاریخ ۱۵ آذر ماه سال جاری به دعوت هیات موسس در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

- «گوش» تربیت معلم آذربایجان بیلی یوردونون آذربایجانلی اؤیرنجیلری نین ادبی، فرهنگی و هنری درگی سیدیر.
- ناصر نظامی افشرد درگی نین ایتیمتاز صاحیبی و مسنول مدیری دیر.
- اینکینچی سایسی دی آییندا بوراخیلدی.
- بو سایداتورک خطلری، دوکتور داشقین لادانییق، پایدار تاپای دار، چیچک وورغونو، نگاهی گذرا به تاریخ ترکها و ... درج اولونوبدور.

### نگاهی به مطبوعات آذربایجان

• ارک شماره ۳۷۸

دکتر علی اصغر شعر دوست مخیر کمیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اشاره به دیدار اعضاء کمیون فرهنگی شورای اسلامی با رئیس جمهور گفت: به دنبال ملاقات کمیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور محترم و طرح پاره

ای از مسائل حوزه فرهنگ و هنر اهم مسائل مطرح شده در آن جلسه را طی نامه ای به رئیس جمهور مهترم ارائه گردید و خواستار حل معضلات فرهنگی کشور شد. دکتر شعر دوست این تلاش را مکمل کوششهای کمیون فرهنگی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ برای جبران مشکلات حوزه کشور دانسته اهم پیشنهادات ارائه شده در نامه کمیون فرهنگی به رئیس جمهور را به شرح زیر اعلام کرد:

- تشکیل شورای هماهنگی پشتیبانی فرهنگ به ریاست رئیس جمهور برای هماهنگی پشتیبانهای بخش فرهنگی.
- تعیین مقرری به نخبه گان و هنر مندان برجسته عرصه فرهنگ و هنر برای حل مشکلات معیشتی آنان از طریق وزارت ارشاد و طبق آیین نامه مشخص
- تشکیل کمیته ای جهت ارائه طرحی برای اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی ج. ا. ایران. توضیح اینکه اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی به تامین حقوق فرهنگی و مدنی قومیتها را اشراف دارد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متروک مانده است.

• عصر آزادی شماره ۱۹۹

بانک توسعه اسلامی در اجرای چند طرح عمران شهری و سد سازی در آذربایجان شرقی سرمایه گذاری می کند.

سید قریشی و غلام حشی (با اینکه بعد از خلفای راشدین در زمان اموریان و عباسیان دربار شاهی قوت گرفت) بود و ملتهای مغلوب در مقابل اعراب با رضایت اسلام را قبول نمی کردند پس از اینکه اعراب در بین مردم برای خود امتیازاتی قابل شدند تفاوت در برابر آنها آشکار و مهمترین آنها از خرمیها (از آبادی فعلی خرم آباد مشکین شهر) بودند. خرمیها به رهبری جاویدان و بعد بابک که مبارزات آنها خواب را از چشمان دربار عباسی ربوده بود.

اکادمیک زیاد بنیاد ف (در سال ۱۹۹۹ در لنکران توسط دشمنان آذربایجان ترور شد) در کتاب مون گرافی و مقاله ها با مراجعه به صدها منبع نوشته است خرمیها پرچم قرمز و در جنگ عباسیان لباس قرمز می پوشیدند و نام آنها از محلی بوده به نام خرم (خرم آباد مشکین) یوسف یوسف اف محقق نیز خرم را خوبان و در زبان پهلوی خود را آتشی و خورشید دانسته است. کلاً شرق شناسان سبلان به خصوص اعراب خرمیها را کافر و معتقد بودند علاقه به تراب وزن و اعتقاد به قیامت نداشتند. البته حکومتهای گذشته به رقیبان خود تهمت های

زیادی زده است (در این بخش از کتاب مصطفی رحیمی اشاره گردیده است)

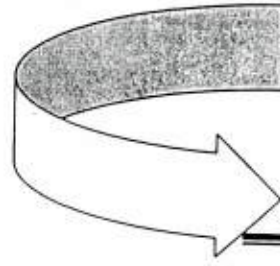
جاویدان گله های بزرگی در منطقه سبلان داشته و بیشتر در بازار زنگان فروش می رساند جاویدان در کاروان سرای مادر بابک (برومند) بوده و با بابک آشنا گردیده و بابک و برادرش عبدالم... توسط مادرشان بزرگ شده، جاویدان بابک را با خود به قلعه بد برد. پس از مرگ جاویدان،

پروین زن جاویدان که بابک را تنها جانشین لایق شوهرش می دید به خرمیها گفت جاویدان وصیت کرده است بعد از من بابک رهبر خرمی ها است چون روح من در او حلول کرده است و شوهر زنش خواهد بود در این موقع بابک ۱۷ ساله بود ولی تجربه جنگی و سرد و گرم روزگار را چشیده بود و لیاقت رهبری و مبارزه با اشغالگران داشت (بابک فرزند عبدالم... روغن فروش، مادرش برومند دختر ابن ارواری تک گوزلی و پدرش در یک سالگی بابک مرد.

### آردی گلن سایمیزدا

گلبنی انوده سینا	بولون آز - چوخون	آتالی سوز	یامانلیق یاخین
بوللا داغدا اودونا	ار بیلمز	آغیلا گوز	یاخشی لبق اوزاق
۵۴	آت بیلر	۶۹	۷۷
قوراسیز اوویون	۶۱	ایکی اولورسان بیرلیکده	خمیر یتیشنده قاپاریر
قیرار بوویون	چالیشان اکیز اولسا	دانیش	۷۸
۵۵	بی لیین سککیز اولار	تک اولورسان بورکونله	گوجو اولان گونلوغون
چوخ ساواشان رشوه ت	ایکیبه چالیشان	دانیش	تاپار
ونرر	وارین سککیز اولار	۷۰	علمی اولان ایلبلیگین
۵۶	۶۲	اتل چاراسیز	۷۹
قایدالی یتره قاچا- قاچا	بیر اولمادان بوخودور ملت	مرد باراسیز اولماز	اترکن اوتن خوروزون
گنت	ایش اولماسا هر شنی	۷۱	باشی گنده ر
ضررلی یتردن قوبا - قوبا	ذلت	اتل چالیشار یتر سنوینر	۸۰
قاچ	۶۳	یتر بارلانا ائل سنوینر	گنجینی آلاه وورسا
۵۷	چالیشما: آتادیر	۷۲	چوبانین دایاغی ده بر
تبلل بوخودان دویماز	یتر: آتادیر	اوتن اوتانسا اوتمز	۸۱
لوغازا گولمیبندن	۶۴	اوغرو اوتانسا اند مز	اوکوزه اوها دئییه نده
۵۸	چالیشمانین چوربی دادلی	۷۳	گوتورولنر
چوبان باخدیغین	ارینجه بین جانی	ذهن سیز کیشی نین	۸۲
کندلی اکتدیین یتر	۶۵	دوزومو بوخ ایشی نین	بوکلو اتششک یتکار بی
۵۹	چالیشقانین بیری ایکی	۷۴	دن
دوستونون گوزونده	اولسا	شیرین یالاندان	یاخشی دیر
اولونجا	ارینجه بین ایکیسی بیر	آچی گنر چک بی	۸۳
کونلونده اول	۶۶	او قوش کی سن	دوتوموسان
۶۰	چولمک مین گون سیماز	تارینین مالی یوخ، ونره	قانادین من بولموشام
اکین اکسن یتره باخ	بیر گون سینار	بیرینه	۸۴
اتلی سنوسن اتله باخ	۶۷	بیرینه ن آتیر، ونریر	اوغرو نه ایشر
آشین آز - چوخون	تئل آت قامچی بیر	بیرینه	۷۶
قازان بیلمز	آورد زه لاف دیر	۷۶	مردنق گنجه
قات بیلر	۶۸		

# آقآلاردان چاتان سسلر



۱ بیچیلیمیش بوغدا  
اوراق پاسلادار  
قور تولموش دویوش  
ایگیبت خاملادار  
۲ سوز آغیزدا لپه دی  
انشیگه چیخدی ده وه دی  
۳ یازین شهی  
قیشین قاری  
حیات باری  
۴ قودورقان ایت قاپار  
اوزونو  
الی چاتماسا اوزونه،  
کولگه سینی  
۵ گوره ن گوزونده ن آسیلی  
گورمه ن آغزبندان  
۶ پوللو انوین بولبولو  
یوخسول انوین باقوشو  
۷ بی توخلوغوندان آجیبار  
یوخسول آجلیغیندان  
۸ بی تاتیشا قوهوما  
آل وئر دستلوغا باخماز  
۹ بی بیه، چای چایا  
قوشور  
۱۰ بی چه بیه  
بی تازییا  
۱۱ بی ایسته بین گنیه ر  
یوخسول تاپدیغین  
۱۲ وارلی باجی یاخیندا  
یوخسول باجی اوزاقدا  
۱۳ اولماسین  
آریق آتا  
قامچی دا

آغیر ۱۴  
آریق آتا قامچی دوشمان  
بیرتیق انوه دامچی  
۱۵ آجا قازان آسما  
اوشوینه اودون یاخما  
او یتیر سیچار  
بو قیزار وورار  
۱۶ پالانچی نین سوزونده ن  
بوخ  
گوزونده ن بیل  
۱۷ قارتال یوواسین گزه ر  
آت سوروسون  
۱۸ پاراسابا گنجه  
گوزوند ن آیدین  
۱۹ آت چاپا - چاپا  
قوش اوچا - اوچا  
۲۰ پالانچی نین شاهیدی  
چوخ  
آراساندا هنج بیری یوخ  
۲۱ وئر ن ارین الی آچیق  
گورن ارین یولو آچیق  
۲۲ کوهنه سیز نازا اولماز  
پامان سیز یاخشی اولماز  
۲۳ گول قدرینی  
کور بیلمز  
۲۴ ده بیرماندا دوغان سیجان  
گورولتودان قورخماز  
۲۵ کوهنلمه بین توربا  
توکتمه بین مال اولماز  
۲۶ اوپوش اوپوشو گتیر

گوموش گوموشو ۲۷  
سویون قابماغی بوز  
شورون دوز  
۲۸ سو گورمین  
اوزمک نه بیلیر  
۲۹ ات اولان یترده ن  
ایت گتتمز  
۳۰ سو یویه سین  
مال یتیه سین تاپار  
۳۱ سوزو دئی آنلایانا  
دندین یا یوخ نه فرقی وار  
قولاغا پامبیق تیخانا  
۳۲ تویوغون ممه سی  
دیمدییدیر  
۳۳ تازی کینین دورنادان  
بیت کینین تاختادان آلاز  
۳۴ ماهنی ساز ایله  
قیز ناز ایله دیر  
۳۵ دوشان کولگه سینده ن  
فورخار  
۳۶ دووشانی قامیش اولدورر  
اری ناموس  
۳۷ بیر هنری قووماسان  
عمور اوتر بوش بشکار  
۳۸ باشینی دیک دوتسان  
داعوایا دوشرسن  
۳۹ سترچه یاغیش یاغسا  
بالاسین  
دولو یاغسا  
اوز باشینی قورویار

۴۰ کاروان سیز یول  
قوروسون  
آغ ساقفال سیز ائل  
قوروسون  
۴۱ قیلینج وورماق بیلمه بین  
اوزونه ایلشیدیر  
۴۲ آیقادکی بیت  
آتدان دوشور  
۴۳ آیدان قورخان  
منشه به گیرمز  
۴۴ آی غلین بیر کره  
ایل غلین اون کره  
دوشون  
۴۵ آیین اون بشی ایشیق  
اون بشی قارانلیق  
۴۶ انلدن گلسه ملامت  
قالانمازسان سلامت  
۴۷ اونون دیشی قارنین  
ایچینده دیر  
۴۸ باش ساغ اولسون  
بورک تاپیلار  
۴۹ آغاج توتان  
آغاج وورانلدا آر تیق  
۵۰ ایپده گتندی  
ایپده گتندی  
۵۱ قورباغا گولونه داش  
آتماق  
۵۲ گلینه باخ گلینه  
الین قویموش نلینه  
۵۳

عملیات اجرایی تخریب این قسمت را آغاز کردند. گفتنی است دکتر سبحان اللهی استاندار آذربایجان شرقی و آقای فتح اللهی شهردار تبریز از مراحل اجرایی این تخریب بازدید کردند. گفتنی است با هماهنگی شورای اسلامی شهر تبریز و شورای تامین استان مقرر شد قسمت شمالی این پل واقع در بلوار استاد شهریار تکمیل گردد.

خزر: هر که آمد عمارتی نو ساخت و ...

\* سید مصطفی سید هاشمی نماینده مردم مراغه و عجب شیر در مجلس شورای اسلامی و رئیس مجمع نمایندگان آذربایجان شرقی در جلسه معارفه استاندار جدید آذربایجان شرقی، معیارهای انتخاب آقای دکتر سبحان اللهی از سوی مجمع نمایندگان آذربایجان و معرفی وی به وزیر کشور را بومی بودن، داشتن سوابق روشن و درخشان، مشهور بودن، داشتن روحیه هماهنگی و اعتقاد به برنامه های آقای خاتمی و آشنایی با سیاستهای کلان کشور، اصول گرایی، منطقی بودن و در عین حال داشتن جرات بیان مشکلات برای مسئولین رده بالا، اعتقاد داشتن به رشد موزون و همه جانبه استان، مردمی بودن و داشتن اعتقاد به مردم سالاری دینی و داشتن اطلاعات کافی در مورد دستگاههای اجرایی کشور برشمرد. نماینده مردم مراغه و عجب شیر در مجلس با اعلام همه جانبه مجمع نمایندگان استان از استانداری دکتر سبحان اللهی، سهم استان را

از اعتبارات عمرانی ملی بسیار اندک دانست و اظهار داشت: این را ما نمی توانیم برای جوانها و مسئولین استانمان توضیح بدهیم که چرا سهم ما از اعتبارات ملی کشور در سال هفتاد ۵/۱۷ در سال هفتاد و پنج ۲/۱۳ و در سال هفتاد و هشت ۲/۸۹ و در سال هفتاد و نه ۳/۲ بوده است. این سیر کاهش اعتبارات عمرانی ملی برای استانی با این عظمت و با این مردم وفادار به نظام جای سوال است. اینجا محل فرار سرمایه گزاران و در نهایت وجود بیکاران و متقاضیان شغل شده است. \* فرماندار کلیدر اعلام کرد: ۵۰ پروژه عمرانی و خدماتی در این شهرستان مورد بهره برداری قرار گرفت. آقای راستگو فرماندار کلیدر در مورد توسعه گردشگری در منطقه اظهار داشت: در فضای گردشگری امسال بیش از ۱۳۵ هزار نفر عمدتاً در قالب خانواده و همچنین ۲۰۰ نفر گردشگر خارجی به شهرستان کلیدر سفر کردند. وی اظهار امیدواری کرد که با ایجاد امکانات جدید در شهرستان از جمله بهسازی آبگرم متالیک و ایجاد امکانات بیشتر در محور آینالی و افزایش تسهیلات در قلعه بابک، سفر گردشگران به این منطقه در سالهای آتی هر چه بیشتر افزایش یابد.

\* اولین دوره انتخابات شورای مرکزی مجمع فرهنگی اجتماعی دانشجویان ترکمن دانشگاههای تهران با حضور گرم دانشجویان برگزار گردید. مجمع فرهنگی اجتماعی

باریش، چاغری، دوزگون خیر و سحر جهت پیگیری کارهای انجمن مزبور انتخاب شدند.

لازم به توضیح است این نشست پیرو نخستین نشست مدیر مسئولان نشریات دانشجویان آذربایجان که در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۷ به همت «مجمع دانشگاهیان آذربایجان» در تهران به منظور تقویت حس همبستگی، همکاری و فرهنگ تعاون بین نشریات مزبور برگزار گردیده بود، تشکیل شد در این نشست نشریات دانشجویی سحر، خان ننه، آراز، خزر، یورد، گونش، باریش، باقوش از تبریز، اردم، انلیار، بیر لیک، اولدوز، آراز، اویرنجی، چاغری، ایشیق، دوزگون خیر، حیدر بابا و ائل سسی از تهران، یاشیل یول از خوی، دان اولدوزو از اصفهان، اولدوز، بولود و باخیش از ارومیه، یاشار و سس از زنجان، قوپوز از رشت شرکت داشتند.

\*رئیس دانشگاه تربیت معلم آذربایجان گفت: از سال تحصیلی آینده، این دانشگاه در ۱۱ رشته تحصیلات تکمیلی دانشجو می پذیرد.

دکتر محمد آقازاده افزود: زبان و ادبیات فارسی، زبان انگلیسی، ادیان و عرفان، فیزیک، شیمی، ریاضی، مهندسی عمران و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، عنوان رشته های مقطع کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۸۱-۸۲ است.

به گفته وی رشته های زبان و ادبیات فارسی، فیزیک و شیمی در مقطع دکترای تخصصی نیز با همکاری دانشگاههای منطقه از سال آینده در این مرکز دایر می شود.

\*مراسم بزرگداشت مقام شامخ استاد علی سلیمی، استاد مسلم موسیقی، به همت تنی چند از علاقه مندان فرهنگ و موسیقی در تبریز برگزار شد. در این مراسم که اساتیدی از رشته های تاریخ و فرهنگ و موسیقی و ادبیات شرکت داشتند در مورد ویژگیهای علمی و هنری استاد علی سلیمی سخنانی ایراد گردید. لازم به ذکر اینکه استاد علی سلیمی یکی از چهره های برجسته موسیقی آذربایجان است که سالهای متمادی در مورد احیای موسیقی آذربایجان و بست و گسترش آن زحمات زیادی کشیده است.

\* بر اساس مصوبه شورای تامین و در پاسخ به افکار عمومی بخشی از پیل بازار مقابل دانشگاه تبریز توسط شهرداری تبریز برچیده شد. به گزارش روابط عمومی شهرداری تبریز در جلسه اخیر شورای اسلامی شهر فرهنگی تبریز که با حضور استاندار آذربایجان شرقی، رئیس شورای اسلامی شهر تبریز، کمیسیون عمران شورا و شهردار تبریز و نیز مالک پروژه (ستاد اجرایی فرمان حضرت امام) ترتیب یافت مقرر شد بخشی از این پیل واقع در مقابل دانشگاه تبریز برچیده شود. به دنبال این مصوبه شهرداری تبریز با بسیج امکانات و اکیب خدمتاتی خود

# ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود

دکتر حسین محمدزاده صدیق

ایروان یک ولایت مسلمان نشین بود.  
صمد سرداری نیا  
انتشارات زوفا  
۱۳۸۰

میرزا فضل... شیرازی، متخلص به خاوری در اثر گرانقدر «نامه خاقان» که در سال ۱۲۶۰ هـ ق آن را به صورت سالنامه در شرح وقایع است، ایران را به شانزده ایالت کلیه سنوات ۳۸ ساله فتحعلی شاه به اضافه مختصری از عهد آتامحمدعلی خان و شاه قاجار به قلم آورده تقسیم می کند و نخستین ایالت را «آذربایجان» می نامند و شهرهای این ایالت را بدینگونه می شمرد.

«شهرهای مشهور آذربایجان، تبریز، اردبیل، خلخال، مراغه، خوی، اروم، ایروان، شوشه، نخجوان، شکل، شماخی، بنادر، دربند، بادکوبه و قیه است که در چهار و دو واقع و در کنار دریای خزر اتفاق افتاده است.

(نگاه کنید: نامه خاقان، تصحیح و تحقیق ناصر افشار، تهران، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴).

این خود، یکی از هزاران سند موجود دال بر تعلق سرزمین کنونی جمهوری ارمنستان به کشور آذربایجان و جهان اسلام است که تاریخ پروژه معاصر آقای «صمد سرداری نیا» در کتاب «پرازش» «ایروان، یک ولایت مسلمان نشین بود» با ذکر اسناد و مدارک متقن به اثبات آن می کوشد.

مؤلف در مقدمه می گوید: این قلم سرگذشت ایروان از بدو پیدایش تا تفاجعه قتل عام مسلمانان به دست دانشکده ها را بررسی می کند و نشان می دهد... ایروان از شهرهای آذربایجان «چخور سعده» از ولایات چهارگانه ایالات آذربایجان بوده است که نه تنها بر روی اجساد مسلمانان ستم دیده این ولایت، جمهوری ارمنستان ایجاد شده است، بلکه آرامه افراطی بعدها با ادعای مالکیت قره باغ کوهستانی، با تجاوز به خاک آذربایجان، آن را اشغال کرده اند.

مؤلف با این نیت در فصل نخست پیشینه تاریخی ایروان را به بحث می گذارد و با کاوش در اسنادی نظیر صدرالتواریخ، موات البلدان، گلستان ارم و با استناد به پژوهشهای لسترچ در کتاب «جغرافیای سرزمین خلافت شرقی» و میثورسکی در «پژوهشهایی در تاریخ قفقاز» نشان می دهد که این منطقه پیوسته ترک نشین بوده و در

دوران اسلامی نیز به دست مسلمین اداره شده است و حتی کسروی را نیز شاهد مثال می آورد که: «مقصود از ارمنستان... آن نواحی است که از صدر اسلام به دست مسلمانان افتاده، حکمران آنجا یکسره از بغداد یا از آذربایجان فرستاده می شد.»

(ص ۲۱ به نقل از «شهریار گمنام» اثر کسروی، ص ۲۳۸). در بخشهای بعدی مؤلف ولایت «چخور سعده» را که بخشی از آذربایجان بوده و قطعه خاکنی که از ۱۹۲۷ م «جمهوری سوسیالیستی ارمنستان» نامیده شده، جزئی از آن ولایت است، معرفی می کند و در فرجام کتاب ضمن ذکری از فجایع دانشکده ها در نیم قرن اخیر در زدودن آثار اسلامی این منطقه، شخصیت های اسلامی و شاعران و سرایندهگان فارسی گو و ترکی سرا را مانند حکیم لعلی، محمد ندیم ایروانی، حاج آقاسی، شهاب ایروانی، میرزا مسلم قدسی و دهها ایروانی دیگر را می شناساند.

این خاک ۲۹ هزار کیلومتری که امروزه «ارمنستان» نامیده می شود، در پگاه تاریخ از سوی عشیره ای از ترکان به نام «ارمن» نعمت تحرک و حیات بخشیده شد. اینان سه هزار سال پیش از میلاد در این منطقه حکومت قبیله ای «ارمن» را تشکیل دادند.

در کتیبه های بیستون «اربانان» Arbana و در زبان التصاقی ایلامی «هربنا» Ĥarbanā نام داده شده است. جزء نخست این کلمه یعنی از Ar در معنای مرد، جوانمرد، رشید و شجاع است و جزء دوم ضمیر اول شخص مفرد است که امروزه در ترکی و فارسی «من» تلفظ می شود.

مردمی که امروزه به «ارمنی» معروفند به خودشان «های» و به سرزمینهایی که ساکن هستند «هاکازیان» می گویند این دیگران هستند که هنوز نام «ارمن» را بر روی آنان حفظ کرده اند و آنها را بازمانده، ارمن ها می شناسند نه های ها.

این جمهوری که اکنون در حدود سه میلیون جمعیت دارد و در پنجاه سال اخیر تأسیس شده است و به دسیسه روسها برای زدودن هرگونه هویت اسلامی و آذربایجانی دست به حرکتها و سیاستهای مختلفی زده اند که یکی از آنها قتل عام و اخراج مسلمین و دیگری تغییر نامهای جغرافیایی است. بحث کشتار و اخراج آذری ها خود بخشی جداگانه را می طلبد. اما اشاره ای به تغییر نامهای جغرافیایی را در اینجا مفید می دانم.

## درد دل یک ایرانی ترک زبان

«دل یک ایرانی ترک زبان»

در شماره ۴۲ نامه‌ای از طرف جناب رحیم مسلمانیان قبادیان به چاپ رسانده بودید که حاوی درد دل‌های این اندیشمند و ادیب تاجیک بود.

در حالی که خواسته‌های ایشان را ارج می‌نهم و برای تمامی ادیبان فارسی زبان آرزوی توفیق دارم، ولی لازم دانستم مطلبی را با شما و خوانندگان عزیز در میان بگذارم.

من به عنوان یک ایرانی ترک زبان که در این کشور زندگی می‌کنم و به میهنم و زبانم عشق می‌ورزم از کدامیک از امکانات مادی و معنوی این کشور جهت توسعه فرهنگ و زبان ترکی در ایران بهره می‌برم؟

جمعیت ترک زبان این کشور حتی یک مدرسه که به زبان مادری آنان تدریس کند ندارد، فاقد فرهنگستان و کسانالهای رادیو تلویزیونی و نشریات مختص خود می‌باشد، ترک زبانها مانند تمامی ایرانیان دیگر در این کشور زندگی می‌کنند، مالیات پرداخت می‌نمایند و به همان نسبت نیز باید از امکانات فرهنگی برخوردار باشند. در حالی که برای برگزاری یک کنفرانس و یا سمینار ساده حتی یک سالن در این کشور در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد و باید اجازه بدهی آن را پرداخت کنند.

باید به قانون اساسی ارج نهیم و سعی در اجرای مفاد آن نماییم اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی حقوق ما را به رسمیت شناخته است و اجرای این اصول راهگشای بسیاری از مشکلات ترک زبانان ایران خواهد بود. در خاتمه لازم می‌دانم که اشاره کنم چندی پیش جمع کثیری از نمایندگان مجلس و نشریات محلی آذربایجان نامه سرگشاده‌ای خدمت آقای رئیس‌جمهور ارسال کرده بودند که به نظر حقیر مد نظر گرفتن مفاد آن نامه گامی بزرگ در جهت تحقق مردم سالاری اسلامی در ایران عزیز خواهد بود.

با آرزوی توفیق برای تمامی ایرانیان و سربلندی ایران عزیز جواد شایسته تهران

اوخسور چاتار مطلبه  
درمین اوخسور روانلار  
نه اوخسویوپدور انلار  
الخ

در سال گذشته به دلایل زیر کلیه نامه‌های ترکی این سرزمین را دولت‌های دست نشانده سوسیالیستی ایروان تغییر دادند:

۱) به بهانه تبلیغ ایدئولوژی شوروی نظیر «اوسادزور» که برای نامیدن «قارنلیق دو» به کار رفت.

۲) به بهانه اپدی ساختن نامه‌های شعری هایکازیان مانند «آبویان» که برای نامیدن «ایللر» به کار می‌رود.

۳) از طریق ترجمه به زبان ارمنی مانند داش قالا، که آن را «کاراطرت» تلفظ کردند.

۴) در کلیه نامه‌هایی که لفظ «کند» در آن بود، به جای آن، لفظ ارمنی «گیوغ» گذاشتند. مانند «ملک کنندی» که «مالکیت کیوغ» تلفظ کردند.

۵) با جعل تلفظ بسیاری از کلمات نظیر «هرزند کند» یا «عرضه کند» که آن را «آزام‌گان» تلفظ کردند.

تصبه‌ها و دهاتی که هنوز هم در اطراف ایروان و جمهوری موسوم به ارمنستان که نامه‌های ترکی و اسلامی دارند بیش

از آن است که ذکر و شرح آنها در یک مقاله کوتاه بگنجد. برخی از این نامها چنین است:

گولابلی، گولوجه، قارابولاق، آغ دره، داناگیرمز، ساچلی، ایسیرلی، نکرلی، کور بولاق، بوغازکسن، بوغازدوغان، سؤیولو، داش قالا، قاپیلی، قیالی، قاجاغان، خان کنندی، اوشاق قیشلاق، آپریم، غنچه‌لی، گوئی داغی، دره چیچک، ظاشاکند، آدی یامان، قیریخ بولاغ، شیش قایا، شاهه‌لی، قاراکیلسه، انشار، ریجانلی، مونجوقلو، شیرازلی، مزرعه، باهارلی، سیدلی، آغ‌باش، سؤهریلی، گورجوبولو، اوجاق قولو، یشل تووان، گؤزل دره، شیروانجیق، آتشکده، طالشلی، ایذن چالان، اوجان، تزه کند، داغ کند، اورتا کند، قمیشلی، مهربان و ...

من ضمن ارج نهادن به تحقیقات مؤلف گرانقدر (آقای صمد سرداری نیا) مطالعه و تکمیل کتاب ایشان را به همه، بویژه به جوانان و دانشجویان که دغدغه اسلام، ایران و آذربایجان را دارند. توصیه می‌کنم. جا دارد به لحاظ نشر این کتاب تحقیقی از مدیریت انتشارات زوفانی قدردانی به عمل آید.

برای حسن ختام یکی از اشعار میرزا کاظم قاضی عسگرزاده ایروانی را که در اولین کتاب درسی ترکی خود نزدیک یک صد سال پیش در ایروان چاپ کرده بود، در زیر می‌آوریم. وی قبل از رشده، در شهر ایروان مدرسه به شیوه جدید آن روزگار تأسیس کرده است. (نک. ص ۱۱۳ کتاب مورد بحث)

اوغسولوم، اوغسولوم، ناز اوغسولوم  
درسیندن قالماز اوغسولوم  
بولبول کیمی درس اوخسولوم  
ایتر چوخ یالاز اوخسولوم  
قلمین آل الینه  
بیر یاشخی زاد یاز اوغسولوم  
اوغسولوم گکدیر مکته

### خبرلر:

\* موسوی لاری در زمینه تقسیم کشور به ده استان یا ایالت، گفت: این موضوع در قالب طرح جامع تقسیمات کشوری مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر کارشناسان گرفته شده و پس از طی مراحل رسمی به شکل لایحه به مجلس تقدیم خواهد شد.

وی در این زمینه افزود: عمده جهت گیری این طرح همگرایی ملی و فرهنگی میان مناطق مختلف کشور، تسهیل ارتباط میان مناطق، داشتن اختیارات بیشتر منطقه ای و تصمیم گیریها در مناطق و بهره گیری از پتانسیل ها و استعدادهای قابل تلفیق در مناطق مختلف کشور است که باید در بخشهای مختلف وزارتخانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد که اگر نهایی شود به دولت تقدیم و پس از تصویب به مجلس می رود. وی تاکید کرد: این طرح فقط در حد نظریه کارشناسی مطرح است.

\* دومین نشست مدیر مسئولان نشریات دانشجویان آذربایجانی با حضور نزدیک به ۳۰ نشریه طی روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر ماه در تهران برگزار گردید.

در اولین روز این نشست اساسنامه انجمن صنفی نشریات دانشجویان آذربایجانی توسط نمایندگان تمامی نشریات به عنوان موسسین انجمن مورد بررسی و تصویب قرار گرفت همچنین در دومین روز نشست هیات دانشجویی نشریات اردم، اولدوز، اویرنجی

«خزر»

سبزیین گوندردیگینیز مقاله لر، شعر لر هابنله  
سؤزلرین یولونو گؤزله ییر.

اؤز کئچمیشین اونودان میللت  
یابانجی لارا قول اولار.

باش ساغلیغی

پیمان وقاری جنابلائی اوزورن

آجی و کدرلی اینگی مناسبتی

ایله سیزه باش ساغلیغی و

تانریدان او مرحومه یه رحمت

دیله ییرم.

امیر چهره گشا

صورت استنباطی به دست آمده. البته در حد ابتدایی به همه موارد در حد توان توضیحاتی را ارائه دادیم. در صحبت‌هایی که شد نگرانی خودمان را در مورد دخالت‌ها کار شکنی‌ها و اینکه احتمالاً ارگانها و یا افراد خاصی در پشت پرده پرونده بخواهند فشارهایی را اعمال نمایند. خوشبختانه قاضی پرونده قول داد که هیچ فشاری نخواهد توانست مسیر پرونده را تغییر دهد و ما هم امید داریم که این پرونده هر چه زودتر به نتیجه قطعی برسد و البته به نتیجه قطعی خوشبین هستیم هر چند بایستی منتظر حوادث بعدی نیز بمانیم در کشور ما همه چیز وابسته و تابع یک سری حوادث غیر قابل پیش بینی است هر لحظه ممکن است رخ بدهد.

خزر - در هر حال از شما متشکر و ممنون هستیم که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید.

حامد - من هم از شما متشکر هستم.

نامه جمعی از روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان آذربایجانی به رئیس جمهور به نام خدا

جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با تقدیم سلام و احترام و عرض تبریک به مناسبت بیست و سومین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی، به استحضار می‌رساند از مدت‌ها پیش بویژه در موقعیت حساس

کنونی که به منظور مقابله با تمهیدات تجاوزگرانه جدی امپریالیزم جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار، بیش از هر زمان دیگری نیاز مبرم به وحدت هرچه بیشتر مردم احساس می‌گردد، متأسفانه با اقدامات تحریک آمیز و نسنجیده برخی از نهادهای استان های ترک نشین کشور عزیزمان ایران، از قبیل تعطیلی بعضی از نشریات محلی، سالن های فرهنگی، آموزشگاه های موسیقی، جلوگیری از تشکیل مراسم ملی، پاکسازی موسسات و فروشگاه ها از اسامی محلی، که جز بهانه لجوجانه رویارویی و اعلان جنگ با ارزشهای فرهنگی اقوام و ملیتهای ایرانی، نمی توان تعبیر و تفسیری به آن نهاد، موجبات نارضایتی شدید و تشتت افکار و اذهان و احساسات مردم را فراهم نموده اند.

از جناب عالی به عنوان مجری قانون و ریاست شورای امنیت ملی کشور خواهشمند است مقرر فرمایند، در چنین موقعیت حساس کشور، هر چه زودتر با جلوگیری از تحریکات و تضيقاتی که موجبات خدشه دار شدن هرچه بیشتر اصالت فرهنگی، احساسات قومی، آزادی قانونی و اسباب تفرقه ملی را فراهم می آورند، اقدامات لازم را مبذول فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه

جمعی از روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان آذربایجانی

# گذری بر افسانه های آذربایجان و مظاهر آن

رامین فرهودی

از گنجینه های ارزشمندی که در دیار آذربایجان - از لحاظ فرهنگی - بسیار به چشم می‌خورد و قابلیت ثبت و نگهداری را دارند افسانه های فولکلور آذربایجان می‌باشند. این افسانه ها سینه به سینه از نسل به نسل دیگر منتقل می‌شوند. حافظه پدران و مادران ما آکنده از چندین یک از این افسانه ها می‌باشند و حاصل برجسته این افسانه ها کتاب افسانه های آذربایجان به روایت مرحوم صمد بهرنگی و بهروز تبریزی است. آنچه که سطح فرهنگ و معلومات یک قوم، ملت و یا قبیله را به نمایش می‌گذارد میزان گرایش آنها به سوی ادبیات می‌باشد و در این بین شعرهای این مردم و علی‌الخصوص افسانه های موجود در بین عامه مردم در شناسایی ارزشها اموری شاخص هستند.

دیار آذربایجان از لحاظ شعر و سبکهای شعری خاص بسیار غنی است، اما توجه به نثر در آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد و افسانه های آذربایجان برای این کار شروع مناسبی می‌توانند باشند و ابتدا می‌توانیم به نقد و تحلیل آثار گذشتگان خود بپردازیم و اقداماتی را در جهت جمع آوری آنها انجام دهیم.

افسانه های هر ملتی در اصل انعکاسی از گذشته ها، راه و رسم زندگی، نحوه معاشرتهای اجتماعی و باورهای مردمی است. در افسانه های آذربایجان نکات بسیار ریز و نهفته ای وجود دارد که نیازمند شناسایی و تأمل هستند. قصد نیز در این مقاله کوتاه شناسایی این نکات می‌باشد. اما قبل از پرداختن به این موضوعها باید ماهیت و کیفیت افسانه های آذربایجان را بشناسیم. در افسانه های آذربایجان آنچه در مرحله اول بیشتر از همه چیز به چشم می‌خورد پیروزی خوبی بر بدی است. افسانه های آذربایجان همگی ختم بر خیر می‌شوند و سرانجامشان پیروی حق بر باطل می‌باشد و دیده نشده است که پلیدها بر راستیها غلبه نمایند و این از جمله مشخصه های عام تمام افسانه های فولکلور جهان است.

ترتیب حوادث در افسانه ها به گونه ای است که با سبکهای داستان نویسی و یا فنون داستان نویسی های امروز هم خوانی دارند و رشته پیوند حوادث با یکدیگر به گونه ای است که برای ما مستدل می‌گردد که افراد خاصی اقدام به ساختن این افسانه ها می‌کرده اند و اینگونه است که مادر یا پدری برای دلخوشی بچه های خود و

برای سرگرم کردن آنان به افسانه سازی بپردازند. افسانه ها همانند داستان دارای مقدمه می‌باشند اما قبل از روایت و ترتیب دادن به حوادث نشان از یک طرح قوی در آنها دیده می‌شود. این مقدمه شامل مقدمه بحران و مطالب توضیحی می‌گردد. راوی در اکثر افسانه ها مقدمه خویش را با یکی بود، یکی نبوده آغاز می‌کند و سپس با استفاده از مقدمه نقلی به ارائه تصویری از محیط و استان (افسانه ها) یا شرح حال پرنساز اصلی می‌پردازد. مانند: یکی بود یکی نبود، پادشاهی بود که سه تا دختر داشت. دخترها بزرگ شده بودند و وقت شوهر کردنشان بود...

البته مقدمه خاص دیگری نیز به چشم می‌خورد و آن اینکه:

اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار چون بئله روایت ایلله ییلر، شاه عباس جغت تکان، ترازوی یه وورد و تکان، ایکی توزیبرگوده کانه. گئنیشدیک باغا، گوزوم بیر گوله دوشدو، سیاه سونبوله دوشدو، دنیا دولار، گردش ووردو بیزیملکی ده بئله دوشدو. بیرنلیکی بیر(پر) نیات، یوخون گلیر باشین توی بات، محمد جمالینه بیر صلوات...

زاویه دید یا حالت روایت افسانه ها در طریقه سوم شخص مفرد (او) است که هیجان خواننده یا شنونده را برای خواندن یا شنیدن بر می‌انگیزد و امروزه نیز اکثر رمانها و داستانهای کوتاه پرفروش و خواندنی دنیا در این حالت نگاشته می‌شوند چون راوی می‌تواند به دقت تمام نکات را برای مردم روایت کند.

در افسانه ها تعداد شخصیتهای اصلی بیش از دو نفر نیست و بقیه به عنوان ابزاری در جهت پیشبرد حوادث یا آکسیون افسانه هستند. تا اینجا کار می‌توان افسانه ها را پدران رمانها و داستانهای کوتاه امروزی دانست. اما از این به بعد آنچه ذکر می‌شود جزو اختصاصات افسانه های آذربایجان است.

افسانه های آذربایجان انعکاسی از اوضاع اجتماعی روز است. دنیایی که در آن افراد پلیدی در قالب لایس رویاضی که مکر و حيله را خوب آشناست به جان مردم نادان می‌افشند و در این بین گرگها و شیرها و شترها قربانی حيله و مکر او هستند و دست از بیزی برای رسیدن به مقصود رویا. انسانهایی که خود یا این مردم سازگاری





ندارند و از مردم کینه بدل دارند و همین کینه‌توزیها و دشمن‌ها چشم عقلشان را کور می‌کند و نابودی را برایشان به ارمغان می‌آورد. شاید این نکته را هم ما بدانیم اما با وجود علم به موضوع از آنها اجتناب نمی‌کنیم و در زندگی روزمره خود این پندها را به فراموشی می‌سپاریم.

در افسانه‌های آذربایجان ظلم پادشاهان و پلیدهای وزیران و وکیلان به چشم می‌خورد و سرانجام این حکومت‌ها بدست افرادی چون کچل که نقطه کوچکی در اجتماع بشری است از بین می‌روند. کسی که اصلاً به فکر نمی‌رسید او توانایی انجام چنین کاری را داشته باشد. اما گاه چهره شاه عوض می‌شود و به عنوان کسی که عدل و داد را در جامعه می‌گسترده نمایان می‌شود و داد مردم را از پیدادگران باز می‌ستاند و وزیر و وکیل خود را که چهره‌ای منفی در افسانه‌های ما هستند را نیز به دلیل همکاری با آنها به سزایی اعمال خود می‌رساند.

در افسانه‌های آذربایجان زنان و دختران نقش محوری دارند. برخلاف افسانه‌های غربی که مردان نقش اصلی را به عهده می‌گیرند. در افسانه‌های آذربایجان مردان در جهت ابراز وجود برای زنان هستند اما هوش و فراست زنان کاری می‌کند که مردان هر بار دست از پا دراز برگردند.

افسانه‌ها از پسران چهره‌ای زحمتکش ارانه می‌دهند و در عین حال با غیرت و با ایمان و از دختران نمودی از

عفت و پاکدامنی، وفادای و جانفشانی. شاهزاده در افسانه‌های آذربایجان منبلی از انسانهایی است که جاه و مقام چشم عقلشان را کور نکرده است و آنان در پی امیزش با مردم طبقه سوم جامعه بر می‌آیند و عاشق دخترانی می‌شوند که حتی یا پدر و مادر دختر نیز از وجود آن بی‌خبرند. شاید این ماجراها، تعبیری از این موضوع باشد که مردم عادی قدر و منزلت واقعی خود را نمی‌دانند و آن گوهر ارزنده خود را نمی‌شناسند که باعث می‌شود فقیر و غنی با هم برابر و برادر باشند و آن انسان بودن است. و تمام این نکات در سه مورد خلاصه شده است، افسانه‌های حماسی، عاشقانه و تعلیمی.

باید دانست که در سیره پیشبرد افسانه‌های آذربایجان شخصیت اصلی افسانه همیشه دچار مشکل می‌شود و همه به محض شنیدن افسانه می‌دانند که بالاخره او موفق خواهد شد ولی آنچه آنها را به شنیدن او می‌دارد حوادث خارق‌العاده‌ای است که در متن افسانه است.

اصولاً افسانه‌های ما دارای موجود است عجیب و غریب هستند. روباه و گرگی که با آدمها سخن می‌گویند یا دیو و پری‌ای که عاشق آدمها می‌شوند. حتی گاه دیده می‌شود که سرنوشت نیز در چهره انسان ظاهر می‌شود و به گفتگو با او می‌پردازد. در بعضی جاها نیز دیده می‌شود که انسانهای زیبا چه دختر و چه پسر جلدهای مخصوص به خود را دارند یعنی گاه در لباس یک پرنده و گاه در لباس یک بز در میان آدمها زندگی می‌کنند بی‌آنکه کسی از وجود آنها اطلاع داشته باشد. این قسمت از افسانه‌ها شاید نظر به این دارد که انسان واقعی را به او بشناسند یعنی اینکه انسان اشرف مخلوقات است اما چون قدر و منزلت خود را نمی‌داند تبدیل به یک اژدها حیوان می‌شود و یا اینکه ظاهر انسان‌ها را ملاک خود در زندگی اجتماعی قرار ندهیم و به آن درون مایه واقعی‌اش توجه نماییم همانگونه که در افسانه‌ها شاهزاده چنین کاری می‌کند. در افسانه‌های فولکلور ما پیروزی حق بر باطل جز در سایه سعی و تلاش میسر نمی‌شود. در این افسانه‌ها قدرت ایمان بر قدرت شیطان غالب است و حتی در جاها بیکه انسان‌ها در مشکلات مسایل اخلاقی بسیار چشمگیراند و کمتر افسانه‌ای را می‌توان یافت که به آموزه‌های اخلاقی بپردازد. اینکه دختران برای جلوگیری از دست رفتن عفت و آبروی خود ترک خانه و کاشانه می‌کنند و دل صحرا می‌زنند و قبول زحمت می‌کنند تا آبرومند زندگی کنند و با آبرو از دنیا بروند و یا اینکه پسری عاشق به نمایش گذاشته می‌شود که به خاطر معشوق خود رنجها را متحمل می‌گردد و این افسانه‌ها تأکیدی بر این هستند که زندگی نباید از روی هوی و هوس باشد بلکه باید عاشقانه زیست.

در افسانه‌های آذربایجان از جمله مکانهایی که روایت در آن واقع می‌شود باغ است. اما اشخاص وارد شونده در باغ ابتدا دچار مشکل می‌شوند و بعد به نعمت‌های

اردی  
صفحه ۲۰

کلیه سیاستگذارها شخصا انجام می‌گیرد و تنها در اجرا دیگر دوستان کمک می‌کنند و در اعمال سیاستها هیچ ارگان و یا افراد خاصی نقشی ایفا نمی‌کنند این تفکرات متعلق به خومان است و مراحلسی است که خودمان رسیده ایم.

البته مطالب و مراحلی نیز در نشریه طی شده که بنده شخصاً با آن موافق نبوده ام ولی با توجه به اینکه در جامعه به آن احساس نیاز شده است و در صورت عدم درج آن شبیه ایجاد خواهد شد به چاپ و انتشار این افکار اقدام کرده ایم.

خز- در آخرین شماره خواندیم « تا سلامی دیگر خدا حافظ » زمان سلام دیگر کسی فرا خواهد رسید ؟

حامد - دقیقاً نمی‌توان گفت کسی منتشر خواهد شد چه بسا همین فردا منتشر شود و یا خدا می‌داند. مشکلاتی داریم که در پی رفع آن هستیم. اگر بتوانیم این مشکلات را حل کنیم حتماً اقدام به انتشار دوباره آن خواهیم کرد. شمس تبریز از ابتدا قابل پیش بینی نبود و البته آن هم وابسته به سیاستهای خاصی بود که در نشریه اعمال می‌گردید.

از اولین شماره نیز امیدوار نبودیم که بتوانیم شماره بعدی را نیز انتشار دهیم یاخیر. البته در این زمینه علاوه بر مشکلات حاد مالی مشکلات کاری نیز وجود داشت و اینها همه باعث می‌شد که دیگر به انتشار شماره بعدی امیدوار نباشیم نهایتاً تلاش ما بر انتشار آن

است چون احساس می‌شود در صورت عدم انتشار این نشریه خلاء به وجود آمده در جامعه پر نشود خلاء تفکری، خلاء تنوریک و اگر این خلاء به صورت قانونی پر نشود خطر ناک خواهد بود و به این دلیل است که ما ادعا می‌کنیم بر خلاف نظر بعضی‌ها بیشتر و بهتر از دیگران به این کشور و ملت خدمت کرده ایم و دوباره تلاش خواهیم کرد با انتشار مجدد نشریه نظریات و افکار و آرا خود را در چهار چوب قانون ارائه نماییم.

در همان چهار چوب قبلی هر چند چهار چوبهای مدون و نوشته شده ای در این مورد در دست نیست ولی سعی خواهد شود بدون عدول از تفکرات قبلی فقط دور از جنجال آفرینی و با دوری از مسائلی که بعضی هالاز ان خوششان نمی‌آید تلاش در ایجاد بستری مناسب برای فعالیتهای قانونی نماییم.

خز - در مورد اتهاماتی که مدعی العموم ابراز داشته اند چه اقداماتی انجام گرفته در این مورد نیز توضیحاتی را ارائه فرمایید ؟

حامد - این اتهامات در دیدگاه ابتدایی نیز مشخص بود که به صورت ناشیانه تنظیم شده ولی خوشبختانه در دادگاه فقط در پنج مورد به ما تفهیم اتهام شده بود. و البته بعضی از بندها هم جمع بندی موارد بودند.

در این مورد در دادگاه صحبت شده بحث هایی به میان آمد. اکثر بندها مربوط به تفاسیری بود که از مقالات شده بود به نظر می‌رسید همه موارد در حدی بود که به

برایتان ترسیم می شود وابستگی دارید نظرتان در این مورد چیست؟

حامد - ما خوشبختانه هیچ گونه فعالیتی چه تشکیلاتی و چه رسمی و چه غیر رسمی و هیچ ارتباطی با هیچ ارگانی رسمی و غیر رسمی نداریم. یعنی ما مستقل کار کرده ایم نه در این سوی مرزها وابستگی فکری به تشکیلاتی قانونی چه دوم خردادی و غیر خردادی و راستی و چپی داشته ایم و نه در آن سوی مرزها.

تنها ارتباط ما با آن سوی مرزها ارتباطات تلفنی است که خوانندگان علاقمند به مسائل آذربایجان تماس می گیرند و به عنوان خواننده یا تشکر یا انتقاد می کنند و مطمعنادر پشت پرده کسی در خط دهی به ما نقشی ندارد.

خزر - پس مسائل مالی نشریه از چه طریقی تامین می گردد حتماً انتشار نشریه کار سهلی نیست با توجه به اینکه نشریه شمس تبریز نشریه ای نیست که از طریق آگهی تغذیه شود؟

حامد - من به جرات می توانم بگویم که کسی نمی تواند چه در داخل کشور و چه در خارج کشور بگوید که من مثلاً فلان مبلغ را جهت کمک به نشریه شمس تبریز داده ام. تمامی هزینه های ارسال هفته نامه به خارج کشور هم از خود افراد گرفته شده به عنوان پول آبرومان. تنها کمک مالی به ما از اداره ارشاد تهران بوده اداره ارشاد استان نیز هیچ

کمکی چه مالی و چه غیر مالی به ما نکرده است که هیچ کمکهای معنویشان را هم از ما دریغ نموده اند و از ندادن آگهی به عنوان اهرم فشار بر ما استفاده کرده است. ما فقط توانسته ایم از سهمیه های قانونی دولتی که البته آنهم به مقدار کم بوده استفاده نماییم بقیه سرمایه گذاری ها توسط شخص بنده انجام گرفته و علاوه بر آنکه خیلی از هزینه ها را خودمان تامین کرده ایم که نیازی به گفته شدن ندارد. در حال حاضر حدود ۱۰ میلیون تومان نشریه بدهکار می باشد. و هیچ نهادی رسمی و غیر رسمی کمکی در این مورد به ما نکرده است.

خزر - حتی در سوند هم کمکهایی به شما نشده است؟

حامد - هیچ کس هیچ گونه کمکی نکرده است. البته پیشنهاداتی شد که با مخالفت من روبرو شدند. من معتقد بودم خودمان سازمانی که می توانیم باید اقدام به چاپ نشریه نماییم.

خزر - آیا روزنامه دارای هیات تحریریه خاصی می باشد و آیا در صورت وجود هیات تحریریه آیا خط دهی نشریه توسط این هیات انجام می پذیرد یا شما خودتان مستقلاً در تصمیم گیریها دخیل هستید؟

حامد - متأسفانه نشریه دارای هیات تحریریه مدون و خاصی نیست و آنچه که هست گروهی از افرادی هستند که به مسائل آذربایجان حساس و علاقمند می باشند.

# اخلاق صوفی در اشعار مسکین قلیچ

مراحل تصوف و خلیقات صوفیان را برشمارد و پردهاز منکرات صوفی نماهای دوران خویش بردارد.

ملا مسکین قلیچ در اشعار خود تصویری از تصوف و عرفان ارائه می دهد که در آن عرفان پلکانی است که بی طی یکی به دیگری نتوان رسید و این طی طریق را باید که استادی دقیق و شعیق راهنمای باشد.

پیرسبز گیرمه بویولا ای عاشق یار ایسته سنگ  
شیطان بولونگ غارت اندیب گوهر ایمانینگ کویر

ترجمه  
ای عاشق اگر بار خواهی در اس راه بی برهاس  
چون سلطان قرب رده گوهر امانت را خواهد سوراند  
صوفی بولغان صوفیقدا بریدی دانا گرک

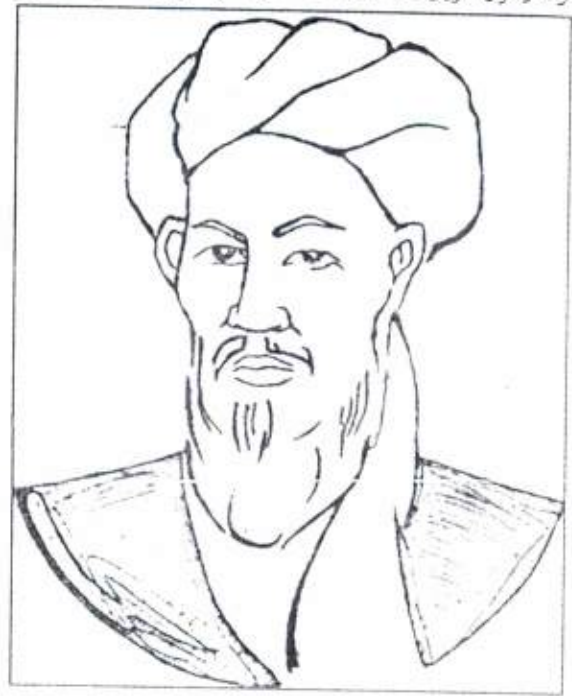
رهنمای پیر کامل صاحب تقوا گرک  
دنیا دان بیزار بولوب کوتکوننده پیر الله گرک  
هر سحر لره دییب عرف بالله گرک

این شاعر صوفی مسلک ما در باب خدمت به پیرو استاد چنین می سراید:

یلان صوفی پیر خدمتین ائتمه دیک  
دوزخدا باغلانان خردیر یارانلار

ترجمه:  
اگر صوفی خدمت بر نماید تصوف او دروغ است  
و بستنی است و جایگاهش دوزخ خواهد بود.

و مریدی هر پیر و استاد را باید دلی که قابلیت دریافت انوار حق را داشته باشد تا در مرحله ای از عشق و عرفان با تجلی هر نور و دریافت هر حکمتی الهی به منیت و غرور نیافتد. اصلاً تصوف در هیچ مرحله ای جای غرور و لاف زدن ندارد چون رهرو طریق در نهایت به اصل خود می رسد و تازه می



شود "انسان کامل" و آنچه که باید باشد.

صوفی سن، صوفی من دییب صوفی لینا اورما لاف  
صوفی بولانگ صاف بولتون، قیل اول سینانگی صاف

و در جایی دیگر در باب صوفی نماها می سراید:

صوفی دییب لاف اورارلار صوفیانه ایشی یوق  
گنجه لر طاعت چکیپ یغلاب گوزونده باشی یوق

پس اصل اول و اساسی در وادی عرفان شناخت خود است.  
به قول سنایی غزنوی شاعر فارسی سرا:  
ای شده از شناخت خود عاجز  
کی شناسی خدای را، هر گز  
چون تو در علم خود زبون باشی  
عارف کردگار چون باشی؟!!

انسان همین که دریابد از چه آفریده شده، چه توانایی هایی دارد و عاقبت جسم او چیست؟ در می یابد که همه هیچ در هیچ است. پس همان بهتر که در این ذره کوچک خیال تصاحب دمیای بزرگ را از سر بیرون آرند و دل پاک دارند و طلب نور از ذات حق نماید طبق ضرب المثل ترکمنی:

**اوزون بیللیب آشاق توتغان ولیدیر**

**پست توتغون اوزونگی گیتمه خیاله**

**تکبرلی آدم یتمز کماله**

و در شعر دیگری می آورد:

**آدم اوغلی، آنکلاغین بیلسنگ سنسنگ اصلینگ تراب**

**یورینگین سن المدام پس بولوب اصلینگ قاراپ**

**دانما شام و سحر لر حقینگ ذکرین یاد ایلاب**

**حمدین آیدیب خالقینگ ایچکین محبتدان شراب**

**شاید بولغای کی سینگ آخرتین آباد هی**

توکل به خالق یکتا نیز مرحله مهم در سلوک راه حقیقت است.

این که بدانیم انسان ها خود سرگشتگانند و گدایان.

**توکل آت حقه تابشیر اوزونگی**

**توکل اتمکدن یاغشی راز بولماز**

پس داد خود را باید به سلطان کل عالم رساند که اختیار عالم و آدم به دست اوست.

**سال گونی یولا منی بار اختیاریم سنده دیر**

**اختیاریم برمه گین اول لعنتی شیطانا هو**

**بیر گدا من عرض ایدر یوقدور یوزوم**

**ایلارم عرضیمی سن دک فضلی کوپ سلطانا هو**

بنابراین اگر تصوف به پشمینه پوشی است و آن اثر زهد و ترک دنیاست، چگونه می شود آدم نام صوفی بر خود گیرد و

دل در گرو دنیای مادی نهد و به زر و زیور تن خویش را

بیاراید و به غرور و تکبر، دل خویش را؟!!

آنچه از کلام شیوای مسکین قیلچ بر می آید صوفی باید اول

خود را بشناسد، غرور خویش را بشکند، از دنیای مادی چشم

پوشد و بر خالق یکتا توکل نماید و به راه خجسته خود ایمان

بدارد که ایمان چراغ فروزان ابدی است.

**هر کیمده بار بولسا ایمان چراغی**

**حسابی آساندیر بولماز سوراغی**

**یاشیل تاج باشیندا مونو براغی**

**سیران ایدر عیش و عشرت اوندای بار**

### روایت برشی از حیات مسکین قیلچ

در سالیانی نه چندان دور، ملا مسکین قیلچ، شاعر نامدار ترکمن و از مردم ترکمنستان را سوار بر الاغی در اطراف

روستای هیوه چی (در نزدیکی گنبدکاووس) دیده اند، او در برهه ای از زمان بر این روستا گذر داشته است تا اینکه به شخصی به نام پللی هیوه چی برخورد، ملا در این فرصت از او پرسید: آیا در همین منطقه دوستی است که بنده مسکین را به مهمانی پذیرد؟

وی جواب داد: اولاً که دوست دارم مهمان کلبه من باشید و گرنه می توانید بر منزل مرد بزرگ و خیر منطقه حسین خان فوجوق (سوپن خان) میهمان شوید.

ملا مسکین قیلچ پس از طی مسافتی به منزل حسین خان فوجوق رسید. از قضا در لحظات ورود وی به آن روستا کسوفی رخ داد! حسین خان گفت: ای شاعر غریبه در این حال و اوضاع غیر منتظره سماوی، ملزم هستی درباره این پدیده الهی شعری بسرای، بدان که در غیر این صورت از این منطقه رانده خواهی شد.

ملا مسکین در آن هنگام این شعر را سرود:

ایام اوزونگ آسان انت

عالمی آلاز کفار

قیز انانی گوزلمر

اوغول آت بولار دشوار

یارنلر قیامتدن بی شک نشانه گلدی ...

این شعر کاملاً به مذاق و دل خان نشست. او را به گرمی به نزد خود نشانند ملا مسکین قیلچ بعد از مدتی توقف در منطقه حسین خان فوجوق به منطقه گوگلان نشین سفر کرد. سرانجام به خانه یکی از خوانین مهمان شد. اما مردم به زودی شایعه پراکنی کردند که میهمان تازه وارد ساحر و جادو گر است. به این مناسبت تعدادی از اهالی نزد قیلچ ایشان از عرفا و بزرگان مراجعه کردند و در پیشگاه او به ناحق در باب مسکین لب به تمامی و سخن چینی پرداختند و حتی پا فراتر گذاشته شاعر را تکفیر کردند.

ناگفته نماند، قیلچ ایشان از زمره پیران و مورد احترام مردم بود. طوری که درباره او گفته اند: علا الدوله یکی از امرای شاهان قاجاریه از اصفهان به دیدارش آمده، او را ستایش نموده است. به هر حال عارف وقتی که از زبان مردم خیر نامیوم را شنید، بسیار غمزده و ناراحت شد. به خان دستور داد که هر زودتر مسکین را از خانه و منطقه براند.

خان که طبعاً مخلص قیلچ ایشان بود، از دستورات وی سر باز نزد و مسکین قیلچ بدین ترتیب راه خروج را در پیش گرفت. و در آن اوضاع پیش آمده گفت: حالا که فرار شده است از منطقه شما بروم خوب است قبل از رفتن و ترک گفتن این محل، رقععه ای به قیلچ ایشان مرقوم نمایم.

این رقععه (نامه) قبل از دور شدن مسکین قیلچ به دست قیلچ ایشان رسید. او بی درنگ مفاهیم بر محتوای آن نوشته را دریافت کرد. لذا از عمل خویش بسیار پشیمان گشت. دستور داد تا شاعر را باز گردانند و از وی بسیار دلجویی کردند.

چرکز خوجعلی پیر مرد ۸۵ ساله از زبان پدر خود قربان صوفی که حدود ۵۰ سال پیش در سن ۸۵ سالگی به درود

کشور هستیم معتقدیم که بیشترین و

بزرگترین خدمت را به منطقه و کشور نموده

ایم، چرا که موجب حرکت منطقی فعالیتهای

مربوط به آذربایجان

(البته نه تمامی آن بلکه قسمتی از آن) شده

ایم. حرکت ما فرم مدنی به صورت گفتیمان

سعی شد مردم حس کنند نشریه ای هست

که حرف آنها را بیان می کند و در نتیجه

مجبور نیستند راههای غیر قانونی خاص مثل

نشریات و فعالیتهای زیرزمینینشاه ببرند. در

نشریه سعی ما بر این بود تا تمام موارد و

تمامی انگیزه ها و اهداف را در چهارچوب

قانون پیاده کرده و در عین حال نیز حرف

مردم را بگوییم و نهایتاً خطوط قرمز موجود

در منطقه آذربایجان را با این نحوه و شیوه

کار تا حدودی ارتقا دهیم. و هزینه ایهم که

می پردازیم دقیقاً همان هزینه ارتقاء سطح

خطوط قرمز موجود است

خزر - دلیل اصلی اینکه مقالات مختلف در

نشریه شما درج میشد چه بو تا حدی که گاه

افکاری دقیقاً مخالف هم حتی مخالف

آذربایجان در نشریه به چاپ می رسید.

دلیل اصلی آن از موثقت بودن ما پلورالیسم

فرهنگی نشعت می گیرد.

ما موثقت هستیم تمامی عقاید بایستی اجازه

مطح شدن داشته باشند. حالا کاری نداریم

که دیگر نشریات آیا این کار را می کنند یا

نمی کنند و چرا؟

اولاً هدف ما در نشریه این بود که با تمامی

قومیتها اعم از نژادی و مذهبی و با تمامی

انسانهایی که هستند و د این کشور زندگی

می کنند ارتباط برقرار نماییم و به نظرم در

این راه موفق هم شده بودیم و ارتباطات

خوبی هم برقرار نموده بودیم.

چه با فارسها و عربها و کردها، و چه ارمنی

ها و غیره! ما باهمه ارتباط داشتیم و

نظراتشان را می نوشتیم. دواماً معتقدیم که

نظرات دشمن و یا کسی که مخالف ماست

همگی اشتباه و خطا و مغرضانه نیست و

سهمی از حقیقت هم متعلق به طرف مقابل

و یا نظر مخالف ماست. یعنی ما به گونه ای

هم نیستیم که خودمان را در همه چیز محقق

بدانیم یعنی اگر غیر از این باشد و در همه

چیز خودمان را محقق بدانیم در آغاز راه

احتیاط فرار گرفته ایم.

باید به اشتباهاتمان پی ببریم و ضعفهایمان را

شناسایی کنیم در عین حالی که نقاط قوت

خودمان را نیز بزرگ نمی کنیم. این نقاط

ضعف را شاید دیگران بهتر از خودمان

بتوانند به ما بگویند. در نتیجه آمدیم و

تمامی اندیشه های متعلق به مسائل

آذربایجان را مطرح ساختیم و به جامعه

تزیق نمودیم تا اینکه مردم خودشان در

مورد درستی اندیشه ها قضاوت نمایند.

خزر - گفته می شود شما به افکاری که

پشت مرزها و خطوطی که پشت مرزها

بود حساسیتها فقط بر روی مسائل ملی آذربایجان می باشد و گزارشاتی که شده بود و از اکثر نهادها و ارگانها چه در تهران و چه در تبریز به مراکز خاصی ارائه گردیده بود حتی توسط ارگانهایی و مراگزی که وظیفه آنها رسیدگی به مسائل مطبوعاتی نیست، هم گزارشاتی بود که صرفاً در این زمینه نوشته شده است.

نحوه تهیه این گزارشات سبب می شود که ذهن مسئولان در این مورد مشوش شده و این تشویش در تصمیم گیریهای آنها نیز تاثیر داشته و دارد.

خزر - ما گاهاً با تیرهای جنجالی در نشریه روبرو می شویم. دلیل اصلی انتخاب چنین تیرهایی چه بوده آیا دلیل به خصوصی داشته یا فقط با موضوعیت مقالات انتخاب می شد ؟

حامد - دلیل بخصوصی نمی توان برای آن ذکر کرد بعضی تیرها بر حسب موضوع انتخاب می شد ما خودمان با تیر سازی مخالفیم و معتقدیم تیر هیچ وقت سبب فروش نشریه نخواهد شد. ولی این مسائل دلیلی برای عدم استفاده از تیر در نشریه نیست انتشار نشریه شگردهای بسیار زیادی دارد که استفاده از تیر استفاده از عکس و صفحه بندیهای خاصی از این جمله اند. ما نیز برخی اوقات برای هر چه بیشتر جلوه گر شدن روزنامه از تیرهای خاص یا از عکس های خاص استفاده می نماییم. ولی این تیرها،

از نوع جنجالی آن نبودند و ما از خودمان این موضوعات را انتخاب یا ارائه می دادیم. بلکه تمامی آنها از داخل مطالب و مقالات انتخاب می شدند. سعیمان بر این بود از داخل مطالب، موضوعاتی که بیشتر مسائل آذربایجان را مطرح می کردند آن را انتخاب نماییم. تیرهایی که بیانگر مسائل آذربایجان بودند برایمان مهم بود.

خزر - دلیل اینکه سعی در ارائه مسائل ملی داشتید و دارید چیست بر حسب کدام حسن دنبال اینکار بودید و هستید؟

حامد - نشریه ای که منتشر می گردد تعلقش به فردی خاص ندارد و خواهی و نخواهی حقی و وظیفه ای تاریخی بر گردن افراد می گذارد که بایستی به هر نحو ممکن از عهده آن بر آمد و آن را ادعا نمود. ما نیز از ابتدا بر آن بودیم که نشریه ای مخصوص در مورد مسائل ملی آذربایجان منتشر نماییم که بتواند حرفها و دردهای آنها بازگو نماید. پس از بررسی هایی متوجه شدیم مسائل ملی و فرهنگی و سیاسی آذربایجان مسائل خطرناکی هستند که هر آن ممکن است انگیزه به فعالین این مسائل زده شود کسی توجهی و اهمیتی به آن نمی دهد و در این رابطه فعالیتی انجام نمی پذیرد بنابراین تصمیم گرفتیم برای گفته شدن این مسائل و بازتیر شدن ذهنیت ها مسئولین در این چهارچوب و زمینه شروع به فعالیت نماییم. و بر خلاف عده ای که می گویند ما محل امنیت ملی و

اخلاق صوفی ...

حیات گفته است، می گویند پدر خدا بیامرزم در سن ۳۰ سالگی مرید برحق قیلج ایشان بوده است. عوض بردی ایشان، قیلج ایشان در یک زمان با یکدیگر مصاحبت داشته اند، به اکتفای این روایت قربان صوفی در سن ۳۰ سالگی ملا مسکین قیلج را نزد استاد خویش دیده است.  
بنابر این حضرت ملا مسکین قیلج تقریباً ۱۰۰ سال پیش کمی قبل از انقلاب اکبر روسیه و همزمان با دوران زندگی این دو عارف معروف به منطقه گوکلان نشین کلالة آمده است.  
و نیز روایات و احتمالات قوی در اواخر عمرش گوشه هایی از انقلاب اکبر ۱۹۱۷ را هم دیده است.

بسی شمار آن دست می یابند. می توان گفت باغ در افسانه های ما دارای دو وجه است. نخست اینکه باغ همان دنیای ماست که رنج و محنت در آن بسیار است ولی با سعی و تلاش به سعادت و خوشبختی آن دست پیدا می کنیم. دوم اینکه باغ همان بهشتی است که در راه رسیدن به آن باید رنجها کشید و آزمایشات الهی را با موفقیت پشت سر گذاشت.

چهره های نیر در افسانه های آذربایجان وجود دارد که می توان گفت جزو چهره های جهان محسوب می شوند. همند پیرزن خمرو سواری که هم خانواده جادوگر پیر جارو سوار است در ادبیات غرب. یا افسانه فاطمه خانم که مصداق افسانه سیندرلا می باشد. افسانه هایی هم وجود دارند که میان اقوام ایرانی مشترک هستند مثل افسانه نخودی.

به هر حال آنچه که در این مطالعه کوتاه بیشتر به چشم می خورد این است که افسانه های آذربایجان زائیده تفکر و اندیشه قوی کسانی است که آنها را ساخته اند و حکایت از پشوانه ای قوی برای ادبیات آذربایجان است.

- ۱- ورزشین تورکجه سی - بوخ فارس دیلینده
- ۲- ماراقلی
- ۳- دوداق - دینزده اولار
- ۴- سونسوز هره - شوهرین
- تورکجه سی - سونسوز های
- ۵- بیر آی آدیدیر
- ۶- اوندان قاباق عدد اولماسا قیمت سیزدیر - اوشاغین ایستکلیسی
- ۷- ندا حرفی بیلینک
- ۸- دویادان گدشیر آیریلیمی - مرادام چکر

# بولماجا

				۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		@									
@			@								
								@			
		@		@		@		@	@		
			@								
								@			
@			@								

- ۱- تورکجه خانواده - دوز
- ۲- لیریکا شعرده چوخ ایشله نر
- ۳- فارسجا بیر - موسیقی آلتی
- ۴- محاربه ده بیرى تسلیم اولاندا اونو گویه قالدیرار و نشان ونرر
- ۵- شام بوخ
- ۶- تاپیلمايان قیمتلی جواهرلردندیر - کیچیک
- ۷- سوروشماق غلامتی - باریمچیق ناهار
- ۸- منشه ده اولان گوجلو و هیکللی بیر

علی حامد ایمان مدیر مسئول هفته نامه شمس تبریز:

عدم انتشار نشریه راهی نبود که خودمان انتخاب نماییم.

آن روز جهت مصاحبه به دفتر نشریه رفتم مثل همیشه شلوغ بود ولی این همه‌مه مثل اینکه جدی به نظر می رسید. وجود بسیاری از همکاران قدیمی خبر از انتشار دوباره می داد. کسی چه می داند شای تا زمانی که این محاصبه را می خوانید «شمس تبریز» دوباره درخشیده باشد.

«شمس تبریز» جزو یکی از نشریاتی است که در سالهای اخیر با اقبال عمومی روبرو شد ظاهراً با توجه به اینکه این نشریه توسط بخش خصوصی و بدون حمایت مالی دولتی و خصوصی به چاپ می رسید توانسته است با تیراژی بالا، مخاطبینی از سطوح مختلف جامعه مخصوصاً قشر های روشنفکر را به صورت نسبی جلب کند. با توجه به اینکه برخی از نشریات استانی به نوعی ابزار در آمد زایی برای ناشرین آن شده و برخی دیگر که با بودجه های دولتی منتشر می شوند تبدیل به تریبون نهادهایی خاص شده. در نتیجه ابزار ارتزاق مسئولین آن گردیده. برخورداری از چنین محبوبیتی دارای ارزشی است. هفته نامه شمس تبریز هر چند کاستی هایی مثل عدم روشن و صریح بودن مواضع در برخی از موارد را داراست با اینحال

توانسته به نوعی قشر خاصی از جامعه باشد که در مسیر مسائل آذربایجان حساسیتهایی دارند.

از سال ۷۶ با مدیریت علی حامد منتشر می شود. حامد قبلاً نیز تجربه کاری این نشریه در نشریاتی مثل «نشر آزادی» و «احرار» را دارا بوده و اهالی مطبوعات با قلم وی در برخی نشریات آشنایی قبلی دارند. وی متولد ۱۳۴۶ تبریز و دارای لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تبریز می باشد «شمس تبریز» پس از ۱۲۵ شماره انتشار تا اطلاع ثانوی با مخاطبین خود خداحافظی کرد هر چند با مراجعه به مدیریت نشریه پاسخی صریح و دقیق در مورد چگونگی و زمان انتشار مجدد هفته نامه نشنیدیم ولی در سایر زمینه ها سعی شده سنولاتی بی پرده و صریح از وی پرسیده شود و در نشستی صمیمانه و دوستانه پاسخهایی که داده شده بدون کم و کاست ارائه می شود.

خزر - به عنوان اولین سوال از دلایل تعطیلی هفته نامه بگویید؟

حامد - روند تعطیلی روزنامه بدین گونه بود که از دو سال قبل یعنی زمانی که ما شروع به مطرح کردن مسائل آذربایجان نمودیم فشارهایی به صورت کتبی و به صورت شفاهی مدام توسط اشخاص و یا ارگانهای مختلف بر ما وارد می شد مخصوصاً در سالهای قبل یعنی از اسفند ۷۸ این فشارها

بیشتر شد. به دفعات به تهران دعوت شدیم تا به سئوالاتی چند پاسخ دهیم. در هر مورد رفتن به تهران در مورد مسائلی که از نظر آنها برای امنیت ملی و کشور خطر ناک بود صحبتها و بحث هایی به میان می آمد و ما نیز در پاسخ به آنها می گفتیم که سعی می کنیم تا نظرات شما را در این مورد به کار بیندیم. البته در مواردی نیز نظرات آنها را به کار می بستیم تا از به وجود آمدن تنش در جامعه جلوگیری شود ولی در عین حال تلاش بر این بود که از چهار چوب فکری مان نیز عدول نماییم و در این چهارچوب فعالیت می نمودیم، البته عدم تحریک جامعه و نیز عدم تشنج آفرینی نیز مد نظر بود. این روند ادامه داشت تا اینکه سری آخر که به تهران رفتیم همین مسائل مطرح شد منتها اینبار با شدت بیشتر.

پس از این بحثها متوجه شدیم که دیگر این روند قابل ادامه نیست علاوه بر اینکه مشکلات شکایت مدعی العموم نیز بعدها به میان آمد از نظر مسئولان این روند نیایستی ادامه می یافت و آنگونه که صحبت شد به ما گفتند که بایستی خط مشی و مسیر کلی نشریه تغییر یابد.

ما نیز تصمیم گرفتیم تا زمانی که به خط مشی خاصی که مد نظر آت می باشد نرسیده ایم و نیز در نتیجه توافقی که به میان آمد قرار شد نشریه دیگر منتشر نشود. قابل ذکر اینکه این راه

(عدم انتشار نشریه) راهی نبود که خودمان انتخاب کردیم بلکه راهی بود که در مقابل ما گذاشته شد و ما را مجبور به تعطیل کردن نشریه نمود و واقعا نمی دانیم که اگر دوباره اعلام نماییم که نشریه دوباره منتشر خواهد شد چه اتفاقی خواهد افتاد.

خزر - گفته می شود که این تعطیلی با رفتن شما به سوئد ارتباط دارد تا چه حد این موضوع تاثیر داشته است؟

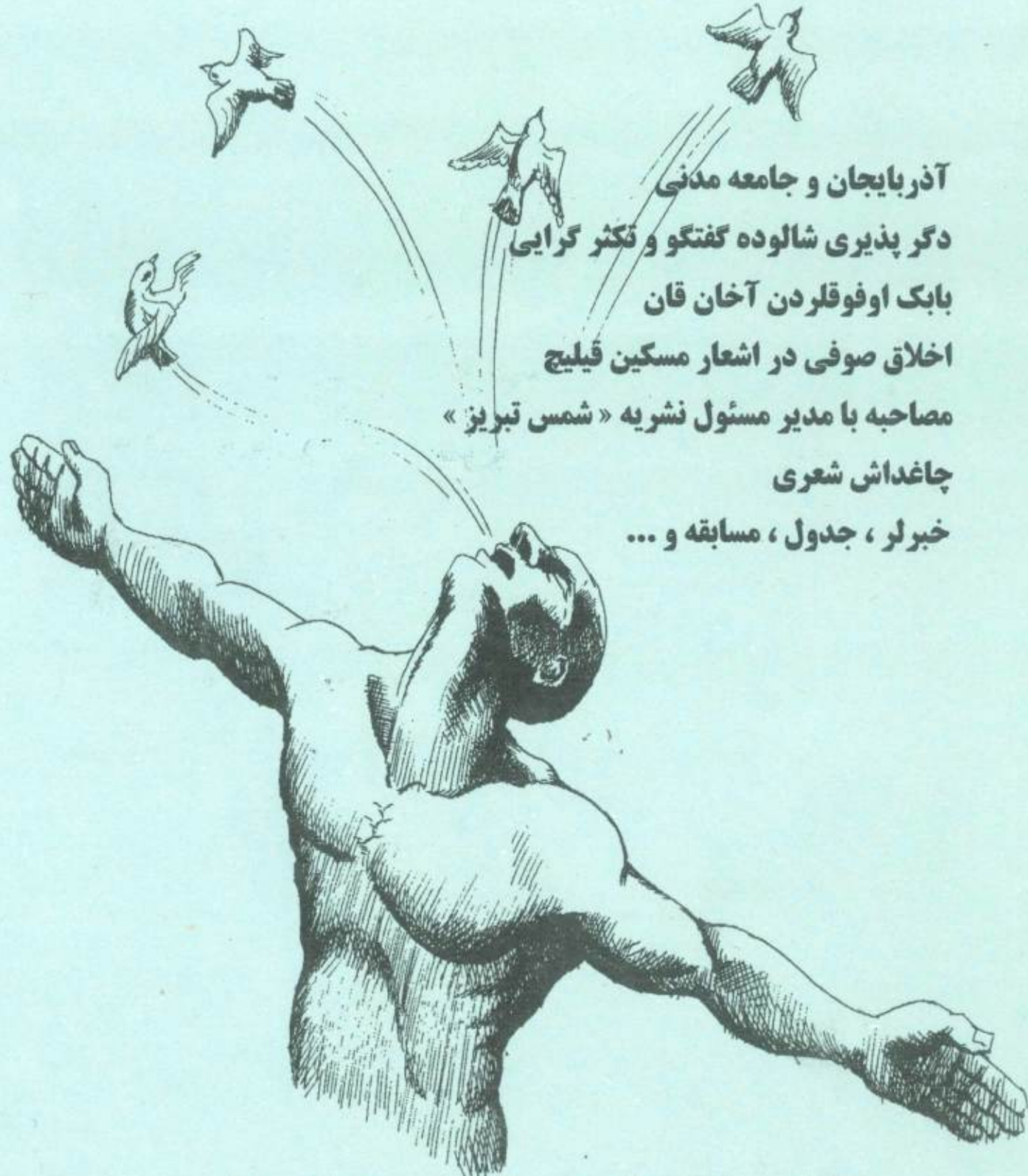
حامد - اصلاً هیچگونه ارتباطی نداشت ما قبلاً نیز با چنین مسائلی روبرو بودیم و قبلاً نیز مطرح بوده حتی قبل از سفر من به سوئد در تهران در تهران به من گفته شد برای جلوگیری از مشکلات احتمالی به آنجا نروم و خوشبختانه رفتم و بعد از برگشتن هم هیچگونه مشکلی پیش نیامد.

ولی قبل از این سفر نیز ما فشارهایی را تحمل کردیم و مواردی این چنینی داشته ایم.

خزر - فشارهایی که به شما وارد می شد آیا در زمینه مطرح شدن مسائل و مشکلات ملی بود یا اینکه به دلیل عدم مشخص بودن خط مشی نشریه بود؟

حامد - در عین حالی که به نظر می رسد ما خط مشخصی را دنبال نمی کنیم کاملاً دارای خط بخصوص و منطقی هستیم فعالیت ما در چهارچوب آذربایجان بوده و هست. ما در این چهارچوب کار کرده ایم و تلاش نموده ایم. بحث آنها هم اکثراً روی همین بحث

آذربایجان تربیت معلم بیللی یوردونون اؤیرنجی درگیسی . سایب ۳-۲ . قیش ۱۳۸۰



آراسیرالیق - ادبی - تاریخی - کولتوره ل

# XƏZƏR

TƏRBİYƏT MƏƏLİM AZƏRBAYCAN BİLİYURDUNUN

ÖYRƏNCİ DƏRGİSİ . SAY . 2 . 3

طالعیمة سن باخ !

دوشونجه لریم یاساق

دویغولاریم یاساق

کچشیمدن سوز آچماغیم یاساق

گله جیگمدن دانیشماغیم یاساق

آتا - بابامین آدین چکمه گیم یاساق

آنامدان آد آپارماغیم یاساق ...

... بیلیرسن ؟

آنادان دوغولاندا بئله

ئوزوم بیلمیه - بیلمیه

دیل آچیب دانیشدیغیم دیلده

دانیشماغیم دا یاساق ایمیش ، یاساق !

ب.ق.سهند

مسابقه

خزر به ۳ نفر از عزیزانی که تا آخر فروردین ماه ۱۳۸۱ ترجمه متن زیر را به آدرس نشریه بفرستند هدایایی را تقدیم می دارد ( ترجمه فارسی یا ترکی آذربایجانی )

Liberty

Roll away the dawn, and let me see,  
The land of the free,  
Has anything changed at all;

Sweet liberty,  
Sweet liberty is in our hands  
It's part of the plan,  
Or is it a state of mind?

Horses and men,  
Horses and men are on the field,  
They didn't yield,  
Many have fallen here;

Never forget,  
Never forget what they have done,  
The time will come,  
When it will change again,  
Never forget!

- اسامی برندگان شماره ۱ خزر:  
۱- علی دبیبایی (تبریز)  
۲- سمیه پیروی (عجب شیر)  
۳- مهدی اسلامی خطیبی (تربیز)  
۴- حمیدرضا ممقانی (عجب شیر)  
۵- داریوش عند لیبیان (قوشاچای)

آذربایجان  
کوکونده کؤک آتدیم سنده  
یاراندیم  
ایناخدیم سن منیم شاه جوداغیم  
سان  
ایستیره م یئنه ده سنده دیرچلم  
جسمیمه جان وئره ن شن  
بویاغیمسان  
قارتالی قایالار آرخا ائلیمه  
آدین دا بزه ک دیر یاساق دلیمه  
عدالت قیلینجین باغلا بئلیمه  
یولوما نور ساچان شاه  
چیراغیمسان  
«آخایوردوم آذربایجان»  
ماهنی زنگاقلی

فدریکو قارسیا لورکا

هارای

یئلده

سروین کولگه سینی یازیر تورپاغا  
( قویون بیر آغلایم قیزیل تارلادا )

بو دونیانین قورولوشو داغیلیب  
سس سیز لیکن سونرا هر شئی  
اولوبدور

( قویون بیر آغلایم قیزیل تارلادا )

ایشیق سیز اوفوقو

قیغیلیملار چکیب دیشه

( دئدیم )

قویون بیر آغلایم قیزیل تارلادا )

جناب آقای وحید حسن زاده  
شروع زندگی جدیدتان را به شما  
و همسفر زندگیتان تبریک عرض می  
کنیم  
از طرف جمعی از دوستانتان در  
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

هاوادیان آرتیق  
سودان جوخ  
دوداقلاردان داهها  
یونگول یونگول  
جسمین جانینن آباق ینریدیر

سو یوخاری  
اورمان آشاعی  
قویو سس سیز  
بولاغین قارا دولو  
آعاجلارا سو آخیر  
کویون سحری دوداقلاردا آچیلیر

ایکی شعر اوکتاویو پاز دان

قایغی سینین آردینی اوزویله چکدی، سوغی  
تیکانلارینین اوزون و دورغون اوزوتولارینی  
و بیز گوزلریمیزی یومدوق، بیر ذات  
بیر یارا آیرماسین بیر - بیریمیزدن

آغلاماغین، گوزلرینین سوچو دنیل  
الترین، بو قیلنجی جانا باتیرمادیلار  
آیاقلارین بو یولو آرامادیلار  
بو قارا و ایبرنج چاخیر، اوزو اورینه یول  
آجدی

پابلو نرودا



دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

خزر

نشریه ترکی - فارسی دانشگاه

تربیت معلم آذربایجان



سال اول - شماره ۲ و ۳ - اسفند ۱۳۸۰

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امیر جهرد گشا

شورای سر دبیری: ایمان وقاری

آیت رشید کرشان - جعفر روش

سهراب موسیفر شیروان

مهدی از در کش

ناپ: حاتم هرور وند

صفحه آرا: محمد رضا فضایی

طراح: دینا شریفی

ادرس پسین نشریه: انجمن دانشجویان فرهنگ و ورزش

دانشکده فن و علوم پایه دانشگاه

تربیت معلم آذربایجان - دفتر کتابهای فرهنگی - نشریه خزر

تلفن: ۴۴۳۹۴۶۷ - داخلی ۲۴۰

۹۱۳۲۲۰۴۲۷۵ -

آدرس الکترونیکی:

KHAZARIMA@YAHOO.COM

AMIRCHEHREHIGOSHA@YAHOO.COM

مقالات افراد لزوماً دیدگاه نشریه نیست

خزر در ویرایش و خلاصه کردن مقالات آزاد است

مقالات ارسالی مسترد نخواهد شد

استنها به پیشنهاد و انتقادات کتبی، ترتیب اثر خواهد شد.

با تشکر از همه عزیزانی که ما را یاری دادند.

همکاران این شماره: محمد غفاری - رضا عالی - احد آئینی - غلام رضا سبحانی - بهرام قوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

بوساید:

عنوان	صفحه
سخن مدیر مسئول	۴
ده ده قورقود داستاقلاری	۶
اورجون بازیلاری	۷
آذربایجان و جامعه مدنی	۹
دگریذیری شالوده گفتگو و تکثرگرایی است	۱۲
بانک اوفوقلردن آخان قان	۱۴
آنالاردان جاتان سطر	۱۶
ایروان یک اہالت مسلمان نشین بود	۱۷
درددل یک ایرانی ترک زبان	۱۸
گذری بر افسانه های آذربایجان و مظاهر	۱۹
اخلاق صوفی در اشعار مسکین قلیچ	۲۱
بولماجا	۲۳
مصاحبه	۲۴
نامه جمعی از روشنفکران نویسندگان	
وهرمندان آذربایجانیه رئیس جمهور	۳۰
خسرلر	۳۱
نگاهی به مطبوعات آذربایجان	۳۴
ناماخالار حافظه سندنجه سور	۳۹
رسود بنین قاضی	۴۰
جاعدالی شعرلری	۴۱
سائعه	۴۷

مقالات افراد لزوماً دیدگاه نشریه نیست  
خزر در ویرایش و خلاصه کردن مقالات آزاد است  
مقالات ارسالی مسترد نخواهد شد  
استنها به پیشنهاد و انتقادات کتبی، ترتیب اثر خواهد شد.  
با تشکر از همه عزیزانی که ما را یاری دادند.  
همکاران این شماره: محمد غفاری - رضا عالی - احد آئینی - غلام رضا سبحانی - بهرام قوئی